

# انتظار موعود

فصلنامه علمی - ترویجی

سال چهاردهم، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۴۵

مهدویت و  
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

توسعه فرهنگی در عصر ظهور و چشم انداز آن در جامعه منتظر  
رحیم کارگر

چرایی و ضرورت الگوگیری از آرمان شهر مهدوی و نقش الگویی آن در توسعه و پیشرفت جامعه منتظر  
سید ابوالفضل موسوی آقداش - روح الله شاکری زواردی

مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت از نظر گاه اسلام با توجه به آرمان شهر مهدوی  
مجیب معنوی - غلامرضا بهروزی لنگ

شاخصه‌های سیاسی توسعه و پیشرفت از منظر اسلام با تکیه بر حکومت امام مهدی (عج)  
مرنضی شهرودی

بررسی مناسبات انتظار موعود و الگوی اسلامی پیشرفت در اندیشه ملام معتمد رهبری  
حسن ملایی - محمدصابر جعفری

درآمدی بر مبانی الگوی اسلامی پیشرفت با الهام از ویژگی‌های جامعه عصر ظهور  
حسین صالحی - حسن سرآبادانی - مهدی یوسفیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صاحب امتیاز:

مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم  
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مدیر مسئول: حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

سر دبیر: حجت الاسلام دکتر روح الله شاکری زواردهی

مدیر داخلی: محسن رحیمی جعفری

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

بهر روزی لک، غلامرضا	دانشیار دانشگاه باقرالعلوم
جباری، محمدرضا	دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
خسروپناه، عبدالحسین	دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
رضانژاد، عزالدین	دانشیار جامعه المصطفی العالمیه
رضایی اصفهانی، محمدعلی	دانشیار جامعه المصطفی العالمیه
زارعی متین، حسن	استاد دانشگاه تهران
شاکری زواردهی، روح الله	استادیار دانشگاه تهران
عیوضی، محمدرحیم	دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی
کلباسی، حسین	استاد دانشگاه علامه طباطبائی
کلباسی، مجتبی	استاد حوزه و دانشگاه
محمدرضایی، محمد	استاد دانشگاه تهران

همکار پژوهشی: مسلم کامیاب

ویراستار: ابوالفضل علیدوست؛ صفحه‌آرا: رضا فریدی

مترجم انگلیسی: زینب فرجام فرد

مترجم عربی: ضیاء الزهاوی

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶۱ - ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰ - شماره:  
وبسایت فصلنامه: [www.entizar.ir](http://www.entizar.ir)  
پست الکترونیکی: [Entizarmagg@gmail.com](mailto:Entizarmagg@gmail.com)  
قیمت: ۵۰/۰۰۰ ریال

نشانی: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه آمار، مرکز تخصصی مهدویت، دفتر فصلنامه انتظار موعود

اسامی ارزیابان این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

کارگر، رحیم	عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
عرفان، امیرمحسن	دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن دانشگاه معارف
محمدی، مسلم	استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران
بهروزی‌لک، غلامرضا	دانشیار دانشگاه باقرالعلوم
شاکری زواردهی، روح الله	استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران
لطیفی، رحیم	عضو هیأت علمی جامعة المصطفی العالمیه
یوسفیان، مهدی	عضو هیأت علمی مرکز تخصصی مهدویت

با استناد به نامه شماره ۳۱/۵۶۵۷ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۸ فصلنامه انتظار موعود به رتبه علمی - ترویجی ارتقا یافت.

فصلنامه انتظار موعود از طریق پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

(ISC) به نشانی: [www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir)

(بخش ایران ژورنال)

و سایت‌های:

[www.magiran.com](http://www.magiran.com)  
[www.noormags.com](http://www.noormags.com)  
[www.sid.ir](http://www.sid.ir)  
[www.entizar.ir](http://www.entizar.ir)

به طور تمام متن قابل دریافت است.

## راهنمای تدوین و نگارش مقالات

«فصلنامه انتظار موعود<sup>ع</sup>» نشریه‌ای علمی ترویجی است که به صورت تخصصی در حوزه معارف مهدوی به منظور ارتقای علمی معارف مهدوی و ایجاد فضای نقد و بررسی بین محققان و اندیشمندان حوزه مهدویت به نشر مقالات علمی - پژوهشی می‌پردازد. مخاطبان اصلی نشریه متخصصان و صاحب نظران معارف مهدوی بوده و فصلنامه تلاش می‌کند آخرین دستاوردهای علمی را در این زمینه به جامعه دینی عرضه کند. مقالاتی در این نشریه منتشر خواهد شد که به تأیید ارزیابان علمی مجله رسیده و دارای شرایط زیر باشد:

۱. مسأله محور بوده و بر یک موضوع خاص تمرکز کرده باشد؛
۲. دارای قدرت استدلال بوده و تبیینی باشد؛
۳. به منابع معتبر اسلامی و بویژه معارف اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> مستند باشد؛
۴. دارای نوآوری و ابتکار در تبیین آموزه‌های مهدوی بوده و تبیین‌ها و استدلال‌های جدیدی در عرصه مهدویت عرضه کند؛
۵. به شبهات و مسائل علمی پیش‌روی جامعه اسلامی پاسخ دهد.

### مقاله باید از نظر ساختاری دارای شرایط ذیل باشد:

- الف. مشخصات مقاله: در صفحه نخست باید عنوان دقیق مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان، رتبه علمی، تلفن و ایمیل درج شود؛
- ب. چکیده: حداکثر در ۱۵۰ کلمه که حاوی مسئله مقاله و مهم‌ترین نتایج مقاله باشد؛
- ج. واژگان کلیدی: (کلمات اصلی و کلیدی مقاله جهت نمایه)؛
- د. تیتراهای اصلی و فرعی مقاله مشخص شود؛
- ه. نتیجه‌گیری مطالب در انتهای مقاله، در ۱۰ الی ۱۵ سطر ذکر شود؛
- و. شیوه ارجاع به منابع داخل متن و طبق الگوی زیر باشد: (عباسی، ۱۳۸۴، ج: ۲، ۱۵)؛ در صورت تکراری بودن عنوان در یک سال: (حسینی، ۱۳۸۴ الف: ۱۲۴)؛
- ز. در پایان مقاله فهرست کامل منابع به شیوه زیر ذکر شود: نام خانوادگی، نام (سال). عنوان (پر رنگ)، مترجم، محقق یا مصحح، مکان نشر، ناشر، تعداد جلد (مثل ج: ۳)، نوبت چاپ.
- ح. برگردان لاتین اسامی و مفاهیم مهم و همچنین توضیحات ضروری در پاورقی بیاید.

## تذکرات

۱. مقالات، از ۱۶ صفحه (حدود ۴۸۰۰ کلمه) کم تر و ۲۵ صفحه (حدود ۷۵۰۰ کلمه) بیش تر نباشد.
۲. دو نسخه از مقاله تایپ شده (در قالب WORD در صفحات A4) به همراه لوح فشرده آن به دفتر فصلنامه ارسال شود.
۳. نتیجه ارزیابی مقالات، حداکثر تا ۳ ماه به نویسندگان اعلام خواهد شد.
۴. مقالات ترجمه‌ای پذیرفته نمی‌شود.
۵. هر مقاله باید دارای موضوع مستقل باشد (مقالات مسلسل پذیرفته نمی‌شود).
۶. مقاله قبلا در هیچ جای دیگر نباید چاپ شده باشد (از ارسال هم زمان مقاله به مجله دیگر جدا خودداری شود).
۷. مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شود.
۸. فصلنامه در چاپ مقاله هیچ تعهدی ندارد و تنها مقالاتی که امتیاز لازم از نظر ارزیابان مجله دریافت دارند، چاپ می‌شود.
۹. فصلنامه در ویرایش مقالات (با رعایت حفظ مفهوم مطلب) آزاد است.
۱۰. مطالب مندرج در فصلنامه صرفا دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.
۱۱. نقل و اقتباس از مطالب فصلنامه به شرط ذکر دقیق و کامل منبع بلا مانع است.

## فهرست مقالات

- توسعه فرهنگی در عصر ظهور و چشم انداز آن در جامعه منتظر ..... ۷  
رحیم کارگر
- چرایی و ضرورت الگوگیری از آرمان شهر مهدوی و نقش الگویی آن در توسعه و پیشرفت جامعه منتظر ..... ۳۱  
سیدابوالفضل موسوی آقداش - روح الله شاکری زواردهی
- مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت از نظر گاه اسلام با توجه به آرمان شهر مهدوی ..... ۵۷  
مجتبی معنوی - غلامرضا بهروزی‌لک
- شاخصه‌های سیاسی توسعه و پیشرفت از منظر اسلام با تکیه بر حکومت امام مهدی عج ..... ۸۵  
مرتضی شیروودی
- بررسی مناسبات انتظار موعود و الگوی اسلامی پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری ..... ۱۰۳  
حسن ملایی - محمدصابر جعفری
- درآمدی بر مبانی الگوی اسلامی پیشرفت با الهام از ویژگی‌های جامعه عصر ظهور ..... ۱۳۱  
حسین صالحی - حسن سرآبادانی - مهدی یوسفیان



## توسعه فرهنگی در عصر ظهور و چشم انداز آن در جامعه منتظر

رحیم کارگر \*

### چکیده

توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه، به منظور شناخت جایگاه آنان و افزایش دانش و معرفت انسان‌ها و آمادگی برای تحول و پیشرفت در پذیرش اصول کلی آن است. هدف نهایی توسعه فرهنگی، باید رشد و تعالی انسان، در همه ابعاد باشد. رشد مادی نیز زمینه ساز و لازمه تعالی انسانی است. البته روشن است که دستیابی به این هدف جز در صورت مناسب بودن بستر زیست انسان (جامعه)، محقق نمی‌شود. این مهم در جامعه آرمانی اسلام (جامعه موعود مهدوی) مورد توجه جدی قرار گرفته؛ در آن به مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی اهمیت خاصی داده می‌شود و فرهنگ جدیدی جایگزین فرهنگ‌های منحط می‌گردد. این توسعه فرهنگی شامل تمامی لایه‌های فرهنگ (عقیده، باور، ارزش، هنجار، رفتار، دانش، محصولات و نمادها) می‌شود و می‌تواند برای پیشرفت فرهنگی در جامعه منتظر چشم‌انداز مناسبی فراهم آورد. بر این اساس، چشم‌انداز توسعه فرهنگی کشور، باید بر پایه معارف و آرمان‌های والایی باشد که متخذ از آموزه‌های مهدویت بوده و در چشم اندازهای ملی بدان تصریح گردد.

واژگان کلیدی: آرمان شهر مهدوی، فرهنگ، توسعه فرهنگی، جامعه منتظر.

---

\* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مدیر گروه پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی.



یکی از مؤلفه‌های برجسته جامعه منتظر، امکان بهره‌مندی از ظرفیت‌های سرمایه معنوی انتظار و بالاتر از آن، توجه به الگوها و چشم‌اندازهای آرمان شهر مهدوی و عصر ظهور است. این جامعه موعود، تجلی کامل جامعه آرمانی اسلام و نشانه پویایی، ماندگاری و آینده‌نگری آن است. مهدویت، در منظومه معرفتی اسلام، جایگاهی برجسته و حیاتی دارد و الگوی عینی و عملی آن برای جامعه سازی، شخصیت‌سازی، آینده‌سازی، فرهنگ‌سازی، نظام‌سازی و تمدن‌سازی است. به همین دلیل می‌تواند نقشه راه پیشرفت جامعه‌ای متعالی باشد. اندیشه مهدویت، چشم‌انداز آفرین، تعالی‌بخش، جهت‌ساز و امیدآور است و به همین دلیل، مسیر حرکت اصلاحی و پیشرفت و توسعه را مشخص می‌کند. در واقع مهدویت، دارای ظرفیت‌های فراوان الگودهی و رشدآفرینی است که در دنیای امروز، می‌تواند سرمایه‌ای معنوی سترگی به حساب آید؛ به ویژه این‌که مطالعات و دستاوردهای آینده‌پژوهی با اتخاذ روش‌هایی در صدد بهره‌مندی از تصویرهای آرمان‌آفرین و چشم‌انداز ساز است. یکی از مشکلات اصلی جامعه بشری، به خصوص جامعه اسلامی ایران، نداشتن الگوی مناسب و جامع در پیشرفت و توسعه فرهنگی است و نظریات مختلف توسعه نیز در جهان سوم ناکارمندی خود را نشان داده‌اند.

کلمه «پیشرفت (توسعه)»، معمولاً توسعه اقتصادی را به ذهن متبادر می‌کند. کاربرد رایج دیگر این کلمه در ترکیب «توسعه سیاسی» است و «توسعه فرهنگی» در فراوانی سوم به کار می‌رود. یکی از ابعاد توسعه و پیشرفت، «توسعه فرهنگی» است. توسعه فرهنگی را می‌توان فرایند ارتقای شئون گوناگون فرهنگ جامعه در جهت تحقق اهداف مطلوب دانست که زمینه ساز تعالی انسان‌ها خواهد شد. تا مدت‌ها توسعه مقوله‌ای صرفاً اقتصادی تلقی می‌شد و کشورهای مختلف تنها از این جنبه به آن توجه می‌کردند. تصور غالب این بود که می‌توان به مدد الگوهای مختلف توسعه اقتصادی، رشد تکنولوژی، انباشت ثروت و مواردی از این قبیل، به اهداف جامعه‌ای توسعه یافته نایل آمد؛ اما به تدریج نگاه یک سویه به توسعه و تاکید بیش از حد بر مسائل اقتصادی، بروز مشکلاتی در عرصه‌های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و زیست

محیطی برای کشورهای پیشرفته را باعث شد. از سوی دیگر، استفاده از این الگوی توسعه توسط برخی کشورها ناآگاهانه، بر توسعه هماهنگ این کشورها آثاری منفی گذاشت.

مهم‌ترین مشکل در این‌جا نگاه تک بعدی و یکجانبه به پیشرف و توسعه، آن هم با محوریت توسعه اقتصادی و غربی است. در واقع نقش اساسی فرهنگ در پیشرفت و حرکت رو به جلو جامعه مورد غفلت قرار گرفته بود. می‌توان گفت فرهنگ به عنوان گنجینه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشری، نوع رفتار مردم آن جامعه را مشخص می‌کند. بدیهی است نمی‌توان بدون اعتنا به این مقوله مهم، به دنبال ایجاد تغییراتی در ابعاد مختلف جامعه بود؛ چراکه هرگونه تغییر و تحول در ابعاد جامعه، اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به نوعی پذیرش فرهنگی، در جامعه منوط است. به نظر برخی از پژوهشگران همه ابعاد توسعه باید در خدمت توسعه فرهنگی قرار گیرد. این نه تنها در آموزه‌ها و عقاید همه ادیان و مذاهب الهی است، بلکه در اهداف و آرمان‌های همه مکاتب غیر الهی بشری نیز به عنوان هدف غایی و نهایی زیست بشر قرار دارد. حتی از دیدگاه «یونسکو» توسعه فرهنگی عبارت است از:

توسعه و پیشرفت زندگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با واقعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد. یونسکو طی جلسات گوناگونی شرایط توسعه موزون و آگاهانه را به صورت برنامه ریزی آموزشی، سیاست فرهنگی و سیاست اطلاعاتی در دستور کار خود قرار داد.

بر این اساس، توسعه فرهنگی، برتری دادن فرهنگ بر همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه با هدف تعالی انسان است. بدون ایجاد بستر مناسب فرهنگی نمی‌توان به دنبال تحقق توسعه در ابعاد دیگر جامعه بود. اما مسئله اصلی این است که با چه شاخص‌ها و معیارهایی می‌توان توسعه فرهنگی را در اولویت قرار داد و الگوی توسعه فرهنگی، بایستی بر کدام نظریه یا نظریه‌های توسعه مبتنی باشد و اصولاً در جامعه اسلامی ایران باید با چه الگویی، پیشرفت و توسعه فرهنگی را در اولویت قرار داد و زمینه‌های اعتلا و رشد داخلی را فراهم آورد؟ از طرفی یکی از مسائل مهم در جامعه منتظر شناخت ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عصر ظهور و آشنایی با ابعاد مختلف رشد و شکوفایی در جامعه

آرمانی دین است. در واقع فرضیه مقاله حاضر این است که می‌توان ابعاد مختلف توسعه فرهنگی را در عصر ظهور شناسایی کرد و بر اساس آن، الگویی مناسب برای پیشرفت جامعه حاضر به دست آورد. در روایات مربوط به عصر ظهور و آرمان شهر مهدوی، شاخصه‌ها و مولفه‌های تحولات و تغییرات فرهنگی، به خوبی ترسیم و تبیین شده و امکان به دست آوردن سویه‌های توسعه فرهنگی از آن وجود دارد. با توجه به این مقدمه، در این مقاله ابتدا شاخصه‌ها و مولفه‌های توسعه فرهنگی در عصر ظهور بازکاوی شده و سپس چگونگی بهره‌مندی از این شاخصه‌ها در جامعه منتظر بیان خواهد شد. بر این اساس، مسئله اصلی این مقاله بررسی چستی و چگونگی توسعه فرهنگی در عصر ظهور و نحوه بهره‌مندی از این شاخصه‌ها در جامعه حاضر ماست.

#### چستی پیشرفت و توسعه فرهنگی

«توسعه (پیشرفت)»، در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱). محمد معین در فرهنگ فارسی خود توسعه را به گشاد کردن، فراخ کردن، گشادی و فراخی معنا کرده است. وی ذیل واژه توسعه یافتن معنای ترقی کردن را برای آن در نظر گرفته است.

توسعه، کوششی است برای ایجاد تعادلی تحقق‌نیافته یا راه‌حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود دارد. برای مثال، حتی در کشورهای پیشرفته، پیشرفت فکری و اخلاقی انسان با پیشرفت‌های فنی همسانی ندارد، و یا این‌که فرهنگ عامه با تکنیک‌های وسایل ارتباط جمعی هماهنگی ندارد.

توسعه، مفهومی چند بعدی است و اصولاً واژه توسعه با متعلق‌اش تعریف می‌شود؛ مانند توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی.

دادلی سیرز معتقد است توسعه در یک کشور، ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. باید دید در کنار افزایش درآمد سرانه، فقر، بیکاری و نابرابری در آن کشور تغییراتی کرده است یا نه؟ به

نظر او تنها در صورتی می‌توان مدعی وقوع توسعه در آن کشور شد که این شاخص‌ها بهبود یافته باشد (دبیری مهر، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

به هر حال منظور از توسعه، تحولی بنیادی در تمام جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، روانی و فرهنگی جامعه است.

توسعه، یعنی تغییر شکل در ساخت اقتصادی، نهادهای سیاسی و طرز تفکر و رفتار اجتماعی مردم. توسعه یافتگی و ساختن مدل‌های توسعه، یعنی ارائه راهبردهایی برای تبدیل جامعه عقب مانده از شکل کنونی آن، به شکلی جدید که پس از خاتمه روندی بلند مدت و تحولی همه جانبه تکوین خواهد یافت (گلدتروپ، ۱۳۷۰: ۱۶).

بروکفلید در تعریف توسعه می‌گوید:

توسعه را باید برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی، نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم. به طور کلی توسعه جریانی است که در خود، تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر این که بهبود میزان تولید و درآمد را دربردارد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و نیز ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربرمی‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۷: ۵۲).

مصطفی از کیا توسعه را به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیش‌تر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری تعریف می‌کند (از کیا، ۱۳۸۱: ۶۸). امروزه تلقی ما از مفهوم توسعه، فرآیندی است که به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه (به عنوان لازم و ملزوم) معطوف است. ابعاد مختلف توسعه ملی عبارتند از: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و اجتماعی و توسعه امنیتی (دفاعی). در این نوشتار تنها به توسعه فرهنگی خواهیم پرداخت؛ هر چند مناسب نیست بدون توجه به کلیه ابعاد توسعه، صرفاً به یک جنبه اولویت بخشید و دیگر بخش‌ها را نادیده گرفت.

«توسعه فرهنگی» از دو مفهوم «توسعه» و «فرهنگ» ترکیب یافته و در مورد آن تعاریف

متعددی از سوی محققان ارائه گردیده است. «فرهنگ» مهم‌ترین ویژگی تمایزبخش حیات انسانی از حیات غیرانسانی است و دارای عناصری همچون هنجارها، باورها و ارزش‌ها می‌باشد. واژه فرهنگ در زبان فارسی از واژه‌های بسیار کهن است که نه تنها در نخستین متن‌های نثر فارسی دری، بلکه در نوشته‌های بازمانده از زمان پهلوی به چشم می‌خورد. از نظر لغوی، اغلب، فرهنگ را به معنی عقل و دانش به کار برده‌اند؛ اما به معانی مختلف دیگری نیز آمده است که از آن جمله می‌توان به نیکویی تربیت و پرورش، بزرگی و عظمت، فضیلت و کار، شکوهمندی، حکمت، هنر، معرفت و علم فقه اشاره کرد. این معنا که شاید در تعریف تایلری برای نخستین بار مطرح شده است؛ این گونه آمده است:

فرهنگ کلیت درهم تافته‌ای است شامل؛ دانش، دین، هنر، قانون اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد (آشوری، ۱۳۵۷: ۷۱).

فرهنگ از دویعد متمایز مورد توجه قرار گرفته است:

الف: به عنوان واقعیتی عینی، نظیر آثاری که تحقق یافته، یا هر آنچه به عنوان حاصل یا نتیجه‌ای کسب می‌گردد. یعنی؛ فرهنگ مجموعه رفتارهای اکتسابی است؛

ب: به عنوان واقعیتی که انسان‌ها با آن زندگی می‌کنند، مشارکت در سلسله اموری مستمر و با تحرک، هیأتی پرتحرک و متشکل از ارزش‌ها (بیرو، ۱۳۷۰: ۷۹).

فرهنگ، نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد. فرهنگ میراث یک ملت، مجموعه رفتار آداب و رسوم، تلقی جمعی انسان از زندگی، جدا کننده انسان از حیوان، حاصل تجربه تاریخی ملل، فعالیت حیات مادی و معنوی بشر، نظامی از ارزش‌ها و دانش‌ها اشاراتی است که در تعاریف فرهنگ آمده است. فرهنگ دارای چهاردسته از عناصر اصلی است:

۱. عناصر مربوط به رابطه انسان با طبیعت (از قبیل تکنولوژی، صنایع دستی، طب سنتی،

طرز تهیه غذا، غیب‌گویی و جادوگری)؛

۲. عناصر مربوط به روابط انسان با خود و با دیگر انسان‌ها و طبیعت (از قبیل سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، مناسبات تولیدی، پیوندهای خانوادگی، معرفت به خویشتن، سواد، علم و تحقیقات، تغذیه مناسب، عدم از خود بیگانگی، عدم خودکشی)؛

۳. عناصری که بر روابط بین انسان‌ها حاکم‌اند (از قبیل زبان، ارتباطات، نظام آموزشی، جشن‌ها، هنرها، بازی‌ها، جنگ، ازدواج، عدم طلاق، عدم قتل، عدم سرقت، رعایت قانون، عدم تصادفات و روابط صحیح اقتصادی)؛

۴. عناصر حاکم بر روابط انسان با ماوراءالطبیعه (شامل تعالیم الهی و دینی، عقاید و اعمال عامه) (توحید فام، ۱۳۸۱: ۱۹).

با توجه به کلیت فرهنگ می‌توان گفت: توسعه فرهنگی فرایندی است که طی آن، با ایجاد تغییراتی در قابلیت‌ها، باورها و حوزه‌های اداری، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، شخصیت ویژه‌ای در آن‌ها به وجود می‌آید که حاصل آن، رفتارها و کنش‌های خاص متناسب با توسعه است. نکته‌ای که در بحث از فضای مفهومی توسعه فرهنگی حائز اهمیت است این است که در مواردی، توسعه فرهنگی را با فراموش کردن، بریدن و گسستن از سنت‌های گذشته یکسان می‌انگارند؛ در حالی که تعبیر توسعه فرهنگی به معنای گسستن از سنت‌های گذشته نیست؛ و بی‌تردید توسعه بر مبنای گسترش سنت‌ها و تجارب گذشته انجام می‌پذیرد؛ نه بر اساس نفی آن‌ها. توسعه فراگردی است که در آن سنت‌ها و تجارب گذشته از نو و بر اساس نیازهای تازه، بازاندیشی و بازسازی می‌شوند. از این جهت، مفهوم هویت فرهنگی نیز از توسعه جدا نیست. مهم‌تر از همه این که گذار به توسعه فرهنگی و دسترسی به توسعه در یک جامعه نیازمند ثبات و آرامش نسبی در آن می‌باشد؛ یعنی در شرایط جنگ و خون، زمینه‌های گذار به توسعه وجود نداشته و در شرایط جنگی بحث از توسعه بی‌معنی است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۴۹).

بر این اساس، توسعه فرهنگی به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن، فرهنگ از سطحی ساده و ابتدایی در یک سلسله مراحل متوالی، به اشکال پیشرفته و تکامل یافته‌تری تبدیل می‌گردد. توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به

منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش علم، دانش و معرفت انسان‌ها و آمادگی برای تحول و پیشرفت در پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد در جامعه می‌باشد. توسعه فرهنگی با تأکید بر هویت فرهنگی، بهینه‌سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسائل مربوط به خود را نوید می‌دهد و اخلاق و آداب و سنن جامعه را بهبود می‌بخشد و بر رونق بازار فنون و دانش و تکنیک می‌افزاید (ژیرار، ۱۳۷۲: ۲۲۵).

#### شاخصه‌های توسعه فرهنگی در آرمان شهر مهدوی

دو مفهوم بسیار مهم در برنامه ریزی توسعه، مفاهیم "فرهنگ توسعه" و "توسعه فرهنگی" است. در فرهنگ توسعه، فرهنگ هدف نیست؛ بلکه هدف و غایت برنامه، همانا توسعه و مشخصه‌های آن، مانند بالارفتن درآمد سرانه و رشد اقتصادی جامعه است. اما در توسعه فرهنگی، هدف، توسعه انسانی و داشتن انسان‌های پویا، سرزنده، آگاه، درست‌کردار و ارزش‌گرا است. در این توسعه، فرهنگ عامل اساسی و زیربنایی است، نه تجملی و زینتی (رنه مائو، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

توسعه فرهنگی نسبت به سایر ابعاد توسعه از بار ارزشی بیش‌تری برخوردار است و در ساختار فرهنگ یک جامعه به نیازهای معنوی در زندگی افراد برای هرگونه رشد و تغییر و تحول توجه می‌کند. این فرایند بر حوزه ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش انسان‌ها و قابلیت‌های فردی تأکید می‌کند و انسان‌ها را برای جامعه‌پذیری آماده می‌کند. این آمادگی، همان فرایند اجتماعی شدن است که در قالب نقش‌ها و کارکردهای نظام اجتماعی قابل بررسی است. در واقع در توسعه فرهنگی سنن و تجارب گذشته و قدیمی جامعه، حالت انباشت پذیر به خود می‌گیرند؛ و این مبنای رشد جامعه است. بر اساس سنت و تجارب گذشتگان می‌توان آینده‌ای نو بر اساس شناختی از نیازها و شرایط تازه بازنایشی کرد. توسعه فرهنگی را می‌توان فرایند ارتقای شئون گوناگون فرهنگ جامعه در جهت اهداف مطلوب دانست که زمینه ساز تعالی انسان‌ها خواهد شد. منظور از شئون گوناگون فرهنگ، نگرش‌ها،

ارزش‌ها، هنجارها، قوانین، آداب و رسوم است.

هدف نهایی توسعه فرهنگی باید رشد و تعالی انسان، در ابعاد مادی و معنوی انسان باشد. روشن است که دستیابی به این هدف جز در صورت مناسب بودن بستر زیست انسان، یعنی جامعه محقق نمی‌شود. بنابراین در یک الگوی مناسب برای توسعه فرهنگی، باید راهکارهایی برای بهبود شرایط زندگی انسان‌ها نیز پیش‌بینی شود. فرهنگ بر اساس صورت آن، به مثابه شخصیت و شاکله جامعه، متشکل از هویت درونی و بیرونی آن است. عناصر فرهنگی را می‌توان در قالب هرم لایه‌های فرهنگی نگریست که از قاعده به رأس در بخش‌های عقیده، باور، ارزش، هنجار، رفتار، دانش، محصولات و نماد می‌گنجد. عقیده و باور و ارزش‌سازنده هویت درونی و هنجار، کنش و رفتار، دانش، محصولات و نماد تشکیل‌دهنده هویت بیرونی یا همان سبک زندگی هستند.

در هرم فرهنگ، سبک زندگی صورت بیرونی، عینی و واگویه هویت درونی فرد است. هویت درونی یا همان فرهنگ به معنای خاص یعنی تصویر فرد از خود، جهان پیش روی خود و ارزش‌های منبعث از آن. ترکیب هویت بیرونی و درونی، شکل‌دهنده فرهنگ به معنای عام هستند. لایه باور، به تصور هر فرد از خود و جهان اطرافش اطلاق می‌شود و لایه ارزش‌ها، به مجموعه بایسته‌ها و نابایسته‌ها، شایسته‌ها و ناشایسته‌های مستخرج از باور اشاره دارد. این ارزش‌ها با ایجاد تعامل فرد با جامعه و محیط خود، به لایه هنجار، تغییر ماهیت می‌دهند. هر نمود و عملی که فرد در مواجهه با خود، محیط و دیگران (خانواده و جامعه) از خود بروز می‌دهد، شکل‌دهنده لایه رفتارهای فرد است. لایه دانش، همان صورت ذهنی ایده‌ها، واقعیت‌ها، مفاهیم، داده‌ها و تکنیک‌های ثبت‌شده در حافظه انسان است که از مغز او سرچشمه می‌گیرد و بر اطلاعاتی مبتنی است که با تجربه، باورها و ارزش‌های شخصی، همراه با تصمیم و عمل وی، دگرگون و بارور می‌شود. می‌توان ادعا کرد لایه دانش به نوعی نظام‌یافته لایه‌های پیشین خود محسوب می‌شود و تا زمانی که در قالب کالا یا خدمت آموزشی انتشار عمومی نیافته، به فرد وابسته است. با توجه به این لایه‌های فرهنگ، می‌کوشیم ابعاد مختلف توسعه فرهنگی در آرمان شهر مهدوی را بررسی و تحلیل کنیم.



از موضوعات و مباحث مهم درباره باورداشت مهدویت، بحث مؤلفه‌ها و ابعاد فرهنگی آن است. ابتدا بهتر است به این نکته اشاره کنیم که چند امر جهانی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد:

اول، باورداشت جهانی به وجود موعود است و این که در برهه‌ای از زمان توسط یک مرد الهی، حکومت بزرگ و گسترده جهانی شکل خواهد گرفت.

نکته بعدی این که اهداف و برنامه‌های اصلاحی منجی موعود جهانی است و شامل همه افراد و موضوعات می‌شود. مسلماً بشر در همه امور خود در هر جای عالم، دارای مشکلات عدیده و کاستی‌های فراوانی است که توسط امام مهدی علیه السلام رفع خواهد شد.

مسئله بعدی، انقلاب و قیام جهانی ایشان است. در واقع برای این که بتوانیم به مدینه فاضله اسلامی برسیم باید به مقدمات آن نیز توجه کنیم. مهم‌ترین این مقدمات شکل‌گیری انقلاب جهانی با حضور صالحان و توده‌های مستضعف از سرتاسر عالم است که به پیروزی و تشکیل حکومت جهانی منجر می‌گردد.

وقتی که این انقلاب و تشکیل حکومت جهانی تحت امامت و رهبری امام مهدی علیه السلام شکل گرفت، برخی برنامه‌ها و اقدامات برای توسعه فرهنگی و اصلاح امور پیگیری می‌شوند که همه آن‌ها جنبه جهانی و عمومی دارند. در واقع تحقق این اهداف به ابزار و وسیله‌هایی نیاز دارد که مهم‌ترین آن حکومت جهانی است. اهداف و آرمان‌ها و توسعه فرهنگی در پرتو این حکومت جهانی محقق خواهد شد. براساس روایات، گستره این حکومت، از شرق تا غرب عالم بوده و مرکز آن شهر کوفه و مسجد کوفه است. در واقع حضرت مهدی علیه السلام خود کارگزاران جهان را انتخاب و به سراسر دنیا برای حکومت اعزام می‌کند، این زمانی اتفاق می‌افتد که ایشان همه حکام ستمگر و باطل‌گرا را از بین می‌برد. این حکومت دارای ابعاد و زوایای مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که در روایات به خوبی شرح و بیان شده است (ر.ک: کارگر، ۱۳۸۵: ۲۹۰-۳۳۰).

به نظر می‌رسد مهم‌ترین بعد و مؤلفه حکومت جهانی، بعد «فرهنگ» است؛ یعنی در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و یک تحول فرهنگی عظیم صورت می‌گیرد و فرهنگ

جدیدی جایگزین فرهنگ‌های ناسالم و منحط می‌گردد. ظهور، دوران گسترش فرهنگ سالم و انسانی در همه سطوح جامعه و زدودن خرافات، پیرایه‌ها و آداب و رسوم ناسالم و غیر مفید است. همچنین عصر فعالیت‌های گسترده فرهنگی است؛ یعنی بعضی از مشکلات و کاستی‌های جامعه، از طریق فرهنگی (تبلیغی و آگاهی بخشی و ارشادی) قابل حل است و اقدامات حکومت جهانی نیز، بیش‌تر ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد. در این برهه نورانی، انسان‌ها به عمق و زشتی مفاسد اخلاقی و کژتابی‌های فکری و عملی پی می‌برند و از آلودگی‌ها بی‌زار می‌گردند و این تنها در سایه ترویج و تعمیق «فرهنگ برتر دینی» و یا «فرهنگ سازی جامع» است؛ در روایتی آمده است:

يَدْعُو النَّاسُ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ...؛ مهدی علیه السلام مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر و... دعوت می‌کند (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۷).  
نیز: يَظْهَرُ عَلَى الثَّقَلَيْنِ وَ لَا يَتْرُكُ فِي الْأَرْضِ الْأَدْتِينَ؛ بر ثقلین (انس و جنس) پیروز می‌شود و ریشه پستی و انحراف را از روی زمین بر می‌دارد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۵۷۸).

این فرهنگ‌سازی جامع، همان اصلاح‌گری اخلاقی و الهی است که جامعه و انسان‌ها را از فساد و انحطاط فرهنگی به دور می‌سازد: «ان يصلح امة بعد فسادها» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۷۳). با توجه به روایات ابعاد مختلف توسعه فرهنگی در عصر ظهور را می‌توانیم در لایه‌های فرهنگی ذیل تبیین کنیم:

#### ۱. شاخصه‌های توسعه فرهنگی در حوزه باورها

در حوزه باورها، حضرت مهدی علیه السلام به تکمیل عقول و فهم بشر مبادرت می‌ورزد و زمینه‌های رشد فکری آنان را فراهم می‌سازد. در این جهت باورهای اعتقادی صحیح دینی را بر اساس آموزه‌های اسلام ناب به مردم می‌آموزاند. به همین دلیل در روایات آمده است که مهم‌ترین کار حضرت دعوت مردم به توحید، حاکمیت اسلام و قرآن و ولایت مداری است:

يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ؛ مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر، ولایت علی بن ابی‌طالب و بیزاری از دشمنان او دعوت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۲۸۰) و: لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ

الْأُنُودَىٰ فِيهَا شَهَادَةٌ لِّإِلَهِ الْإِلَهِ؛ هنگامی که او قیام می‌کند، زمینی باقی نمی‌ماند، مگر آن که گلبانگ توحید در آن بلند گردد (حسینی، ۱۴۰۹: ۴۱۶).

## ۲. شاخصه‌های توسعه فرهنگی در حوزه ارزش‌ها

در بحث ارزش‌ها، حضرت، مبتنی بر اخلاق اسلامی، انقلابی فرهنگی و ارزش‌های بدیعی را برای جامعه جهانی به ارمغان می‌آورد. این ارزش‌ها در حوزه اقتصاد، انسان‌ها را شخصیت مستغنی و بی‌نیاز و غیرمادی و غیرمترف بارمی‌آورد. در حوزه سیاست نیز فرهنگ شایسته‌سالاری و فرهنگ حق‌مداری حاکمیت می‌یابد و حکومت صالحان معیار و شاخص فعالیت‌ها قرار می‌گیرد. بر اساس این فرهنگ سالم، ریشه ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و قدرت‌گرایی خشک می‌شود. مهم‌تر از همه ضمن توجه وافر به معنویت و اخلاق الهی، آن‌ها را از فرهنگ ناسالم و ملحد سابق دور می‌کند. سستی در اجرای حدود الهی، عمل به قوانین بشری مخالف با دستورات دینی، تبعیض و برخورد چندگانه با تکالیف دینی، تفسیر و تحلیل شخصی و نادرست از آن‌ها، غرق شدن در زندگی مادی و شهوانی، از جمله مؤلفه‌هایی است که انسان در عصر ظهور از این مؤلفه مبرا می‌گردد.

لَا يَبْتَئِي مَوْضِعَ قَدَمٍ إِلَّا وَطِئًا وَأَقَامًا فِيهِ الدِّينَ الْوَاجِبَ لِلَّهِ؛ جای پایی در روی زمین نمی‌ماند، جز این‌که به آن جا گام می‌نهد و آیینی را که از سوی خداوند واجب گشته، اقامه می‌کند (حلی، ۱۴۲۱: ۴۵۶). ... و:  
يُمَهِّدُ الْأَرْضَ وَيُحْيِي السَّنَةَ وَالْفَرَضَ؛ زمین را مه‌د زندگی می‌سازد و سنت و واجبات دینی را زنده می‌کند (صافی، ۱۴۱۹: ۲۱۰).

## ۳. شاخصه‌های توسعه فرهنگی در حوزه هنجارها

در حوزه هنجارها، ملاک‌ها و معیارهای هنجاری بودن رفتارها و گفتارها تغییر اساسی می‌یابد و هنجارهای جدید براساس قرآن و رهنمودهای اسلام تفسیر و تعیین جایگزین سنت‌ها و هنجارهای جاهلی می‌گردد. هنجارپذیری، فرایندی است که به انتقال آموزه‌های اخلاقی و مکارم انسانی و تثبیت آن‌ها در افراد منجر می‌شود. در این فرایند، همچون جامعه‌پذیری، ارزش‌های اخلاقی تبیین و تشریح می‌گردند و ضمن آگاه کردن انسان‌ها از

آن‌ها، زمینه‌های کشتش درونی به آن‌ها را فراهم می‌سازند. مهم‌ترین ویژگی هنجارپذیری انسان، فهم و پذیرش قوانین ثابت اخلاقی و تلاش برای گسترش و حاکمیت این اصول است. مهم‌ترین برنامه امام مهدی علیه السلام حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و آگاهی بخشی به مردم در این زمینه است؛ چنان‌که در روایتی آمده است:

يَشِيرُ بِالتَّقَى وَ يَعْمَلُ بِالهُدَى وَ لَا يَأْخُذُ فِي حُكْمِهِ الرَّشَا؛ تقوا و پرهیزگاری را مطرح می‌کند و بر اساس هدایت‌گری رفتار می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۲۶۹) و نیز: او مردم را به حق (راه حق) فرا می‌خواند و به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم رفتار کرده و عمل او را مبنا قرار می‌دهد (نعمانی، ۱۳۷۹: ۱۶۴).  
امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: يُعْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى؛ مهدی مردمی را که از مسیر نورانی انبیا صلی الله علیه و آله منحرف شده و از هوا پیروی می‌کنند، به سوی هدایت برمی‌گرداند، آن هنگام که آن مردم، هدایت را به هوا و هوس خود ارجاع می‌نمایند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸).

#### ۴. شاخصه‌های توسعه فرهنگی در حوزه رفتارها

در حوزه رفتارها، در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام همه رفتارهای شرک‌آلود و فساد آلود، شر تلقی شده و با آن‌ها به شدت برخورد خواهد شد. این مسئله هم در جهت تربیت دینی و امر به معروف و نهی از منکر است و هم برای حاکمیت قوانین اخلاقی در اجتماع از سوی حکومت جهانی مهدوی پیگیری می‌شود:

يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ، وَ لَا يَرَى مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ؛ او به کتاب خدا عمل می‌کند و منکری در شما نمی‌بیند، مگر این‌که از آن نهی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۳۷۸).

نیز:

يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ، وَ لَا يَرَى مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ؛ شر از بین می‌رود و خیر باقی می‌ماند... زنا و شراب‌خواری و ربا ریشه‌کن می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۴۷۴).

همچنین:

لِيُطَهَّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ وَ لِيَعْمَلَنَّ بِالْعَدْلِ...؛ زمین را از هر فریب کاری پاک

می سازد و به عدالت رفتار می کند... (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۱: ۱۲۰).

نیز:

لَا يَتْرُكُ بِدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا؛ هیچ بدعتی نیست، مگر آن که مهدی آن را خواهد زدود و سنتی نیست، جز این که آن را برپا خواهد داشت (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۳۳۹).

##### ۵. شاخصه‌های توسعه فرهنگی در حوزه دانش‌ها و علوم

در حوزه دانشی نیز، علم در تمام رشته‌ها و مصادیق به حد اعلای خود شکوفا خواهد شد و جهالت و نادانی و انحراف فکری زدوده می‌شود. به همین خاطر از مجهولات و ناگفته‌های دانش رمزگشایی و حکمت و دانش واقعی به مردم آموخته خواهد شد و تعلیم حکمت قدسی بارزترین ویژگی عصر ظهور است تا مردم در پرتو آن، پاک‌گزین و خیرگرا شوند و از نیروی دانش و خرد، در جهت نورانیت و معنویت درون استفاده کنند:

تُوتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ...؛ در زمان ظهور، به مردم حکمت عطا می‌شود.

نیز:

يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَ عَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا؛ خدای عزوجل به وسیله او، زمین را پس از تاریکی آن از نور آکنده می‌سازد و پس از ستم آن، از داد پر می‌نماید و آن را پس از جهل و نادانی، از دانش مالا مال می‌کند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۶۰).

البته برای این که اندیشه‌ای واحد و جامع شکل بگیرد، آن حضرت حقایق قرآنی و

آموزه‌های اصیل آن را تعلیم می‌دهد و موجب دانایی پرهیزگاران انسان‌ها می‌شود:

... يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ؛ قرآن، همان گونه که خداوند

نازل کرده به مردم یاد داده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۳۳۹).

و:

استأنف بکم تعلیم القرآن و شرایع الدین... کما انزل الله علی محمد؛ وقتی قائم قیام می‌کند، قرآن و احکام دین را همان گونه که بر پیامبر ﷺ نازل شده است، از نو به شما می‌آموزد (حر عاملی، بی تا، ج ۳: ۵۶۰).

تحولات فرهنگی در حوزه علوم بسیار گسترده است. در آن عصر همه اهداف و خواسته های بشری به حقیقت می پیوندد و دانش و شناخت انسان ها کامل می شود و دیگر مجهولی در هیچ یک از علوم و دانش ها باقی نمی ماند. از حقایق مادی و معنوی، پرده بر داشته می شود و مجهولات و نادانسته ها برای همگان روشن می گردد. امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

علم و دانش ۲۷ حرف است. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته اند؛ اما هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می کند تا ۲۷ حرف انتشار یابد (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۸۴۱).

امام باقر علیه السلام نیز از این تحول علمی این گونه خبر داده است:

تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ؛ در دولت مهدی علیه السلام به همه مردم، حکمت و علم می آموزند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۸).

روایات، جهان را در روزگار امام عصر علیه السلام جهانی متمدّن و در اوج قدرت و پیشرفت علمی معرفی می کند و به طور کلی صنعت در آن روزگار، با صنعت کنونی فرسنگ ها فاصله خواهد داشت. به عنوان نمونه درباره پیشرفت فن آوری در ارتباطات آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام می کند، خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آن ها و قائم، نامه رسان نخواهد بود. با آن ها سخن می گوید و آن ها سخنش را می شنوند و او را می بینند؛ در حالی که او در مکان خویش است و آن ها در نقاط دیگرند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۲۴۱).

### سه. جامعه منتظر و چشم انداز توسعه فرهنگی در آن

یکی از مسائل اساسی جامعه منتظر، نحوه تعامل و رابطه آن با آرمان شهر مهدوی و وظایف و مسوولیت های این جامعه در برابر آن است. در واقع این سوال به طور جدی مطرح است که آیا جامعه موعود مهدوی، می تواند به عنوان الگو و سرمشق جامعه منتظر قرار گیرد و

یا به همان عصر ظهور اختصاص دارد؟ اصولاً چشم انداز توسعه فرهنگی در این جامعه باید با توسعه فرهنگی در عصر ظهور چه نسبتی داشته باشد. در این جهت ابتدا به روایتی از پیامبر اکرم ﷺ اشاره می‌کنیم که فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَيَتَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّهِ وَيَتَوَلَّى الْأَائِمَّةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أَوْلِيكَ رُفَقَائِي وَذُو وَدِّي وَ مَوَدَّتِي وَأَكْرَمَ أُمَّتِي عَلَيَّ؛ خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک و پیش از قیامش به او اقتدا کند. دوست او را دوست بدارد و از دشمن وی بیزاری جوید و ولایت امامان هدایتگر پیش از او را نیز بپذیرد. اینان دوستان من و مورد علاقه و محبت من و گرامی‌ترین امت من در نزد من هستند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۱۲۹).

اصل نخست در سیره هر یک از معصومان علیهم‌السلام جواز اقتدا به آنهاست؛ یعنی، می‌توان از رفتارهای فردی، اجتماعی، عبادی و سیاسی معصومان علیهم‌السلام الگو گرفت. آیات و روایات نیز پیروی از معصومان علیهم‌السلام را لازم می‌دارد و اطاعت از آنها و متابعت از عمل آنها را ضروری می‌شمارد. با وجود همه این ادله عام، درباره اقتدا به سیره مهدوی می‌توان به ادله‌ای خاص نیز استناد کرد؛ مانند روایاتی که سیره حضرتش را همان سیره رسول الله ﷺ معرفی می‌کند؛ مانند روایاتی که شرط ظهور مهدی علیه‌السلام را صالح شدن مردم قرار می‌دهد و سبب طول غیبت و تأخیر در فرج را نیز گناهان و نافرمانی مردم از اوامر خدا، پیامبر و ائمه علیهم‌السلام می‌داند. روایاتی که مضمونشان یاری جستن آن حضرت از ما و لزوم یاری دادن و بیعت با اوست، نیز از این دست به شمار می‌روند. در هر حال اگر آنچه به وقوع می‌پیوندد، سنت الاهی و متعلق مشیت او باشد و بشر را به آینده امیدوار سازد، چه دلیلی وجود دارد که در راه تحقق آن نمی‌توان کوشید و افعال و اعمال ما هیچ دخالتی در تحقق آن ندارد (ر.ک: اسلامی، ۱۳۸۸: ۸۴-۸۸).

بر این اساس حکومت عدل جهانی، واقعیتی تحقق پذیر در آینده است که مانند همه حوادث اجتماعی، از علل و عوامل واقعی خودش ناشی می‌شود. همه آنچه در ادله نقلی ما از سیره عملی مهدی موعود علیه‌السلام پیش‌گویی شده، گویای آن است که مهدی موعود علیه‌السلام احیاگر دین و شریعت، عامل به کتاب خدا، برپادارنده احکام واقعی اسلام و سنت نبوی ﷺ است. حضرت مجری احکام ثابت اسلامی است که به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد. پس، از

این اصل بیرون نمی‌رویم، مگر در مواردی که یقین کنیم آنچه درباره حضرت فرموده اند، به فرمان‌های حکومتی در حدود اختیارات حاکم و نحوه تشخیص مصلحت با لحاظ زمان و مکان ظهور مربوط است.

از طرفی مهم‌ترین نکته کلیدی در فرهنگ سازی حکومت جهانی و تحول فرهنگی بزرگ در آن دوران زیبا، بحث رسیدن مردم به کمال است. پس کلید واژه فرهنگی در عصر ظهور، کمال‌گرایی و رشد و تعالی معنوی و روحی مردم جهان است. که باید زیر بنای توسعه فرهنگی در عصر غیبت باشد. کمال‌نهایی همان عبودیت خداوند و قرب به اوست که از طریق کمالات فرعی محقق می‌شود. در این جهت مردم ابتدا به «کمال عقلی» می‌رسند و بی‌بصیرتی از آن‌ها زدوده خواهد شد. همچنین مردم به «کمال اخلاقی» نایل خواهند آمد که مهم‌ترین ثمره آن معنویت، عمل صالح، توجه به حسنات و نیکی‌ها و دوری از رذائل و زشتی‌های اخلاقی است و در نهایت به «کمال اجتماعی» می‌رسند که در عدالت ظهور و بروز دارد. بر این اساس، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام خواهد توانست بر مشکلات و ناراستی‌های فرهنگ غلبه کند و یک فرهنگ سالم و انسانی را گسترش دهد (کارگر، ۱۳۸۸: ۴۵-۸۰).

با توجه به این استدلال و نیز شاخصه‌های فرهنگی توسعه در عصر ظهور، می‌توان برخی معیارها و ملاک‌ها به دست داد که امکان بهره‌مندی از این شاخصه‌ها را در توسعه و پیشرفت فرهنگی جامعه روشن سازد. به رغم یکی از پژوهشگران (پژوهنده، ۱۳۸۰: ۱۰۱) برای دستیابی به پیشرفت و توسعه، به معنای عام آن، باید ویژگی‌هایی را در نظر داشت. این ویژگی‌ها و سایر ویژگی‌های مهم توسعه و پیشرفت در آرمان شهر مهدوی، به روشنی قابل ردیابی است:

۱. تناسب در رشد عناصر توسعه؛ یعنی همه عناصری که متعلق توسعه هستند یا به پای هم و فراخور استعداد، نیاز، توقع و در سطحی عادلانه رشد یابند تا بتوانند همخوانی داشته و یکدیگر را کمک کنند. این شرط هم در مجموعه مؤلفه‌های هر عنصر و هم در زیرمجموعه آن باید لحاظ گردد. مثلاً اگر توسعه در آموزش مورد نظر است همه آموزش‌ها از عالی‌ترین



سطح تا ابتدایی‌ترین آن‌ها، و درهمه زمینه‌ها و درهمه شکل‌ها از حد متناسب توسعه برخوردار باشند؛ چنان که این حد را به همین گونه در عناصر دیگر نیز رعایت می‌کنیم. یکی از واقعیت‌های توسعه فرهنگی در عصر ظهور، تعادل، تناسب، فراگیری و عام‌نگری است؛ یعنی پیشرفت در همه زمینه‌ها و ابعاد و نگاه کامل و فرابخشی به همه مسائل زندگی بشری با رعایت عدالت و برابری. در شاخصه‌های فرهنگی توسعه در آرمان شهر مهدوی به این نتیجه رسیدیم که همه ابعاد و زوایای فرهنگ مورد توجه و بازسازی جدی قرار می‌گیرد؛ چنان که در روایتی به صراحت چنین اشاره شده است:

يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَنُورًا وَبُرْهَانًا...؛ زمین را از... عدل و قسط و نور و برهان آکنده می‌سازد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۹۱).

۲. توسعه از زاینده‌گی و فزاینده‌گی (رشد کمی و کیفی) متناسب برخوردار باشد. به دیگر بیان، رشد درون‌زا و برون‌زا سبب گردد تا توسعه درون‌زاد و برون‌زاد تحقق پیدا کند تا همراه با غنایابی از خویش بتواند به محیط پیرامونی خود غنابخشی داشته باشد. در عصر ظهور بیش از همه چیز، منافع مادی و معنوی مردم در نظر گرفته می‌شود و در همه ابعاد و زوایای زندگی انسانی، تحول و تغییرات مثبت و پرفایده ایجاد می‌گردد. البته سمت و سوی همه کارکردها، برنامه‌ها و خط و مشی‌ها، هر چند سیاسی و اقتصادی به سوی خدای متعال و تکامل اخلاقی انسان‌ها است؛ اما این امر موجب غفلت از مسائل ظاهری و مادی زندگی نمی‌شود. یکی از نشانه‌های این امر، عدم نیازمندی به اموال و استغنای مردم در آن دوران و نبود هیچ نوع ستیز و تکاپو برای به دست آوردن چیزی است:

تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرُ؛ در دولت او مردم (نیکان و فاجران) آن چنان در رفاه و آسایش به سر می‌برند که هرگز نظیر آن دیده نشده است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۶۷).

۳. رشد فراگیر هم در قلمرو خاص ملی و هم در سطح انسان جهانی مورد نظر باشد. از این رو این رشد در دو برنامه داخلی و بیرونی باید نگرست. برنامه توسعه و پیشرفت فرهنگی در عصر ظهور ضمن توجه به مسائل داخلی امت اسلامی، فراگیر و جهانی خواهد بود و

گستره آن از شرق تا غرب دنیا را فرا خواهد گرفت؛ چنان که محدث نوری می‌نویسد:  
از صفات و ویژگی‌های مهدی علیه السلام، فرا گرفتن سلطنت آن حضرت تمام روی  
زمین را از شرق تا غرب، بر و بحر، معموره و خراب و کوه و دشت است. نماید  
جایی که حکمش جاری و امرش نافذ شود و اخبار در این معنا متواتر است.

قرار گرفتن جهان تحت مدیریت واحد و کارآمد فرهنگی و سیاسی مهم‌ترین ویژگی این  
آرمان شهر موعود است؛ به طوری که خودرایی‌ها، مقام پرستی‌ها و خود محوری‌ها از بین  
خواهد رفت؛ چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

و يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛ دولت و سلطنت مهدی علیه السلام همه شرق و غرب  
جهان را در بر می‌گیرد (همان، ج ۳: ۲۹۷)

نیز:

يُفَرِّقُ الْمَهْدِيَّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَيَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...؛ مهدی،  
اصحاب خود را به همه کشورها پراکنده می‌کند و به آنان دستور می‌دهد که به  
عدل و احسان به پای دارند (حائری، ۱۴۲۲، ج ۲: ۱۷۲).

چنان که گذشت یکی از ویژگی‌های عصر ظهور، فراگیر شدن اصل توحید و ایمان به  
وحدانیت خداوند است که باید مبنای همه برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرد.

۴. رشد به دلیل خاستگاه و نیز ماهیتی که دارا می‌باشد، مسئله‌ای اجتماعی - فرهنگی  
است؛ از این رو، باید در بوته فرهنگ ملی و برپایه مقتضیات آن قرار بگیرد. به نظر می‌رسد  
باید فراتر از این به توسعه فرهنگی نگاه کرد و علاوه بر خاستگاه بومی و ملی آن، باید به  
خاستگاه فطری و درونی آن توجه کرد. توسعه فرهنگی در عصر ظهور متناسب با فطرت و  
نهاد انسان‌ها و کوشش در جهت بازگرداندن آنان به جایگاه اصیل انسانی خود است. در واقع  
کیان اصلی توسعه فرهنگی، انسانیت انسان و باقی ماندن او بر فطرت پاک و یا بازگشت به  
این سرشت و سیرت الاهی است. این اصل مسلم، رکن پایدار اندیشه مهدویت و از  
مکانیسم‌های مهم پیشرفت و توسعه فرهنگی در عصر ظهور است:

... حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمِ الْأَوَّلِ لَا يُوقَفُ نَائِمًا وَ لَا يُهْرَيْقُ دَمًا؛ مردم  
به فطرت خویش باز می‌گردند، نه خونی به ناحق ریخته می‌شود و نه خوابیده‌ای

را بیدار می‌کنند» (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۵: ۲۷۱).

نیز:

تَطْيِبُ الدُّنْيَا وَأَهْلِهَا فِي أَيَّامِ دَوْلَتِهِ...؛ دنیا و مردم آن در دوران حکومت مهدی عج، پاک و پاکیزه می‌شوند (همان: ۲۳۴).

۵. رشد متناسب میان فرهنگی در سپهر تمدنی خاص و معین باید مورد حمایت واقع شود. این مسئله پیوستگی چند ملت با فرهنگ‌های مختلف و خاص؛ لیکن دارای تمدن واحد (هم‌چون تمدن اسلامی) را سبب می‌شود و همین امر سبب می‌گردد مؤلفه‌های رشد قوی‌تری در اختیار قرار بگیرد و در نتیجه بازدهی رشد بیش‌تر شود. با ظهور مصلح کل و بالا رفتن بینش و آگاهی مردم و از بین رفتن منیت‌ها و خودخواهی‌ها، پیوستگی عجیبی در میان انسان‌ها به وجود خواهد آمد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

تمام جهان، ملت واحد می‌شوند و آن ملت اسلام است و هرچه معبود غیر خدا در زمین باشد، به آتش فرود آینده از آسمان، خواهد سوخت (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۴۳۶).

۶. رشد بر مبنای برنامه جامع در یک نظام اجتماعی کارشناسی شده و حساب شده قرار داشته باشد؛ یعنی ابتدا نظام‌های آموزشی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... با هم یک نظام دقیق و جامع اجتماعی را بسازند و آن‌گاه رشد بر اساس آن استواری یابد. در آرمان شهر مهدوی، قرآن محور زندگی بشر قرار می‌گیرد و به عنوان طرح و برنامه عادلانه کاملی است که عدالت خالص واقعی را در برداشته و برای آدمیان سعادت و خوشی به بار آورده و تضمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی او خواهد بود. حضرت علی علیه السلام فرمود:

وَيَعْظِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظَفُو الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ در آن هنگام که مردم قرآن را به رای خود تفسیر کنند، امام زمان عج، آرا و نظر آنان را تابع قرآن قرار می‌دهد (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸).

بر این اساس، باید طبق چشم انداز جامعه آرمانی مهدوی، وضعیت مطلوب را در جمهوری اسلامی ایران معماری کنیم و بر پایه آن، وضعیت مطلوب را با نگاه ارزش‌های اسلامی به تصویر کشیده و قادر به مهندسی آن در وضعیت مطلوب قادر باشیم. ترسیم

وضعیت مطلوب از جامعه آرمانی مهدوی، تلاش و همکاری گروه اهل فکر و اندیشه را می‌طلبد. استخراج چشم انداز مهدوی از آیات و روایات، همراه با بررسی و تحلیل قانون اساسی و سند چشم انداز و نیز استخراج ارزش‌های اساسی و نیز اهداف بنیادین مهدوی، ضرورتی انکار ناپذیر در توسعه فرهنگی مطلوب و آرمانی جامعه ماست.

### نتیجه‌گیری

«توسعه فرهنگی» مفهومی است که به واسطه ارتباط عمیق آن با فرهنگ ملی در هر کشور شکلی خاص می‌یابد. برای توسعه یافتگی جامعه اسلامی ایران، باید به ارزش‌ها و باورها و حضور پررنگ آن در تار و پود اندیشه و رفتار مردم از یک‌سو و تحوّل طلبی و نوگرایی در اندیشه و رفتارها از سوی دیگر به صورت ترسیم الگویی که در برگرفته عناصر تاثیرگذار بر فرهنگ بومی است، توجه شود. بر این اساس، همه تلاش‌ها در حوزه‌های مختلف توسعه مانند علمی، فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در نهایت باید به ساخته شدن انسان، تربیت و هدایت او منجر شود. توسعه فرهنگی علاوه بر ترقی سطح زندگی عامه (بعد مادی جامعه)، باید به تجلی دین داری، تقویت ایمان، گسترش معنویت و اخلاق اسلامی در جامعه بینجامد که همه این شاخصه‌ها به روشنی در آرمان شهر مهدوی وجود داشته و روایات نیز به صراحت از آنها یاد کرده‌اند.

توسعه فرهنگی، توسعه‌ای هدفدار و غایتمند است و بر اساس شناخت انسان اهداف کلانش را به گونه‌ای طراحی می‌کند که به طور فطری و طبیعی به نیازها و خواسته‌های انسان، اعم از مادی و غیرمادی پاسخ بدهد و او را به کمال و قرب الاهی نزدیک سازد که روشن شد همه این مؤلفه‌ها به طور کامل و جامع در عصر ظهور تحقق یافته و زمینه‌های پیشرفت و رشد فراگیر فرد و جامعه را فراهم می‌سازد. ترسیم این مدل بدون توجه به ابعاد تکاملی تاریخ و فطرت، ناقص و ناکارآمد خواهد بود. برای ارتقای شاخص‌های توسعه یافتگی که همان افزایش کیفیت زندگی و مطلوبیت آفرینی در سطح زیست فردی و اجتماعی و گسترش دامنه فرصت و انتخاب است؛ باید فرهنگ تکامل گرا را که با این ارتقا خواهی و

توسعه ملازم است، برگزید.

در نگاه اندیشمندان مسلمان، مفهوم توسعه با آن که اصول، مبانی و ملزومات خاص خود را دارد؛ می‌بایست برآورنده اهدافی بلند و متعالی باشد که در رأس همه، کمال و قرب الاهی و به عبارتی خداباوری و حاکمیت الله در جامعه است. توسعه فرهنگی زمانی محقق محسوب می‌گردد که از یک سو اهدافی همچون کمال و قرب الاهی، رحمت الاهی، علم و معرفت و عبادت را در پیشانی خود قرار داده باشد و از سوی دیگر برای رسیدن به این اهداف، به فرهنگ و سنت‌های اصیل و صحیح بافت خود توجهی ویژه داشته باشد. این توسعه، معنویات را فدای مادیات نمی‌کند و مادیات را نیز به بهانه معنویت رها نمی‌کند.

یکی از مهم‌ترین معضلات ما در توسعه فرهنگی، بازنشر برخی ارزش‌های غیردینی مدرن است. در حالی که بر اساس شاخصه‌های فرهنگی جامعه آرمانی مهدوی، رکن محوری در توسعه فرهنگی، توسعه دین فهمی و دین ورزی و رسیدن به کمال و تعالی واقعی و تقرب و نزدیکی به خدای متعال است.

بر این اساس، چشم انداز پیشرفت و توسعه که نگرش نظام مند و سیستماتیک به تغییرات مطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است؛ باید بر پایه معارف و آرمان‌های والایی باشد که از آموزه‌های مهدویت متخذ بوده و در چشم اندازهای ملی بدان تصریح گردد.

## منابع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۵۷). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آیت.
۲. آگوستین، ژیرار (۱۳۷۲). *توسعه فرهنگی: تجارب و خط‌مشی‌ها*، ترجمه عبدالحمید زرین‌قلم، پروانه سپرده و علی هاشمی گیلانی، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی.
۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمّة فی معرفة الاثمة*، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
۴. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*، تهران، انتشارات اطلاعات.
۵. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، انتشارات کیهان.
۶. اسلامی، رضا (۱۳۸۸). *سیره مهدوی و دولت منتظر*، مجموعه آثار پنجمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت قم، مؤسسه آینده روشن.
۷. بیرو، آلن (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، نشر کیهان.
۸. پژوهنده، محمدحسین (۱۳۸۰). *توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه در اسلام*، اندیشه حوزه شماره ۳۰.
۹. پهلوان چنگیز و دیگران (۱۳۸۶). *توسعه فرهنگی (مجموعه مقالات)*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. توحیدفام، محمد (۱۳۸۱). *موانع توسعه فرهنگی در ایران*، تهران، انتشارات باز.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداة*، بیروت، اعلمی.
۱۲. حسینی، شرف‌الدین استرآبادی (۱۴۰۹ق). *تأویل الآیات الظاهرة*، قم، انتشارات دفتر اسلامی.
۱۳. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد (۱۴۲۱ق). *مختصر البصائر*، مصحح: مشتاق مظفر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. دبیری مهر، امیر (۱۳۸۴). *جهانی شدن و توسعه ملی*، راهبرد یاس، شماره ۴.
۱۵. ژیرار، آگوستن (۱۳۸۶) مسائل و چشم‌اندازی فرهنگ (مجموعه مقالات) تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹ق). *منتخب الاثر*، قم، سیده المعصومه.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۹۵ق). *کمال‌السدین و تمام‌النعمة*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۱۹. طوسی ابی جعفر (۱۴۱۱ق). *کتاب الغیبه*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه.

۲۱. عیوضی، محمد رحیم، *انقلاب اسلامی و مفهوم توسعه ی فرهنگی*، مجله بازتاب اندیشه در مطبوعات، شماره ۵۳.
۲۲. فکوهی، ناصر (۱۳۷۸). *از فرهنگ تا توسعه با تاکید بر مسائل توسعه*، تهران، نشر فردوس.
۲۳. قطب الدین راوندی، ابی الحسن سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق). *الخراج والجرائح*، قم، مؤسسه امام مهدی.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.
۲۵. کارگر، رحیم (۱۳۸۵) *آینده جهان*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸) *تعلیم و تربیت در عصر ظهور*، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۲۷. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ق). *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. گلدنورپ، جی ای (۱۳۷۰). *جامعه شناسی کشورهای جهان سوم: نابرابری و توسعه*، ترجمه جواد طهوریان، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
۲۹. مائو، زنه (۱۳۸۶) *مسائل و چشم اندازهای فرهنگ در جهان کنونی* (مجموعه مقالات) تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۱. نجفی، شرف الدین، (بی تا). *تأویل الآيات الظاهرة*، قم، مؤسسه الامام المهدی.
۳۲. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق.
۳۳. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم (۱۴۰۱ق). *منتخب الانوار المصیئة*، قم، چاپخانه خیام.
۳۴. یزدی حائری، علی (۱۴۲۱). *الزام الناصب*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.

## چرایی و ضرورت الگوگیری از آرمان شهر مهدوی و نقش الگویی آن در توسعه و پیشرفت جامعه منتظر

سیدابوالفضل موسوی آقداش \*

روح الله شاکری زواردهی \*\*

### چکیده

بشر همواره دنبال پیشرفت و کمال خویش بوده است و از این رو، ضرورت تأسی به یک الگوی کامل از بدیهیات است. از آنجا که در جامعه امروز الگوهای متعددی مطرح بوده، شناخت الگوی صحیح کاری دشوار می‌نماید. از سویی در طول تاریخ این الگوهای ادعایی نتوانسته‌اند نیازهای مادی و معنوی بشر را تأمین کنند و حتی گاهی به جای پیشرفت سیر قهقرایی داشته‌اند. تنها شیعه اثنی عشری است که با تکیه بر آموزه ناب مهدویت، برای آینده جهانیان چشم اندازی روشن و سعادت بخش ترسیم می‌کند. تدوین «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» به عنوان چشم‌انداز نظام جمهوری اسلامی ایران، به این الگوی ناب نیازمند است. در این نوشتار در قالب بیان ضرورت‌های الگوگیری از آرمان شهر مهدوی، برخی از ابعاد این اندیشه الهی به تصویر کشیده شده است. در این مجال با معرفی برخی وجوه قابل الگوگیری، به راهکارهای تحوّل در بخش‌های «دین و فرهنگ»، «علم و دانش»، «اقتصاد و سرمایه‌گذاری»، «عدالت گستری و قضا»، «امنیت و رفاه» و «ایجاد وحدت و تعامل» اشاره گردیده، بدیهی است با تأسی به آرمان شهر مهدوی، در ضمن سیر به سوی توسعه و پیشرفت متعالی، کم کم زمینه نیز برای تحقق وعده الهی و استقرار دولت کریمه فراهم می‌گردد. در این تحقیق، براساس شواهد روایی، ضرورت و امکان الگوگیری از آرمان شهر مهدوی در جهت توسعه و پیشرفت جامعه حاضر تبیین گردیده است.

واژگان کلیدی: مهدویت، الگو، توسعه و پیشرفت، آرمان شهر، دولت کریمه، وجوه الگویی.



توسعه و پیشرفت و رسیدن به سعادت و کمال آرزوی فطری هر انسان است. از این رو انسان هوشمند همواره با استفاده از تجارب گذشته با نگاهی جهت‌دار به آینده می‌اندیشد. دین اسلام، در جایگاه آخرین، کامل‌ترین و جامع‌ترین دین آسمانی، آینده بشر را خوب و روشن ارزیابی کرده؛ آن را در قالب اندیشه مهدویت به بشر و جوامع بشری معرفی کرده؛ حاکمیت را از آن صالحان و مستضعفان دانسته و فراگیری عدالت، معنویت، امنیت را از شاخصه‌های مهم حکومت جهانی آخرین حجت الاهی بر شمرده است. امتیازی که شیعه دارد وجود چشم اندازی جامع و یقینی از آینده‌ای درخشان است. شیعه دوازده امامی می‌تواند با در دست داشتن ویژگی‌های این آرمان شهر الاهی با استفاده از امکانات موجود به بازخوانی وجوه توسعه و پیشرفت در عصر ظهور بپردازد و وجوهی را که می‌توان در عصر حاضر اجرا کرد، ساماندهی و عملیاتی کند. بدیهی است چون جامعه آرمانی مهدوی با حضور امام معصوم علیه السلام محقق خواهد شد، باید به پیشرفت متناسب با عصر غیبت و امکانات موجود اندیشید. از آنجا که در این جهت تحقیقی مستند به روایات صورت نگرفته است، ضرورت این بحث آشکارتر می‌شود. البته پایان نامه‌ای تحت عنوان «ظرفیت الگو دهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران» تدوین گردیده؛ اما گذرا و عمدتاً در توسعه سیاسی کار شده است. در این مجال لازم است برای رسیدن به این آینده درخشان چندین نکته را به اختصار تبیین کرد:

۱. آیا اساساً انسان خود نمی‌تواند آینده‌ای خوب ترسیم کند و به الگویی ممتاز نیاز است؟
۲. توسعه و پیشرفت مورد نظر ما با توسعه و پیشرفت در جوامع غیر اسلامی و به ویژه غرب چه تفاوتی دارد؟
۳. چرا می‌بایست جامعه مهدوی و حضرت مهدی علیه السلام را الگو قرار داد؟
۴. چه ابعدی از دولت کریمه قابل الگوگیری است و به چه میزان می‌توان آن‌ها را اجرایی ساخت؟

## ۱. چرایی و ضرورت وجود الگو

ضرورت وجود الگو یکی از بدیهیات است که در تعابیر دینی با عناوینی همچون «أسوه» و «قُدوه» آمده و یکی از اصول پذیرفته شده اجتماعی است که مورد تایید دین اسلام نیز می‌باشد (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ۲۷). در اصطلاح منظور از «الگو»، نمونه عینی و مشهود نوعی فکر و عمل در ابعاد گوناگون است که برای رسیدن به کمال، از سوی دیگران پیروی می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲: ۸۵).

### ۱-۱ اهمیت الگو و چرایی نیاز به آن

انسان کمال‌جو و برتری‌خواه است و الگو توجیه و تبیین‌کننده این برتری خواهی است. انسان با دیدن کارکرد و رفتار الگوها و دستاوردهای مثبت و ملموس آن در زندگی فردی و اجتماعی الگو، برای پیروی از آن‌ها انگیزه و تمایل بیش‌تری می‌یابد. از سویی دیگر انسان با این عمر و ظرفیت‌های محدود نمی‌تواند همه راه‌ها را امتحان کند؛ بدین لحاظ ناچار است به کسانی دیگرانی که این راه را پیموده‌اند یا ادعای آشنایی با این مسیر را دارند اعتماد کند که این، همان الگوگیری خواهد بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

انسان‌ها اگر چند فرسخ از وطن خود دور شوند، راهنما انتخاب می‌کنند؛ در حالی که راه آسمان از راه زمین دورتر و مهم‌تر است. لذا باید در امور خود راهنما انتخاب کنید (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۴).

البته الگو نیز باید کامل باشد تا بتواند معیاری برای سنجش دیگران باشد. مثلاً خطاب به حضرت علی علیه السلام آمده است: «السلام علی میزان الاعمال» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷: ۳۳۰). اگر انسان نیازمند الگو نبود خداوند پیامبران علیهم السلام را به عنوان الگو نمی‌شناساند علامه طباطبائی رحمته الله در این زمینه می‌گوید:

أسوه در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یعنی پیروی و تبعیت کردن از او، و از این که با "لقد کان لکم" که ماضی استمراری است تعبیر کرده، اشاره به آن است که این پیروی تکلیفی ثابت و همیشگی است و معنای آیه این است که هم در گفتار و

هم در رفتارش به او تاسی کنید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۳۲).

## ۲-۱ نقش ارزش‌ها در الگوگیری

الگوپذیر موقعی به رفتار مشابه الگو اقدام می‌کند که آن رفتار را با ارزش‌های خود در تضاد نبیند. بدین لحاظ مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بعد از تبیین ضرورت گام نهادن به سوی توسعه و پیشرفت و نیاز به الگویی شایسته در این زمینه، با افزودن دو قید «اسلامی» و «ایرانی»، جهت‌های مورد نظر در الگوی خود را روشن ساختند و فرمودند:

ما وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود... آنچه ما دنبال هستیم، لزوماً توسعه غربی نیست... مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی، تعیین کننده است... مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۷۹-۸۰).

## ۲. ضرورت معرفی آرمان شهر مهدوی<sup>۱</sup> به عنوان بهترین الگو برای جامعه منتظر

در طول سده گذشته، غرب به دنبال تحمیل الگوی خویش به جوامع جهان سوم و از جمله جهان اسلام برآمده و خواهان تغییرهایی به سبک و الگوی غربی در جهان اسلام است. بنابراین، در مقابله با این خطر، معرفی الگوی ارزش محور و بومی ضرورت می‌یابد. آرمان شهر مهدوی گمشده حقیقی بشر است و بهترین شکل معرفتی آن، نشان دادن جلوه‌هایی از آن برای دنیاست. اولین گام نیز در دولتی که افتخار دارد خود را زمینه ساز ظهور آن «موعود اُمم» معرفی کند، ترسیم چشم اندازی عملی بر اساس این دولت کریمه است. بدین جهت به چندین نکته که ضرورت الگوگیری از این آرمان شهر را روشن تر می‌کند،

۱. جامعه آرمانی، در اصطلاح متفکران اسلامی و مترجمان فلسفه یونان و آثار افلاطون، «مدینه فاضله» و در تعابیر جامعه شناسان، مترجمان و پژوهندگان فلسفه ی غرب، «آرمان شهر»، «اتوپیا» و در ادبیات فارسی، «ناکجاآباد» نامیده شده است. (ر.ک: محمدی آشنانی، علی، ۱۳۹۲)، جامعه آرمانی قرآن کریم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

اشاره می‌شود:<sup>۱</sup>

## ۲-۱. آموزه اعتقادی امامت و استلزامات سیاسی آن

مهدویت به عنوان رکن اعتقادی شیعه مطرح است و حیات شیعه بدون نظام امامت معنا ندارد: «لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۱۷). ما به امام زنده، حاضر، ناظر و تلاش گری اعتقاد داریم که واسطه فیض است: «بِيُمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بُوْجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ» (قمی، ۱۳۹۱: ۱۴۳) امام باقر علیه السلام فرمود:

هر کس به امامی اقتدا کرده و او را به عنوان پیشوا و اسوه خود قرار داده است، باید عمل خود را مطابق شیوه و عمل او قرار دهد (دیلمی: بی تا، ۱۰۱).

بدین جهت یکی از وظایف مهم نسل منتظر، الگوبرداری از امام و رهبر خویش است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

خوشا به حال آنکه قائم خاندان مرا درک کند، در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشد (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۸۶).

از این رو، شناخت امام معصوم علیه السلام و پیروی از وی گویای راه حق و کیفیت نظام سیاسی آن است.

## ۲-۲. مهدویت هویت بخش زندگی سیاسی - اجتماعی شیعه

مهدویت سازنده هویت شیعه است. شیعه در نام و تعریف خویش، همواره با اهل بیت عصمت و طهارت و در این زمان با حضرت ولی عصر علیه السلام تعریف می‌شود. چنین تعریفی در دعای شریف زیر نیز به خوبی منعکس شده است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۴۲).

یعنی امامت رکن نظام شیعی است و تا زمانی که این اساس شناخته نشود فرد متحیر و

۱. بخشی از مطالب این بخش از این مقاله برداشت شده است. (بهریزی لک، انتظار موعود، تابستان ۸۴، شماره ۱۶: ۱۲۵ - ۱۲۹).

بی هویت خواهد بود و راهی صحیح به سرمنزل مقصود نخواهد بُرد.

### ۲-۳. بحران ایدئولوژی‌های بشری در جهان امروز و احیای اسلام‌گرایی

انسان حکومت‌ها و دولت‌های بسیاری را دیده و از این حکومت‌ها سرخورده شده و دنبال ایدئولوژی جامع و موفق است. حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ خاندانی نمی‌ماند، جز اینکه پیش از ما به حکومت برسند، تا زمانی که سیره و حکومت ما را دیدند ادعا نکنند و نگویند اگر ما به حکومت برسیم مثل سیره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار خواهیم کرد (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۸۵).

### ۲-۴. ضرورت‌های زندگی سیاسی امروز و نیاز به آینده‌نگری

داشتن نوعی زندگی سعادت‌مند و آسایش و آرامش روانی و جسمی، از دیرینه‌ترین آرزوهای بشر است که اندیشمندان هر عصر برای عملی کردن آن، چاره‌ها اندیشیده و آن را در قالب «اتوپیا»<sup>۱</sup> یا «مدینه فاضله» مطرح کرده‌اند. کسانی که به آینده نگاه روشنی ندارند، حال خویش را نیز نمی‌توانند خوب بشناسند. الگوی آرمانی شیعه در آینده است. البته الگویی در سنت نبوی و سنت علوی داریم؛ اما این الگوها به دلیل شرایط تاریخی خاص آن زمان نتوانستند آرمان نهایی نظام اسلامی را محقق کنند. در واقع می‌بایست با نگاه به گذشته محقق و آینده آرمانی، زندگی سیاسی امروز خویش را سامان بخشیم.

### ۲-۵. بحران عدالت در جهان معاصر و توجه به منجی‌گرایی در جهان امروز

امروزه بحران عدالت و افزایش ظلم، به منطقه خاصی متعلق نیست و رفته رفته جهان به سمت بی‌عدالتی و ظلم فراگیر در حال حرکت است. بدین جهت منجی‌گرایی و امید به آینده‌ای بی‌ظلم و تعدی، در جهان رو به گسترش است (موحدیان عطار: ۱۳۸۹: ۱۹-۳۲). ما

۱. «یوتوپیا» یا «اتوپیا» واژه‌ای است یونانی که اولین بار «تامس مور» آن را ساخته و به کار برده است. این کلمه از ریشه یونانی ou - topos به معنای «هیچستان» است که حکیم متأله سهروردی از آن «به ناکجا آباد» تعبیر کرده است. رک: کتاب آرمانشهر تألیف تامس مور ترجمه داریوش آشوری.

در روایات داریم که منجی موعود هنگامی ظهور خواهد کرد که زمین از ظلم و جور پر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۸). هدف اسلام رسیدن انسان به کمال و سعادت است؛ اما برای رسیدن به این هدف نهایی، اسلام از بسط ارزش‌های دینی و به ویژه عدالت اجتماعی از حوزه خاص، آغاز می‌کند و تا مرز عدالت‌گستری در سطح جهان امتداد می‌یابد.

#### ۲-۶. جهانی شدن و چشم انداز فرج

جهانی شدن ایجاب می‌کند انسان‌ها از نوعی جامعه آرمانی و فراگیر جهانی صحبت کنند و بدانند که ماهیت این زندگی جهانی چگونه خواهد بود و با جامعه موعود جهانی ادیان چه نسبتی دارد. این بحث اقتضا می‌کند که بیش‌تر به اندیشه ناب مهدوی و دولت موعود آن بپردازیم؛ زیرا بر خلاف «جهانی شدن» - که امری غیر منسجم، مبهم و پراکنده است - حکومت فاضله حضرت مهدی علیه السلام دارای ویژگی‌ها و ساختاری واحد، منسجم، کار آمد، مقتدرانه و تحت مدیریت کامل و با کفایت ایشان است.

#### ۲-۷. گرایش به معنویت و کرامت انسانی در جامعه

افزایش جریان‌های به ظاهر معنوی؛ در عین حال انحرافی در جامعه گویای آن است که جهان تشنه معنویت و کمال است؛ ولی به اشتباه آن را در ناکجا آبادهای عرفان‌های دروغین جست‌وجو می‌کند. پس اندیشه الهی و ناب مهدویت به خوبی می‌تواند این خلاء را پر کند. منازعه و چالش غرب با آموزه‌های مهدویت خود گواهی دیگر بر حقانیت و تاثیر گذار بودن این آموزه الهی است. ما باید:

در مقابل تلاش دشمن، در جهت اعتماد و عمل و تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویت، حرکت کنیم. با وجود این که دشمن، اندیشه ناب مهدویت را بزرگ‌ترین مانع و دشمن خود می‌داند؛ به ظرفیت بالای آن پی برده است، و اعتراف می‌کند که قومی این چنین را [که هر لحظه منتظر ظهور است] می‌توان کشتار کرد؛ اما نمی‌توان مطیع ساخت (دارمستر، بی تا: ۳۸-۳۹).

## ۸-۲. حتمی و جهانشمول بودن دولت کریمه مهدوی

این وعده قطعی خداوند، به مردم جهان است که حکومت را در برهه حساسی از زمان به دست‌بندگان صالح و برگزیده خواهد داد (نور: ۵۵). ساختار نظام سیاسی مهدوی، کاملاً جهانی، فراگیر و عام شمول است و ساز و کارهای اجرایی و اداری آن، بر اساس مدیریت «همه عرصه‌های جهانی» تنظیم شده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا فرزندم مهدی در آن روز ظهور کند... و حکومتش به شرق و غرب عالم خواهد رسید (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۸۰).

## ۹-۲. بی بدیل و نیک فرجام بودن حکومت امام عصر ﷺ

اساساً حضرت مهدی ﷺ تنها کسی است که مأمور تشکیل حکومت جهانی است. اعلان قرآن کریم مبنی بر «جاء الحقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ» (الاسراء: ۸۱)؛ از برچیده شدن حکومت‌های سراسر جهان که در دایره باطل قرار دارند، نوید می‌دهد. هانری کربن می‌نویسد:

تنها مذهبی که ارتباط خود با آسمان را قطع نکرده و این توان را دارد که ادامه داشته باشد و حیات خود را حفظ کند، شیعه است؛ چنان که می‌دانید یهودیان با رحلت حضرت موسی ﷺ، مسیحی‌ها، به زعم خود، با رحلت یا به آسمان رفتن حضرت عیسی ﷺ و برادران اهل سنت با رحلت رسول اکرم ﷺ باب ارتباط میان آسمان و زمین را قطع کردند؛ در حالی که تنها تفکر شیعی با اعتقاد به امامت این باب را باز نگه داشته است (رجالی تهرانی، الف، ۱۳۸۹: ۸۲).

## ۱۰-۲. نقش ایرانیان در تحقق دولت کریمه

با توجه به روایاتی که در باب نقش عجم‌ها و اهل مشرق یا خراسان داریم، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مدعی باشد که طلیعه دار آن ظهور است و پیشاهنگ آن «دولت کریمه» به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

۱. نکته: یکی از آسیب‌ها در طرح مباحث مهدویت «تطبیق» است، بدین جهت ما هرگز درصدد

مردمی از مشرق خروج می‌کنند و برای ظهور دولت حضرت مهدی علیه السلام زمینه‌سازی می‌نمایند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۷۷).

در برخی روایات نه تنها نقش برجسته مردم مشرق بیان شده است، بلکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله توصیه فرموده‌اند آن‌ها را به هر نحو ممکن یاری کنید؛ اگر چه بر روی برف و یخ با دست‌ها و سر زانوها راه طی را کنید (طبری، ۱۴۱۳: ۴۴۵). در برخی روایات نام برخی شهرهای ایران مانند ری، طالقان و قم مطرح شده و حتی تعداد یاران حضرت از آن شهرها نام برده شده است (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲: ۴۷۸).

البته اگر برخی از این روایات را نیز قابل خدشه بدانیم، باز نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تلاش کند خود را در زمره یاران و دولت زمینه‌ساز قرار دهد. شناخت و معرفت نسبت به امام و شناساندن آن موعود الهی به جهانیان و الگوپذیری از ایشان در رأس وظایف منتظران است. امام صادق علیه السلام فرمود:

امام خود را بشناس که در آن زمان تو را باکی نیست که این امر [ظهور] جلو بیفتد یا عقب بماند. کسی که امامش را بشناسد و پیش از فرا رسیدن این امر از دنیا برود، مانند کسی است که در محضر او به شهادت رسیده باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۷۱)

امام خمینی علیه السلام بارها رسالت منتظران و تکلیف مردم و مسئولان را چنین خاطرنشان می‌کردند: ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان، کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر حاکم کنیم. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجت علیه السلام است (امام خمینی ۱۳۸۶: ۴۷ و ۴۹).

→

تطبیق نظام جمهوری اسلامی ایران با روایات مبین نقش مردمان مشرق زمین نیستیم؛ هرچند به صورت قطعی هم نمی‌توانیم بگوییم نظام جمهوری اسلامی ایران همان دولت زمینه‌ساز اشاره شده در روایات نیست؛ بلکه فقط با کمک این روایات درصدد بیان نقش شیعیان مشرق زمین و برانگیختن این شور و حال و تلاش برای رسیدن به نقطه مطلوب هستیم تا به نوبه خود گامی در راه تحقق آن دولت کریمه برداشته باشیم (ر.ک: کارگر، ش ۲۳، ۱۳۸۶).



بنابراین، نظام اسلامی ایران می‌تواند با الگو قراردادن وجوه امکان پذیر الگوگیری ضمن تلاش برای توسعه و پیشرفت خود و نشان دادن نوعی الگو عملی خوب برای جهانیان، زمینه ساز تحقق آن دولت موعود باشد.

#### ۴. راهکارها و چگونگی بهرمندی از الگوی آرمان شهر مهدوی در توسعه و پیشرفت عصر حاضر

##### ۱-۴ طراحی راهبرد

راهبرد در ادبیات سیاسی اجتماعی به عنوان یک علم برای «ایجاد هماهنگی و همکاری بین همه طرح‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی در سطحی کلان» مورد گفت‌وگو و استفاده همه دولت‌هایی است که برای برنامه‌ریزی «هدفدار» و در عین حال «مستقل» برای مردم خود سعی دارند. دولت فعال با تدوین «راهبرد کلان» برای اداره و هدایت کشور برای دراز مدت و عبور از فراز و نشیب‌های احتمالی تلاش دارد. آینده‌نگری و ترسیم «نقطه مطلوب و مفروض» اولین گام در تدوین استراتژی است (شفیعی سروسستانی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۹-۱۲). نقش انسان دین‌مدار در این استراتژی نقشی تعیین کننده است و مؤمن منتظر در دولت زمینه‌ساز، می‌تواند با نگاه به آینده‌ای روشن، بهترین استراتژی را داشته باشد.

##### ۲-۴ شبیه سازی یا الگوبرداری تا حد ممکن

در فرهنگ شیعی در همه اموری که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در آن‌ها ولایت داشته اند، ولی فقیه هم ولایت دارد؛ مگر در مواردی که از نظر شرعی استثنا شده باشد (خمینی، ۱۳۸۵: ۲). حضرت ولی عصر علیه السلام در این زمینه فرمود:

در غیبت کبرا به راویان حدیث رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من در میان مردم می‌باشند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۸۴).

بنابراین، نایبان عام که همان علما هستند در عصر غیبت کبرا رهبری جامعه اسلامی را عهده دار هستند. فارابی فیلسوف شیعی، رئیس مدینه فاضله را کسی می‌داند که با عالم عقول در ارتباط است و پیام آسمانی را برای بشر می‌آورد تا با سنت الاهی جامعه را به فضیلت

برساند. از این رو، رئیس اول همان پیامبر است. در غیاب رئیس اول، رئیس ممائل که در عمده ویژگی‌ها مشابه و همانند رئیس اول است، ریاست مدینه فاضله را بر عهده می‌گیرد. در نهایت، در غیاب آنان، کسانی که با سنت رئیس اول آشنا هستند و به رؤسای افاضل شناخته می‌شوند، ریاست و رهبری جامعه را برعهده می‌گیرند. رؤسای افاضل در واقع همان شریعت شناسان یا فقها می‌باشند (فارابی، ۱۳۷۹: ۲۹۵).

از آنجا که دین اسلام آخرین دین الهی و دینی اجتماعی است و احکام آن تعطیل‌بردار نیست، شیعیان وظیفه دارند در هر فرصتی که توانستند احکام متعالی دین را به صورت حداکثری اجرا کنند. در این عصر تشکیل حکومت دینی با حاکمیت ولی فقیه نزدیک‌ترین حالت به دولت امام معصوم علیه السلام به شمار می‌رود (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۱۰۹).

### ۳-۴. زمینه سازی برای تحقق دولت موعود

انتظار در فرهنگ شیعه نوعی عمل است و انسان را از حالت رکود خارج ساخته و تحرک و پویایی می‌بخشد. در روایات هم از انتظار پویا به عنوان افضل اعمال نام برده شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۶۴۴). انتظار حقیقی، شخص را به تلاش برای زمینه سازی و تحقق آن دولت کریمه وا می‌دارد. از نظر عقلی هم تحقق این آرمان شهر الهی به مقدمات و زمینه‌سازی نیاز دارد. بنابراین، دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تلاش برای ایجاد دولتی زمینه ساز، خود نیز با اُفق بلندی که برایش ترسیم می‌شود، با برنامه و جدیت خاص این راه را طی کند.

### ۵. اجرایی کردن برنامه‌های دولت موعود در ابعاد مختلف تا حد امکان

تدوین راهبردی فعال و قرار گرفتن در جایگاه دولت زمینه ساز، سبب می‌شود این نظام به جز مواردی که به شاخصه‌های خاص امام علیه السلام مانند عصمت و علم لدنی، یا امداد غیبی خاصی نیاز دارد بهره گیرد. تنها تفاوت در حد تکامل و ابعاد توسعه است؛ یعنی تا حد نهایی نمی‌توان اما تا حدّ ممکن می‌توان پیش رفت (عبدیانی، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

## ۵-۱ موارد قابل الگوگیری از آرمان شهر مهدوی

به نظر اندیشمندان، توسعه یا پیشرفت در معنای کلی، به تحول در چهار بخش توسعه اجتماعی؛ اقتصادی؛ سیاسی و فرهنگی اشاره دارد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۸-۲۱) که آرمان شهر مهدوی حد اعلاهی هر یک را داراست؛ به گونه‌ای که رضایت و سعادت همگانی را به دنبال خواهد داشت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۲۱۹).

برخی مواردی که در روایات ذکر شده و قابل الگوگیری است، عبارتند از:

- احیای حقیقی دین و برپا ساختن قوانین اسلامی در سطح جهانی؛ ایجاد جامعه‌ای اخلاق مدار و فضیلت محور؛ سیره مدیریتی صحیح و انتخاب کارگزاران شایسته؛ عمران و آبادانی در زمین؛ توسعه علمی و بسط دانش و فرهنگ؛ بازپس‌گیری ثروت‌های غصب شده؛ ایجاد امنیت روانی و اجتماعی؛ مبارزه با بدعت‌ها و انحرافات؛ ایجاد عدالت قضایی و اجرای حدود؛ برقراری عدالت و مساوات، به ویژه رسیدگی به مستضعفان و تلاش برای فقرزدایی؛ رونق ویژه در بخش کشاورزی؛ استفاده بهینه از ذخایر زیر زمینی و معادن؛ ایجاد روحیه قناعت و اصلاح الگوی مصرف؛ افزایش توان نظامی و دفاعی؛ توجه به بخش بهداشت و درمان؛ قانون مندی؛ تغییر سبک زندگی.

## ۵-۲ تبیین برخی وجوه الگویی قابل اجرا و راهکارهای عملیاتی کردن آنها

۵-۲-۱ ایجاد تحول عمیق دینی و اخلاقی: توسعه در اسلام بر باطن افراد و تغییر و دگرگونی روحی - اخلاقی مبتنی است. چنین میثاقی در مفاد بیعت مردم با حضرت مهدی علیه السلام کاملاً پیداست. حضرت علی علیه السلام فرمود:

قائم ما از یارانش بیعت می‌گیرد که ... مسلمانی را دشنام ندهند؛ ... حریمی را هتک نکنند؛ به خانه‌ای هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا و نقره ذخیره نکنند؛ ... مال یتیمان را نخورند؛ ... لباس فاخر و حریر نپوشند؛ مسجدی را خراب نکنند و راهی را نبندند (ابن طاووس، ۱۴۱۶، الف: ۲۹۴).

اساساً سیاست اسلامی، اصلاح جامعه و زمینه‌سازی سعادت اخلاقی است. امام صادق علیه السلام

نیز دین داری و اخلاق مداری را از وظایف یک منتظر حقیقی شمرده و می‌فرماید:

کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید منتظر ظهور باشد و در همان حال از گناهان اجتناب ورزیده، و خود را به اخلاق نیکو آراسته کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

بنابراین، در جامعه امروزی نیز با توجه ویژه به دین مداری و اخلاق محوری باید تلاش شود دیانت و تعهد در جامعه فراگیر شود. برای این کار چند اقدام ضروری به نظر می‌رسد:

- تقویت بنیان خانواده (فراهم ساختن ازدواج صحیح - تربیت اسلامی فرزندان - تعامل شایسته زن و شوهر)؛

- مسجد محور بودن برنامه ریزی‌های خرد و کلان کشور و حاکمیت روح نماز بر جامعه؛
- تغییر در سبک تعلیم و تعلم، و تربیت استادان دین محور و تدوین کتاب‌های مورد نیاز برای مراکز علمی، به ویژه پیش دبستانی و دبستان که بر اساس برنامه بلند مدت باید پیش برود؛

- ارائه آموزش‌های فضیلت محور از سوی رسانه‌های جمعی به ویژه صدا و سیما، و تولید محصولات رسانه‌ای با این جهت؛

- تولید نرم افزارها و بازی‌های رایانه‌ای متعدد با سلاقی مختلف و توجه به نشاط و سرگرمی کودکان و نوجوانان و جوانان؛

- توجه ویژه به دختران و زنان به عنوان مادران امروزی و نسل آتیه‌ساز؛

- مبارزه جدی با مفاسد و رذائل در سطح جامعه و فضای مجازی و تبیین فرهنگ تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها؛

- احیای فرهنگ قرآنی امر به معروف و نهی از منکر و اجرایی شدن طرح حجاب و عفاف در جامعه، به ویژه در میان کارمندان دولتی و فضای رسانه؛

- مبارزه با بدعت‌ها و انحرافات و خرافات.

۲-۲-۵. **ایجاد تحول علمی و فرهنگی:** رشد علم و آگاهی در جامعه ایجاد تغییر و تحول

در فرهنگ را سبب خواهد شد. این جهش علمی در عصر ظهور فوق العاده خواهد بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آن‌ها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده و تکمیل می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۳۶ و ۳۲۸).

و همچنین در این زمینه امام صادق علیه السلام فرمود:

دانش، ۲۷ حرف است. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نبوده است و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند؛ ولی هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌کند. (همان: ۳۳۶).

پس باید علوم اسلامی و ارزشی در جامعه مطرح شود تا تغییر در ماهیت جامعه را موجب گردد. از آنجا که اسلام به تحصیل علم تاکید دارد و از طرفی هم شدت ارتباطات با سرعت گرفتن امکانات در فضای مجازی و با ورود تکنولوژی‌های جدید به کشور غیر قابل انکار است؛ پالایش این علوم امری ضروری به نظر می‌رسد. بدین لحاظ لازم است اول، «جنبش نرم افزاری و علمی» که چندین سال است شتاب خوبی به خود گرفته است؛ با شتابی چند برابر و مجهز به پیشرفت‌های امروزی به حرکت خود تداوم دهد. دوم، این علوم وارداتی و اطلاعات به دست آمده به صورت دقیق و منظم و طبقه بندی شده در اختیار اهل علم و تحقیق و در صورت نیاز در دسترس عموم قرار گیرد.

سوم، علم باید برای بهره‌گیری از آن اخذ شود (همان، ج ۱: ۲۲۴).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به درگاه حضرت حق عرضه می‌دارد:

خداایا! از علمی که نفعی برایم ندارد به تو پناه می‌برم. (همان، ج ۸۳: ۱۸).

و از تحصیل علم بی‌هدف و مدرک محور و بدون کاربرد و نیاز جامعه اجتناب شود. چهارم، بومی و اسلامی کردن علوم و دانش‌ها است. البته چندین سال است که بحث «اسلامی سازی علوم و دانشگاه‌ها» مطرح است؛ اما متأسفانه عملکرد مطلوبی دیده نشده است. اگر این امر حیاتی به موقع و صحیح انجام نشود، خطر غلتیدن در مسیر توسعه غربی بیش‌تر خواهد شد. بدین جهت بود که رهبر فرزانه و خبیر نظام بحث تدوین «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» را مطرح کردند.

۳-۲-۵ تحول در نظام اقتصادی و سرمایه‌گذاری کشور: آیات ۳ و ۴ سوره قریش،

یکی از مهم‌ترین عوامل اطاعت از یک حکومت مشروع را تأمین معیشت و ساماندهی اقتصادی آن‌ها معرفی می‌کند. ضعف در مدیریت اقتصادی با فرهنگ و عقاید جامعه ارتباط مستقیم دارد. پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

شدت فشار احتیاج و تنگدستی امکان دارد پایه ایمان اشخاص کم طاقت را متزلزل نموده و به کفر منجر شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۰۷).

دشمنان نظام هم با توجه به حساسیت مسائل اقتصادی، از اهرم «تحریم اقتصادی» استفاده کرده‌اند. بدین جهت نظام می‌تواند با الگوگیری از نظام اقتصادی دولت کریمه ضمن برطرف کردن نیازهای خویش، در مقابل این فشارها نیز مقاومت کند. تحول در نظم اقتصادی در اصلاح چند امر می‌تواند خلاصه نمود:

**اقتصاد اسلامی و سالم:** میان اقتصاد اسلامی و اعتدال، ارتباط وجود دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۲۸). در برخی از روایات به جای اقتصاد، تقدیر در معیشت به کار رفته است. امام صادق علیه السلام فرمود:

اصلاح امور مردم جز به وسیله سه چیز تحقق نمی‌یابد؛ تفقه در دین، صبر و تحمل مشکلات و حسن تقدیر در معیشت (همان، ج ۵: ۸۷).

در اقتصاد دینی و غیرسکولار بین فعالیت‌های اقتصادی و تعالی معنوی و تقرب انسان، ارتباط حقیقی برقرار خواهد شد. در آیه ۹۶ سوره اعراف می‌خوانیم:

اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند، ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، درهای برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشاییم.

آیه ۵۲ سوره هود رابطه مستقیمی بین بارندگی و معنویت و استغفار بیان می‌فرماید. پس نظام اسلامی اگر خواهان توسعه اقتصادی است، باید طرح‌های معنوی را در جامعه توسعه دهد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۳۳۶).

ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات می‌شود، بلکه باعث می‌گردد آنچه در اختیار انسان قرار گرفته، در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود. امروزه بخش بسیار مهمی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسیر مسابقه تسلیحاتی و ساختن سلاح‌های نابود کننده صرف

می‌شود. این‌ها مواهبی فاقد هر گونه برکت هستند و نه تنها نتیجه‌ای نخواهند داشت؛ ویرانی هم به بار می‌آورند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۶۶).

**روحیه استغنا:** آنچه از روایات استفاده می‌شود در عصر ظهور مردم دارای روحیه بی‌نیازی می‌باشند که این روحیه به جهت رویکرد درونی آنهاست و در واقع پیش از آن‌که مردم از بیرون، صاحب مال فراوان شوند و بی‌نیاز گردند، از درون، بی‌نیازی در آن‌ها به وجود می‌آید و به آن‌چه خداوند از فضل خویش به آن‌ها عطا کرده، راضی و خشنود می‌گردند. بنابراین، به اموال دیگران چشمداشتی ندارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید:

خداوند دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی‌نیازی پر می‌کند و عدالت مهدوی همه آن‌ها را در برمی‌گیرد، به گونه‌ای که حضرت مهدی عجل الله فرجه امر می‌کند تا ندا دهنده‌ای اعلام کند: چه کسی نیازمند مال است؟ پس کسی در میان مردم برنخیزد، مگر یک نفر! پس امام [به او] می‌فرماید: نزد خزانه‌دار برو و به او بگو: مهدی عجل الله فرجه به تو فرمان می‌دهد که به من مالی بدهی. پس خزانه‌دار به او می‌گوید: جامه‌ات را بیاور؛ تا این‌که وسط جامه‌اش را پر می‌کند و چون آن را بر دوش می‌کشد، پشیمان می‌شود و می‌گوید: چرا در میان امت محمد صلی الله علیه و آله من از همه حریص‌تر باشم...؟! پس مال را بر می‌گرداند، ولی از او قبول نمی‌شود و به او گفته می‌شود: ما آن‌چه عطا کردیم باز پس نمی‌گیریم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۹۲).

این در حالی صورت می‌گیرد که پیش از ظهور، روحیه آزمندی و زیاده‌طلبی، عامل مؤثری در رقابت‌های غلط و انباشتن اموال و انفاق نکردن آنها به نیازمندان بوده است.

**بهره‌گیری از تمامی قابلیت‌ها و امتیازات (بهره‌وری از منابع طبیعی):** استفاده نکردن صحیح و به جا از مواهب الهی یکی از مشکلات بخش اقتصاد است. نه از تمام ظرفیت خاک استفاده می‌شود و نه از آب به درستی در راه احیای زمین بهره‌برداری می‌گردد. از جمله امدادهای الهی که در عصر طلایی ظهور، نزول باران‌های مفید و ثمربخش است (همان، ج ۵۲: ۳۰۴).

آب عامل مهمی برای پیشرفت اقتصادی، به ویژه کشاورزی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

آسمان باران بر سر آنان فرو ریزد و زمین هیچ گیاهی را نگاه نداشته، مگر این که آن را می‌رویاند (همان، ج ۵۱: ۷۸).

بدیهی است استفاده از این برکات و امکانات بدون مدیریت از سوی دولت کریمه و استفاده از توانایی‌های مردم به نتیجه نخواهد رسید. یکی از اقدامات دیگر حضرت، دستور به حفر آبراه‌ها و نهرهاست.  
 امام باقر علیه السلام فرمود:

آن حضرت دستور می‌دهد که از پشت حرم امام حسین علیه السلام نهری حفر کنند تا کربلا را به نجف متصل کند. آن‌گاه پل‌هایی روی آن و آسیاب‌هایی در کنار آن نهر می‌سازند (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۹).

**برگرداندن ثروت‌ها و اموال غصب شده: مهدی علیه السلام حق هر حقداری را بگیرد و به او دهد؛ حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان متجاوز بیرون کشد و به صاحب حق بازگرداند.**  
 پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، قطایع<sup>۱</sup> از بین می‌رود؛ به طوری که دیگر قطایعی نخواهد بود (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۵: ۱۴۴).  
 امام باقر علیه السلام فرمود:

چون قائم قیام کند و وارد کوفه شود... زمین‌های مصادره شده را به صاحبانش باز می‌گرداند (یزدی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۲۵۳) و دیگر هیچ کس حق تعدی به حقوق دیگران را نخواهد داشت: **فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا** (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۷۵).

**توزیع عادلانه منابع و درآمدها و ریشه‌کن کردن فقر:** انباشته شدن ثروت در نزد گروهی خاص از مهم‌ترین عوامل اقتصاد بیمار در جوامع بشری است. یکی از کارکردهای اساسی دولت مهدوی تقسیم مساوی منابع و درآمدها و ایجاد عدالت اقتصادی و قسط است؛ «يَمْلَأُ

۱. قطایع، زمین‌هایی از اراضی خراجی است که از راه امتیاز دادن، به نزدیکان حکام و سلاطین، داده می‌شود و این‌گونه بذل و بخشش‌های خودسرانه، موجب تشکیل طبقه ممتاز در جامعه می‌شود. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۸۱)



الأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۸). واژه قسط، بیش‌تر در امر اقتصادی و توزیع اموال بر اساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می‌رود. امام باقر علیه السلام فرمود:  
چون مهدی ما اهل بیت قیام کند، مال را به طور مساوی تقسیم و عدالت را در میان رعیت اجرا می‌کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۷).

همچنین فرمود:

امام مهدی علیه السلام... به مساوات بین مردم عمل می‌نماید تا این‌که مردم چنان بی‌نیاز می‌شوند که هیچ نیازمندی به زکات پیدا نمی‌شود (یزدی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۲۵۳).

**پیشرفت فنون و برنامه ریزی:** پیشرفت و رشد تولید و سرمایه در آن دوران با هیچ دوره دیگر همانند نیست. نقش برنامه‌ریزی صحیح و تأثیر آن بر رونق و پیشرفت امور جامعه بسیار مهم است. امام علی علیه السلام فرمود:

با تدبیر و برنامه‌ریزی خوب، دیگر فقری نخواهد ماند (تمیمی، ۱۴۱۰: ۷۹۴).

**بهره‌برداری از معادن و منابع زیرزمینی:** بسیاری از ثروت‌ها و مواد لازم برای زندگی، از معادن به دست می‌آید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند برای قائم علیه السلام گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌سازد (صدوق، ۱۳۹۶، ج ۲: ۳۹۴).

نیز امام علی علیه السلام فرمود:

زمین آنچه را در اعماق خویش دارد برای وی بیرون دهد و همه امکانات و برکات خویش را در اختیار او می‌گذارد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۳۰: ۵۱).

با تلاش برای کشف معادن تازه و با بهره‌برداری برنامه‌ریزی شده و با پرهیز از خام‌فروشی می‌توان تحوّل عظیم در اقتصاد به وجود آورد.

**احیای حقوق عمومی:** از جمله اقدامات و برنامه‌های اقتصادی حکومت حضرت مهدی علیه السلام که نقش مؤثری بر ایجاد رفاه و آسایش اقتصادی و خشکاندن ریشه‌های فقر و محرومیت در کل جهان دارد؛ اخذ مالیات اسلامی و توزیع عادلانه آن، در بین افراد مستمند، بیمار و مستحق خواهد بود. امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی که افرادی زکات خویش را آوردند کسی که آن‌ها را بپذیرد پیدا نمی‌شود

(همان، ج ۵۲: ۳۹۰).

به طور خلاصه براساس روایات، عملیاتی کردن وجوه الگویی توسعه اقتصادی در نظام مهدوی را می‌توان در چند بخش شمرد:

- توجه به ثروت‌های خدادادی و مدیریت آن‌ها؛ تلاش برای توسعه و تولید بویژه در بخش کشاورزی؛ بهینه‌سازی استفاده از ذخایر زیرزمینی و معادن و تلاش برای کشف موارد دیگر؛ توسعه کشاورزی و تولید علم و متخصص در بخش کشاورزی و معادن و...؛ مدیریت استفاده بهینه از آب؛ نحوه مدیریت فعالیت‌های اقتصادی؛ تلاش برای نهادینه کردن و محقق ساختن پرداخت حقوق عمومی، مانند زکات؛ استفاده از تولیدات داخلی و تقویت روحیه خودباوری؛ تلاش برای افزایش بهره‌وری از منابع، مانند پرهیز از خام‌فروشی و استفاده از صنایع تبدیلی؛ توزیع عادلانه منابع و درآمدها؛ ایجاد تعاون و همکاری برای فعالیت‌های اقتصادی؛ استفاده از متخصصین متعهد و تکنولوژی‌های کارآمد؛ پرهیز از اعطای امتیازهای ویژه و برگرداندن اموال غصبی به بیت‌المال؛ تغییر سبک زندگی اقتصادی؛ ایجاد روحیه قناعت و اصلاح الگوی مصرف؛ تغییر در سبک زندگی و پرهیز از تجمل‌گرایی و اسراف؛ کمک به نیازمندان و ریشه کن کردن فقر؛ آموزش اقتصاد سالم و اسلامی در جامعه.

**۴-۲-۵. تحول در سیستم اداری و مدیریتی کشور:** هر جنبش و انقلابی، به یاران و همراهانی نیاز دارد. از این رو در روایات، ترکیب دولت حضرت مهدی علیه السلام را از پیامبران علیهم السلام، جانشینان آنان، تقوا پیشگان و صالحان روزگار معرفی می‌کند که حتی برخی برای همراهی در دولت موعود رجعت خواهند کرد، مانند حضرت عیسی علیه السلام، اصحاب کهف، مالک اشتر و سلمان فارسی (رجالی تهرانی، ب، ۱۳۸۹: ۲۱۶)؛ یعنی بدون یاور این حرکت میسر نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مردان الاهی با مهدی علیه السلام همراه هستند؛ مردانی که به دعوت او پاسخ گفته‌اند و او را یاری می‌کنند. آنان وزیران و دولتمردان اویند که بار سنگین مسئولیت‌های حکومت را بر دوش دارند (صدرالدین، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۶۱؛ یزدی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۱۴۴).

حضرت مهدی علیه السلام برچیده شدن دولت جور و برکناری کارگزاران ناشایست و جایگزینی صالحان را در اولویت کار خود دارد. امام باقر علیه السلام فرمود:

چون قائم ما ظهور کند دولت باطل از میان می‌رود (یزدی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۷۲).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

حکمرانان و کارگزاران ستم پیشه را عزل می‌کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریبکار پاک می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۱۲۰).

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

دشمنان مانع انتشار این اخبار متواتر شدند که همانا نابودی پادشاهان ستمگر و ظالم به دست قائم ما است (حرعاملی، ۱۴۲۵، ج ۵: ۱۹۷).

لازمه تحول در سیستم مدیریتی دارای اصولی است که یکی از اصول اصل قانونمندی است. در حکومت مهدوی علیه السلام مبنای قوانین، احکام الهی آسمانی است. هرچند چنین قوانینی در عصر نبوی و علوی نیز وجود داشته است؛ به دلیل موانع و مشکلاتی که افراد ناصالح ایجاد می‌کردند، امکان تحقق همه قوانین اسلامی در جامعه میسر نبود. از این رو حکومت عدل مهدوی همه قوانین تعطیل شده را دوباره اجرا و حتی برخی از قوانین اجرا نشده را که جدید جلوه می‌کنند، زنده خواهد کرد (حکیمی، ۱۳۸۱: ۱۷۵-۱۸۴).

برخی از راهکارهای تحول در سیستم مدیریتی عبارتند از:

- پرورش نیروهای مستعد با برنامه ریزی برای آموزش و پرورش و آموزش عالی (تخصّص و تعهد)؛

- مبارزه با فساد اداری و اخلاقی و جلوگیری از ریخت و پاش و بخشش‌های نابرابر؛ و نظارت دقیق و فراگیر بر این امور؛ ایجاد وحدت و همدلی.

۵-۲-۵ تحول در سیستم امنیتی و قضایی کشور: هدف قیام حضرت مهدی علیه السلام برقراری عدل و داد در جهان است. تعبیر «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا» گویای مهم‌ترین ویژگی حکومت آن حضرت است. در روایات آمده است که عدالت و مساوات آن حضرت به گونه‌ای خواهد بود که نیاز همه نیازمندان برطرف شده و افراد مستحق برای پرداخت صدقات یافت

نخواهند شد (یزدی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۲۵۳). نظام قضایی موظف است ضمن این که خود عدالت و داد را برقرار می‌سازد، با برخورد قاطع و عادلانه مانع وقوع ظلم و تعدی به حقوق دیگران شود و دیگر کسی به کسی ظلم نکند (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۷۵).

برخی اصول لازمه در تحول سیستم امنیتی و قضایی عبارتند از:

**الف. عدالت اجتماعی و مساوات:** حضرت علی علیه السلام فرمود: در زمان دولت مهدی علیه السلام خواهید دید که سیره عادلانه چگونه خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۱۳۰). عدالت اجتماعی به معنای تعادل و توازن در کلیه جریان‌های اقتصادی جامعه است و نظام تولید و توزیع مصرف را در بر می‌گیرد. رعایت قاطع اصل عدالت و مساوات موجب تعدیل ثروت‌ها و برابری در توزیع کالاها و مواد مورد نیاز همه مردم است.

**امنیت روانی و اجتماعی:** امنیت و آرامش از نعمت‌های بزرگ الهی و بستری برای تکامل مادی و معنوی جامعه انسانی و رشد اقتصادی است. امام صادق علیه السلام فرمود:

سه چیز است که همه مردمان بدان محتاجند: امنیت، عدالت و فراوانی (همان، ج ۷۵: ۲۳۴). وجود نازنین ائمه اطهار علیهم السلام و امام عصر علیه السلام هم مایه امنیت و آمان اهل زمین شمرده شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۸۵). قرآن کریم امنیت در دولت موعود را یکی از وعده‌های حتمی الهی می‌شمارد (نور: ۵۵) امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم قیام کند، حکومتش را بر اساس عدالت برقرار می‌سازد و ظلم و جور را بر می‌چیند، و جاده‌ها در پرتو وجودش امن و آمان می‌شود (حرعاملی، ۱۴۲۵، ج ۵: ۱۸۰).

در عصر ظهور، به قدری امنیت و آرامش عمومی در جامعه حاکم می‌شود که به فرموده حضرت علی علیه السلام در آن زمان حتی حیوانات درنده و چارپایان با یکدیگر در صلح و صفا به سر می‌برند (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۲۶). البته تقویت بنیه نظامی و استیلا بر قلمرو جامعه اسلامی و آمادگی برای مقابله با توطئه چینی و دسیسه‌های دشمنان نیز در جهت ایجاد امنیت امری ضروری است.

۶-۲-۵. ایجاد وحدت و تعامل در بخش‌های درونی و خارجی (با ادیان دیگر): درباره

امام عصر علیه السلام آمده است: او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می‌کند و نعمت را کامل می‌سازد (یزدی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۱۶۸). بر اساس این روایت در طول انقلاب و بعد از آن نیز همه انسان‌ها از تفرقه، جدایی، اختلاف و چندگانگی به دور خواهند بود (کارگر، ۱۳۸۶: ۸۳ - ۱۲۲). این همدلی و اتحاد کم نظیر در همه امور، حتی در اعتقادات و باورها به وجود خواهد آمد. امام صادق علیه السلام فرمود:

به خدا قسم! در آن روز اختلافات میان ملت‌ها و دین‌ها رفع می‌شود. (حلی، ۱۴۲۱: ۴۳۶)؛ کینه‌ها و دشمنی از قلوب بندگان می‌رود و درندگان و چهارپایان در صلح [با هم] زندگی می‌کنند (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۲۶).

براساس روایاتی که بقای اهل کتاب را در دولت کریمه بیان می‌کنند، باز هم با اخذ جزیه، حقوق همگان محترم بوده و با تعامل و رأفت در کنار هم زندگی خواهند کرد. حتی امام برای ایجاد تعامل و همدلی بیش‌تر، انجام دادن واجب را بر مستحب مقدم می‌کند و می‌فرماید: کسانی که حج یا مناسک مستحب به‌جامی آورند، یا حجر الاسود را استلام می‌کنند و یا طواف مستحبی انجام می‌دهند، آن را به کسانی که حج واجب دارند واگذار کنند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۴۲۷).

امام صادق علیه السلام فرمود:

مهدی علیه السلام میان افراد صلح و مودت ایجاد می‌کند و آشفتگی‌ها و پراکندگی‌ها و تفرقه‌ها را برطرف می‌سازد (همان، ج ۱: ۳۱۳).

### نتیجه‌گیری

نیاز به الگویی شایسته و کامل یکی از بدیهیاتی است که هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند. البته روشن است که هر الگوی ادعایی نمی‌تواند مورد اقتدا و تأسی قرار گیرد. بدین جهت در آشفته‌بازاری که هر گروه و مکتبی ادعای معرفی بهترین اسوه و الگو را برای جهانیان دارد، رسیدن به این غرض کاری دشوار می‌نماید. با سیری اجمالی در تاریخ گذشته و معاصر می‌بینیم که حتی شاخص‌ترین این اسوه‌های ادعایی مانند دموکراسی، لیبرالیسم، کمونیسم و اومانیزم نه تنها نتوانسته‌اند به مقصد برسند، بلکه مانند کمونیسم به افول دچار

شده‌اند، یا مانند لیبرالیسم در سرآشویی سقوط قرار دارند. در این میان تشیع به عنوان مکتبی پویا و بافرجام، با اندیشه ناب مهدویت تنها مکتبی است که رو به تعالی و رشد است و برای کمال و سعادت انسان‌ها برنامه جامع و روشنی دارد. بدین جهت معرفی شایسته و بایسته آن می‌تواند جوابگوی بسیاری از سؤالات و نیازهای فطری و ظاهری بشر باشد. بهترین شیوه برای معرفی آن، اجرایی کردن بخش‌هایی از آن با توجه به شرایط موجود است. بی شک بدون حضور دوازدهمین امام معصوم شیعه این امر به صورت کامل محقق نخواهد شد.

به نظر برخی از آن‌جا که آرمان شهر مهدوی هنوز اتفاق نیفتاده و امری مجهول است، نمی‌تواند الگو باشد. اما آن‌ها غافل از این مطلبند که اولاً، لازم نیست الگو در گذشته اتفاق افتاده باشد تا بتوان از آن الگوگیری کرد؛ ثانیاً، در مورد دولت کریمه مهدوی روایات یقینی و متعددی وجود دارد که با جمع‌آوری آن‌ها می‌توان چشم اندازی قابل اجرا از آن ترسیم کرد و بخش‌هایی را که با شرایط فعلی مقذور است، اجرا کرد. البته شیعه ادعا ندارد که تمام وجوه و ابعاد این دولت موعود در روایات تبیین شده است؛ اما فقدان این موارد مانع الگو برداری از آن نمی‌شود.

با توجه به احساس نیاز نظام به تدوین یک الگوی ارزشی و بومی که رهبر فرزانه انقلاب آن را «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» نامیدند، سبب شد در این نوشتار امکان الگوگیری از آموزه مهدویت مورد بررسی قرار گیرد. در این مجال سعی گردید ابتدا ضرورت الگوگیری و اهمیت رعایت ارزش‌ها و موازین در الگو برداری روشن شود. سپس ضمن تاکید به امکان الگوگیری از این دولت موعود، با بیان ده مورد به ضرورت الگوگیری از این آرمان شهر پرداخته شود. آموزه اعتقادی امامت و استلزامات سیاسی آن، هویت بخشی مهدویت به زندگی سیاسی- اجتماعی شیعه، بحران ایدئولوژی‌های بشری در جهان امروز و احیای اسلام‌گرایی، ضرورت‌های زندگی سیاسی امروز و نیاز به آینده نگری، بحران عدالت در جهان معاصر و توجه به منجی گرایی در جهان امروز، جهانی شدن و چشم انداز فرج، گرایش به معنویت و کرامت انسانی در جامعه، حتمی و جهان‌شمول بودن دولت کریمه مهدوی، بی بدیل و نیک فرجام بودن حکومت امام عصر<sup>علیه السلام</sup> نقش ایرانیان در تحقق دولت کریمه از جمله علل

ضرورت الگوگیری از این اندیشه ناب معرفی گردید.

روشن است که می‌بایست ساز و کاری برای چگونگی الگوبرداری از وجوه ممکن تبیین شود. نگارنده با معرفی سه روش به این امر می‌پردازد. این روش‌ها عبارتند از: طراحی استراتژی یا راهبرد؛ شبیه‌سازی یا الگوبرداری تا حد ممکن؛ زمینه‌سازی برای تحقق دولت موعود. در ادامه برای اجرایی ساختن این وجوه الگویی، در دو بخش مطالب ارائه گردید. ابتدا به برخی از عناوین شاخص موارد قابل الگوگیری از آرمان شهر مهدوی پرداخته شد. در بخش دوم نیز تبیین برخی وجوه الگویی قابل اجرا و راهکارهای عملیاتی کردن آن‌ها بیان شد. در این مجال ۶ راهکار پیشنهاد گردید که عبارتند از: ایجاد تحول عمیق دینی و اخلاقی؛ ایجاد تحول علمی و فرهنگی؛ تحول در نظام اقتصادی و سرمایه‌گذاری کشور؛ تحول در سیستم اداری و مدیریتی کشور؛ تحول در سیستم امنیتی و قضایی کشور؛ ایجاد وحدت و تعامل در بخش‌های درونی و خارجی (با ادیان دیگر).

امید است با تدوین نهایی این الگو بتوان گامی عملی برای معرفی دولت الگو به جامعه جهانی برداشت و بعد از آن نیز برای زمینه‌سازی تحقق آن دولت موعود گامی بلندتر پیمود.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، الف (۱۴۱۶ق) *التشريف بالمنن في التعريف بالفتن*، قم، بی جا.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۶ق). *الملاحم و الفتن*. جلد، قم، مؤسسه صاحب الامر علیه السلام، قم.
۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *كشف الغمة في معرفة الأئمة*، تبریز، بنی هاشمی.
۴. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). *جامعه شناسی توسعه*، تهران، موسسه نشر علم.
۵. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۸۴). *درآمدی بر مسایل سیاسی دکترین مهدویت*، فصلنامه *انتظار موعود*، قم، مرکز تخصصی مهدویت، شماره ۱۶.
۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۷. جعفری، محمدصابر (۱۳۸۱). *مهدی انکاری و انتظار ستیزی*، فصلنامه *انتظار موعود*، قم، مرکز تخصصی مهدویت، شماره ۵.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *إثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی.
۹. حکیمی، محمد (۱۳۸۱). *عصر زندگی*، قم، بوستان کتاب.
۱۰. حلی، حسن بن سلیمان، (۱۴۲۱ق). *مختصر البصائر*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۱. حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق). *قرب الإسناد*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۲. خامنه‌ای سیدعلی (۱۳۹۲). *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۳. خزاز رازی، علی بن محمد، (۱۴۰۱ق). *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، قم، بیدار.
۱۴. خمینی روح الله (۱۳۸۶). *کلمات قصار بندها و حکمتها*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *ولایت فقیه*، تهران مؤسسه تنظیم نشر آثار امام.
۱۶. دارمستر، جیمز، (بی تا) *مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزده هجری*، ترجمه محسن جهان سوز، تهران، بی تا.
۱۷. دیلمی حسن بن محمد (بی تا) *ارشاد القلوب*، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۱۸. رجالی تهرانی علیرضا، الف (۱۳۸۹). *بررسی و نقد نظرات پروفیسور هانری گربین درباره مهدویت*، فصلنامه *انتظار موعود*، قم، مرکز تخصصی مهدویت، شماره ۳۲.
۱۹. \_\_\_\_\_ ب (۱۳۸۹). *یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام*، قم، نبوغ.
۲۰. شفیعی سروستانی اسماعیل (۱۳۸۱). *درآمدی بر استراتژی انتظار*، تهران نشر موعود.
۲۱. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۲). *شرح أصول الکافی* (صدرا)، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی*، تهران، کتابچی.
۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳)، *الخصال*، مصحح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة.
۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه موسوی همدانی، قم، اشارات جامعه مدرسین.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.





۲۷. طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*، قم، بعثت.
۲۸. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبة*، قم، دارالمعارف اسلامیة.
۳۰. عبدیانی نرجس (۱۳۸۷). *ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، قم دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۳۱. عرفان امیرمحسن (۱۳۸۹). *دولت خدا*، تهران، آینده سازان.
۳۲. علم الهدی سید مرتضی (۱۴۱۰ق). *الشافعی فی الامامة*، تهران، مؤسسه الصادق.
۳۳. فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۹). *رساله الملله*، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۲.
۳۴. قائمی مقدم، محمد رضا، (۱۳۸۲)، *روش الگویی در تربیت اسلامی*، مجله معرفت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، شماره ۶۹.
۳۵. قرائتی محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۶. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق). *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
۳۷. قمی، شیخ عباس (۱۳۹۱). *مفاتیح الجنان*، مصحح: حسن تفکری، قم، پیام مقدس.
۳۸. کارگر، رحیم (۱۳۸۶). *بسیج و کنش جمعی در انقلاب جهانی مهدوی*، فصلنامه انتظار موعود، قم، مرکز تخصصی مهدویت، شماره ۲۳.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، الإسلامیه.
۴۰. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲). *شرح اصول کافی*، تهران، المكتبة الاسلامیة.
۴۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامی.
۴۴. منصور، جهانگیر (۱۳۸۲). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر آگاه.
۴۵. موحیدیان عطار، علی (۱۳۸۹). *گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴۶. مور، تامس (بی تا). *آرمانشهر «یوتوپیا»*، ترجمه داریوش آشوری، خوارزمی، تهران.
۴۷. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی (۱۳۷۹). *مکیال المکارم*، ترجمه مهدی حائری قزوینی، تهران، بدر.
۴۸. مهدی زاده، حسین (۱۳۸۲). *تقلید از الگوها، آسیب شناسی و راههای آسیب زدایی*، مجله معرفت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، شماره ۶۷.
۴۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق). *الغیبة*، تهران، صدوق.
۵۰. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*، تهران، مکتبة الاسلامیة.
۵۱. یزدی حایری، علی (۱۴۲۲). *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- نرم افزارها**
۵۲. *نرم افزار جامع الأحادیث ۳/۵*، قم، مرکز کامپیوتری نور.
۵۳. *نرم افزار جامع التفاسیر*، قم، مرکز کامپیوتری نور.
- سایت‌ها**
۵۴. سایت مرکز جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام

## مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت از نظرگاه اسلام با توجه به آرمان شهر مهدوی

سید مجتبی معنوی \*

غلامرضا بهروزی لک \*\*

### چکیده

توسعه و پیشرفت به عنوان شاخصی مهم، برای جوامع بشری شناخته شده است و این سؤال وجود دارد که مؤلفه‌ها و عوامل شکل‌دهنده توسعه و پیشرفت از نظر اسلام و با توجه به آرمان شهر مهدوی چیست؟ در اندیشه اسلامی توسعه‌یافتگی و پیشرفت، به‌ویژه در بعد سیاسی با حکومت امام عصر علیه السلام تجلی می‌یابد. از آنجا که حرکت به سوی کمال موجب رسیدن به قله سعادت و قران کریم هدف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را اظهار امر دین بیان کرده؛ تحقق کامل این امر در مدینه فاضله مهدوی به عنوان شاخصی برای توسعه و پیشرفت اسلامی خواهد بود. هدف تحقیق پیش‌رو ارائه فرایند توسعه اسلامی بر اساس آموزه مهدویت است. مهم‌ترین مؤلفه‌ها که در این مقاله برای توسعه‌یافتگی و پیشرفت بر اساس آموزه مهدویت شناسایی شده عبارتند از: محوریت امام معصوم علیه السلام، همراهی و همدلی جامعه با امام عصر علیه السلام، هماهنگی با اقتضائات زمان، تعقل و تفکر، تقویت ایمان و تزکیه قلوب. واژگان کلیدی: مهدویت، آرمان شهر، توسعه‌یافتگی، پیشرفت، مؤلفه‌ها.

توسعه از مفاهیم مهمی است که از آن به عنوان معیاری برای طبقه‌بندی جوامع بشری استفاده می‌شود، جوامع توسعه‌یافته از جمله جوامعی هستند که بر مشکلات و بحران‌های اجتماعی فائق آمده و به آرمان‌های خود دست یافته‌اند. پیشینه مسئله پژوهش، به صورت غیر منسجم در منابع اسلامی قابل دستیابی است و در برخی منابع مانند «ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، نوشته نرجس عبدیایی به اجمال مورد اشاره قرار گرفته است؛ ولیکن تدوین جامع‌تر و سامان‌دهی و مؤلفه‌بندی آن به تلاش بیش‌تری نیاز دارد که نگارنده سعی دارد به آن بپردازد. این پژوهش در صدد است توسعه و پیشرفت از نظر اسلام را ترسیم و چپستی آن را با توجه به آرمان شهر و مدینه‌ی فاضله مهدوی تحلیل کند. فرضیه این پژوهش آن است که آرمان‌شهر مهدوی بر خلاف مدینه‌فاضله بشری غیرانتزاعی بوده و از چهره‌ای واقعی و قابل دستیابی برخوردار است و می‌توان برای رسیدن به آن برنامه‌ای مناسب و الگویی شایسته تدوین کرد؛ و تلاش برای رسیدن به آن نتیجه‌بخش است.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که هر گونه تعریف و ترسیم آرمان‌شهر مهدوی قبل از شکل‌گیری آن به دست امام عصر علیه السلام که انسان کامل است، تعریفی ناقص و غیر دقیق است. به همین جهت نمی‌توان تعریف دقیقی از آن ارائه و فقط می‌توان بعضی از اوصاف آن را به عنوان شاخصی برای تحقق آن مطرح کرد که در این صورت، جامعه آرمانی می‌تواند با الگو قرار دادن آن برای رسیدن به آن یا حداقل در جهت آن تلاش کند که در این صورت، ثمره این کار همسویی و ایجاد سنخیت و همگرایی رفتاری جامعه آرمان‌گرا با مدینه فاضله مهدوی بوده و می‌تواند سمت و سوی پیشرفت را برای جامعه آرمان‌گرای مهدوی معین کند. این مسئله با رویکرد متداول آن و با مفاهیم غربی و گرایش غیراسلامی، مورد نظر و بحث نیست.

مفهوم توسعه و پیشرفت در اسلام؛ اگر چه با مفهوم این واژه در غرب و مبتنی بر تفکر

بشری تعارض و تناقض قطعی ندارد؛ نمی‌توان مفهوم توسعه و پیشرفت اسلامی را متصلب به اندیشه بشری و در چارچوب فکری انسانی با بینشی سطحی و نگرشی مادی تصور کرد. وجود مشکلات فراوان در کشورهای توسعه‌یافته دلیل واضح بر این ادعا است و خود‌گویای این حقیقت است که توسعه یا تحقق پیدا نکرده یا با مفهومی اشتباه و بر پایه مبانی نادرست شکل گرفته است که در مقام عمل، توسعه و پیشرفت را پیش روی جامعه قرار نمی‌دهد و خود عاملی برای بحران‌هایی مانند اختلاف طبقاتی و تبعیض نژادی گردیده است و در مجموع باید توجه داشت که هدف توسعه در غرب با هدف توسعه در اسلام سازگاری ندارد و بین ماهیت این دو، تفاوت جوهری و ذاتی وجود دارد. از سوی دیگر، این مسئله با نگرشی تک‌ساحتی به انسان با جهان‌بینی مادی، موجب می‌شود به توسعه و پیشرفت با رویکردی خاص و محدود نگریده شود و نظر اسلام را مورد غفلت قرار دهد و یا به تأمین آن قادر نباشد. به همین دلیل لازم است ابتدا مبنای توسعه و پیشرفت از نظر اسلام تصویر و هدف در رشد و کمال اسلامی تعریف شود و در پی آن، انواع توسعه و سپس عوامل توسعه و پیشرفت از نظر اسلام مورد عنایت قرار گیرد و با توجه به آرمان شهر مهدوی به آن‌ها پرداخته شود.

شایان ذکر است استفاده از واژه «توسعه» ممکن است به لحاظ ملزوماتی که در اندیشه غرب دارد، نوعی وابستگی در ذهن مخاطب با گرایش به مفهوم غربی آن پدید آورد و پژوهش را در سایه توسعه غربی شکل دهد؛ به همین دلیل؛ چنان‌که در سخنان مقام معظم رهبری آمده است مناسب است جهت پژوهش به واژه «پیشرفت» معطوف و از وام‌گرفتن پیشرفت مفاهیم غربی پرهیز شود (الگوی اسلامی - ایرانی، ۱۳۹۲: ۸۰).

مبانی توسعه و پیشرفت از نظر اسلامی این فرایند را تک‌ساحتی و دنیا‌گرایانه ترسیم نمی‌کند و بر توسعه و پیشرفت جامعه در ساحت دین و دنیا تأکید می‌کند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: لَيْسَ مِنْنا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَأَخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۵۶). به همین دلیل، لازم است توسعه و پیشرفت مبتنی بر تحقق این امر در دنیا و آخرت مورد بررسی قرار گیرد. بررسی در آیات و روایات نشان می‌دهد پیشرفت جامعه آرمانی اسلامی مورد توصیه و تأکید پیامبر و اهل‌بیت بوده است؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ محمد رسول خدا است و کسانی که با او هستند علیه کفار شدید و بی رحمند و در بین خود رحیم و دلسوزند، ایشان را می بینی که همواره در رکوع و سجودند و در طلب فضل و رضوان خدایند. علامتشان در رخسارشان از اثر سجده نمایان است، این وصف ایشان است در تورات و اما وصف آنان در انجیل این است که چون زراعتی هستند که از شدت برکت پیرامونش جوانه‌هایی می‌زند و آن جوانه‌ها هم کلفت می‌شود و مستقیم بر پای خود می‌ایستد به طوری که برزگران را به شگفت می‌آورد [مؤمنین نیز این طورند]، این برای آن است که کفار را به خشم آورد، خدا به کسانی که ایمان آورده و از آن بین به کسانی که اعمال صالح هم می‌کنند وعده مغفرت و اجری عظیم داده (فتح: ۲۹).

در این آیه شریفه پیامبر ﷺ و یاران او به زراعتی تشبیه شده‌اند که جوانه‌های خود را خارج ساخته؛ سپس به تقویت آنان پرداخته است؛ به گونه‌ای که بر ساقه خود ایستاده و رشد و نمو آن، زارعان را به شگفتی واداشته است.<sup>۱</sup> این تشبیه رساترین تعبیری است که بر پیشینه پیشرفت در اسلام دلالت دارد که در شرایط آن روز جامعه جاهلیت با تلاش بی‌وقفه پیامبر ﷺ و همراهی گروهی اندک مؤمنان شکل گرفت و ماهیت توسعه یافته آن در جامعه آرمانی عصر ظهور شکل می‌گیرد و همین امر موجب خشم کفار گردید.

از نظر اسلام نه تنها ایستایی، بلکه فعالیتی برابر با روز یا شرایط گذشته و به تعبیری درج‌زدن موجب زیان و خسران دانسته شده است: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ» (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۴۲). بر این اساس، روح حاکم بر اسلام بر پیشرفت و کمال جامعه تأکید دارد. سؤال از این که پیشرفت با کدام مؤلفه قرار است از منظر اسلام در آرمان شهر مهدوی تحقق پیدا

۱. ر.ک: تفسیر صافی، ج ۵: ۴۶.

کند، در سامانه این مقاله پی گرفته می‌شود و با توجه به پیشینه پیشرفت در اسلام و تأکید بر رسیدن جامعه آرمان‌گرا به کمال، ضرورت آن به عنوان عملی صالح و موجب غیظ کفار، برای انگیزش آرمان‌گرایان و تلاش آنان برای رسیدن به جامعه آرمانی مهدوی تحلیل می‌گردد.

### مفهوم توسعه و پیشرفت، آرمان‌شهر مهدوی

توسعه<sup>۱</sup> در دیدگاه اندیشمندان مختلف با توجه به رویکرد و گرایش آن‌ها به مسائل گوناگون دارای تعاریف متعددی است.

ادوارد تایلور، با گرایش فرهنگی در تعریف توسعه می‌نویسد:

هرگاه با هنرهای پیشرفته، دانش متری و سازمان‌های پیچیده برخورد کنیم، باید بدانیم که این‌ها از توسعه و پیشرفت تدریجی مراحل ساده قبل نتیجه‌گیری شده‌اند و هیچ مرحله‌ای از تمدن به خودی خود به وجود نمی‌آید؛ بلکه هر مرحله از مرحله قبلی ناشی می‌شود و متکی به آن است (ادیبی، ۱۳۵۳: ۲۵۰).

اسپنسر، توسعه را ادغام و یکپارچگی ماده دانسته که با اصطکاک و تجزیه حرکت همراه است (توسلی، ۱۳۷۶: ۹۹).

اگوست کنت، پیشرفت انسان را دارای سه مرحله الهی، متافیزیک و علمی می‌داند. به نظر کنت هر یک از مراحل پیشرفت جامعه بشری، با تکامل ذهن بشر شکل می‌گیرد (همان).

بسیاری از نظریه‌پردازان جهانی شدن نیز توسعه و پیشرفت را در قالب رشد فزاینده فناوری ارتباطات و اطلاعات، توسعه روابط بین الملل در ابعاد سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تصور کرده و مؤلفه آن را شکل‌گیری سازمان‌های جهانی، به‌ویژه در حوزه کلان اقتصاد می‌دانند.<sup>۲</sup> دقت در تعاریف و شاخص‌های مذکور نشان می‌دهد توسعه در ساحتی مادی

## ۱. Development

۲. ر.ک: کتاب نظریه‌های جهانی شدن نوشته دکتر حسین سلیمی.

و دور از هرگونه امر قدسی دیده شده و طبیعی است که در این فرض نمی‌تواند به مدینه فاضله و آرمان شهر مهدوی ناظر باشد؛ به‌ویژه که هدف غایی در هیچ یک از آن‌ها با هدف نهایی در اندیشه مهدویت مشترک نیست. حتی نمی‌توان پذیرفت که آرمان‌شهری که افلاطون مبنی بر شهریاری فیلسوفان مطرح می‌کند و یا جامعه‌ای که فارابی برپایه همکاری اجتماعی مورد اشاره قرار می‌دهد و یا شهر نابی که فوکویاما در پرتو لیبرال دموکراسی در سر می‌پروراند و یتویپایی که تامس مور، آگوستین، سیسرون، هابز و بولتالک و... از آن سخن می‌گویند با مدینه فاضله همسو و هماهنگ باشد.

غرب با گرایش به شرک و تساهل، توسعه را دنبال می‌کند؛ در حالی که پیشرفت نمی‌تواند با تساهل و شرک قابل جمع باشد؛ به همین لحاظ مفهوم پیشرفت متمایز از مفهوم توسعه است. مقام معظم رهبری در باره مفهوم پیشرفت می‌فرماید:

کلمه پیشرفت را با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه توسعه را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ الزاماتی را با خود همراه دارد که ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاافتاده جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم. این مفهوم عبارت است از «پیشرفت» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در سال ۱۳۸۹ با عنوان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت).

در بیانی دیگر فرمودند:

پیشرفت رسیدن به حیات طیبه، یعنی زندگی گوارا همراه با آسایش و آرامش و در کل سعادت دنیا و عقباست (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸).

آموزه مهدویت و آرمان شهر مهدوی که داعیه‌دار به‌حق، تأمین سعادت دنیا و آخرت است بر اظهار دین مبتنی بوده و هدف نهایی آن و اوج قله توسعه و پیشرفت در آن زدودن شرک از نظام هستی و برپاداشتن توحید در کل جهان است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى

وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳). در بخشی از ادعیه مهدوی برای اشاره به این مطلب آمده است:

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ لِيَّ أَمْرَكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ... وَ الْقَائِمِ بِدِينِكَ  
اسْتَخْلَفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَّنَّ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ  
أَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا؛ خداوندا! دعوت به کتاب  
الاهی و برپایی دین را بار دیگر با امام زمان آغاز کن؛ همان گونه که قبل از او  
دین تو به پا گشته بود و رضایت تو در گرایش جامعه به اوست؛ چراکه با ظهور او  
امنیت و توحیدی، دور از هر گونه شرک به تو جایگزین ترس و نگرانی خواهد  
شد (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۸۱).

از این رو توسعه و پیشرفت با توجه به آرمان شهر مهدوی فرایندی است که در آن عواملی شکل می‌گیرد که به تحقق هدف نهایی حکومت جهانی مهدوی، مبتنی بر حاکمیت توحید می‌انجامد و تبلور و تجلی این پیشرفت را می‌توان در وجوه توسعه یافته آرمان شهر مهدوی در بعد سیاسی نگریست. بنابراین، لازم است عواملی که به تشکیل این فرایند منتهی می‌شود، مورد توجه قرار گیرد و زمینه پرورش و تکثیر آن‌ها در جامعه فراهم شود.

#### انواع توسعه؛ ممدوح و مذموم

توسعه، فرایندی است که می‌تواند چهره‌های ژانوسی و دوپهلوی داشته باشد و به همان اندازه که برای جامعه موجب پیشرفت و رشد و ترقی می‌شود، در پاره‌ای از موارد مایه نگرانی و منشأ بحران و فقر و ناامنی است. آنچه در اسلام نسبت به توسعه و پیشرفت مورد عنایت ویژه قرار گرفته دو مطلب است:

**اول**، این که سرمایه الاهی و انسانی حفظ شده و از هرگونه خسارتی در امان باشد و جامعه بداند برای چه خداوند متعال فرصت زندگی کردن در اختیار او قرار داده است. قَدْ  
أْمَهَلُوا فِي طَلَبِ الْمَخْرَجِ وَ هَدُوا سَبِيلَ الْمُنْهَجِ؛ خداوند متعال به شما فرصت داده تا راه  
نجات را یافته و به سوی آن بروید (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۱۰۹).

چنانچه توسعه به خسران جامعه منتهی شود؛ نمی‌توان عنوان توسعه را بر جامعه



خسران زده و متضرر اطلاق کرد. به همین دلیل لازم است جامعه بداند توسعه در چه جهتی و به چه قیمتی ایجاد می‌شود و هدف غایی و مقصد نهایی آن کجاست. قرآن کریم جهت توسعه و پیشرفت را این‌گونه آورده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات: ۵۶). بر اساس این آیه شریفه توسعه و پیشرفت باید جهتی را مورد توجه قرار دهد که به عبودیت می‌انجامد و از همین آیه می‌توان دریافت که توسعه و پیشرفتی که از عبودیت فاصله می‌گیرد از نظر اسلام نمی‌تواند مطلوب باشد؛ زیرا نتیجه آن تخریب آخرت و خسران اخروی است. قرآن کریم در آیه دیگری می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ» (هود: ۶۱). خداوند متعال انسان را برای عمارت و آبادانی و آباد کردن آفریده است. عمران و آبادانی زمانی قابل تصور است که انسان سرمایه الهی و منابعی را که در اختیار دارد، به کار گیرد و با مدیریت کردن سرمایه، دنیا و آخرت خویش را آباد کند و یا در سطح بالاتر مدینه فاضله و آرمان شهر را به وجود آورد.

وقتی هدف رسیدن به آرمان شهر مهدوی قرار می‌گیرد، سخن گفتن از شهر ناب که فوکویاما در پایان تاریخ برای واپسین انسانی که لیبرال دموکراسی را خاستگاه آن می‌داند و مدینه فاضله افلاطون و فارابی و دیگران موقعیت مناسبی برای سرمایه‌گذاری نخواهند بود؛ زیرا در دیدگاه آنان، انسان کامل مورد غفلت واقع شده و حتی گاه فناوری و مدرنیته برای زدودن اعتقاد به آن وارد میدان شده است. در این حالت است که انسان در مسیر پیشرفت از همراهی با عصاره خلقت که منظور از آن امام زمان علیه السلام است (طباطبایی، ج ۲۰: ۶۰۹) باز خواهند ماند و به خسران گرفتار خواهند شد.

توجه به این مطلب نیز لازم است که منظور از توجه به توسعه و پیشرفت در اسلام و توجه ویژه به آخرت، ترک دنیا و مادیات نیست؛ زیرا بی‌توجهی به دنیا، موجب تدارک آخرت و غفلت از آخرت نیز موجب ساختن دنیا نمی‌شود. ساختن آخرت در دنیا صورت می‌گیرد و عمران این دو چنان درهم تنیده است که هیچ یک را نمی‌توان به تنهایی دنبال کرد و گرایش به هریک بدون دیگری از سوی اهل بیت علیهم السلام امری نکوهیده و مورد سرزنش به‌شمار آمده است. در همین زمینه امام علی علیه السلام خطاب به عاصم بن زیاد که دنیا را

ترک گفته بود، فرمودند:

ای دشمنک جان خود! شیطان در تو راه یافته و هدف تیر او قرار گرفته‌ای! آیا به خانواده و فرزندان رحم نمی‌کنی؟ تو خیال می‌کنی خداوند [به ظاهر] طیبیات را بر تو حلال کرده؛ اما [در واقع] دوست ندارد که از آن‌ها استفاده کنی؟! تو در پیشگاه خداوند بی‌ارزش‌تر از آنی که بدین گونه با تو رفتار کند! عاصم گفت: ای امیر مؤمنان! چرا تو خود با این لباس خشن و آن غذای ناگوار به سر می‌بری [در حالی که پیشوا و امام ما هستی؟ و بر ما لازم است به تو اقتدا کنیم] امام به او فرمود: وای بر تو! من مثل تو نیستم [وظیفه من غیر از شما است] خداوند بر پیشوایان حق واجب شمرده که بر خود سخت گیرند و همچون طبقه ضعیف مردم باشند، تا نداری فقیر، او را به هیجان نیاورد که سر از فرمان خداوند برتابد. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۳۲۵).



از توبیخ امام علی علیه السلام نسبت به عاصم بن زیاد معلوم می‌شود توسعه و پیشرفت اسلامی مستلزم زندگی فقیرانه نیست و نباید به بهانه زهد اهل بیت علیهم السلام و اهتمام امام به پیامدهای ناشی از فقر تهیدستان از امکانات مادی و رفاه دنیوی فاصله گرفت.

توسعه و پیشرفت ممدوح در اسلام و به‌ویژه در آرمان شهر مهدوی آن است که جامعه در آن از طریق عمران و توسعه دنیا آخرت خود را نیز به دست آورد. به جهت اشاره به این مطلب، در روایت آمده است:

به وسیله قائم شما زمین خود را با تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجید ذات مقدسم، آباد کنم (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۳۲).

براساس این روایت پیشرفت و توسعه جامعه مهدوی، عمران و آبادانی هستی را در پرتو تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر تجربه خواهد کرد. به نظر می‌رسد هر یک از این تعابیر اشاره به حقیقتی باشد که پیشرفت جامعه در صورت تحقق آن‌ها شکل می‌گیرد. از این رو ممکن است تسبیح را احساس فقر مطلق جامعه به خداوند متعال دانست؛ چراکه او منشأ همه امور است و تهلیل را ناظر به فراگیری توحید تصور کرد و تقدیس را منوط به طهارت جامعه از شرک فرض و تکبیر را تعظیم خداوند متعال در جامعه مطرح کرد که همه این‌ها در سایه

حکومت امام عصر علیه السلام و به دست با کفایت او در آرمان شهر مهدوی تحقق می‌یابند و دولت کریمه مهدوی آنان را در همین دنیای مادی پی می‌گیرد و موجبات عمران سرزمینی و مادی را نیز در حد نهایی فراهم می‌آورد.

**دوم**، این که آنچه در قالب توسعه و پیشرفت شکل می‌گیرد برای همه جامعه باشد و عموم مردم و نسل‌ها از آن بهره‌مند گردند و دستاوردهای قبل از آن از بین نرود و تعادل و توازن طبقات مختلف جامعه به هم نخورد و انسجام و یک‌پارچگی جامعه محفوظ بماند؛ به گونه‌ای که کافر به زندگی خود برسد و مؤمن مخاطره‌ای برای حفظ ایمانش نداشته باشد. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

بر حکومت لازم است زمینه آرامش و امنیت را فراهم کند تا مؤمن به ایمان و کافر به زندگی خود برسد و روزگار سپری کنند. در سایه حکومت زمینه پیکار با دشمنان را فراهم کنند، و راه‌ها را ایمن سازند و به کمک حکومت، حق ناتوان را از توانا بگیرند، تا نیکوکردار روز به آسودگی به شب رساند و از گزند تبهکار در امان ماند. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۸۰).

توسعه‌ای که به تبعیض و برهم زدن توازن جامعه کمک کند، از نظر اسلام جایگاهی ندارد. خداوند همه جانبه بودن توسعه و پیشرفت را در از قرآن کریم چنین معرفی می‌کند:

كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (حشر: ۷).

تداول و دست به دست شدن و گردش سرمایه - که یکی از شاخص‌های توسعه به شمار می‌رود و شاخصی برای جامعه توسعه یافته به شمار می‌آید - در دست ثروتمندان مضموم است و تداول باید در کل جامعه جریان داشته باشد تا زمینه هر گونه ویژه‌خواری و انحصارطلبی و در نتیجه تبعیض و اختلاف طبقاتی از بین برود و امکان توسعه و پیشرفت برای همگان فراهم باشد. بررسی سیره‌ی امام مهدی علیه السلام مبتنی بر تشکیل دولت کریمه، نشان می‌دهد که جلوه توسعه‌یافتگی آرمان شهر مهدوی در حکومت آن حضرت نمایان می‌شود. از ویژگی‌های بارز آرمان شهر مهدوی ایجاد توسعه پایدار برای عموم مردم است و در سیره سیاسی آن حضرت همگان بهره‌مند خواهند شد.

## عدالت، خاستگاه توسعه در مدینه فاضله

خداوند متعال مسؤلیت تحقق و اجرای عدالت را بر عهده پیامبر ﷺ و امام قرار داده و از ایشان پیمان گرفته است تا نسبت به شکم‌بارگی ظالم و گرسنگی مظلوم بی‌تفاوت نباشند. در حقیقت این دو، نمادی از جریان ظلم و بی‌عدالتی در جامعه‌اند که تا زمانی که انسان‌ها از وجود آن‌ها رنج می‌برند، توسعه و پیشرفت در جامعه با اصطکاک فراوان و به‌کندی صورت می‌پذیرد و چه بسا در بسیاری از موارد ممکن نگردد و عموم مردم هم در مقابل آن به ایجاد تحول قادر نخواهند بود و نیازمند کمک امام، برای تحقق عدالت باشند. امام علی علیه السلام در این باره فرموده است:

لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ؛ اگر خداوند از عالمان پیمانی سخت نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده هیچ آرام و قرار نگیرند؛ بی‌تأمل رسته حکومت را رها می‌نمودم [و چون گذشته خود را به کناری می‌کشیدم]. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۵۰).

دقت در سخنان امام علی علیه السلام نشان می‌دهد حکمت حضور انبیا علیهم السلام و اولیای الهی در جامعه و همنشینی آنان با مردم برای حفظ جامعه از لغزش و رهایی از ستم است که تازمانی که روح این گونه مسائل بر جامعه حاکم باشد، توسعه و پیشرفت جایگاهی نخواهد داشت. اوج توسعه و پیشرفت جامعه آرمان‌گرا در مدینه فاضله قابل مشاهده است. به همین لحاظ امام علیه السلام با جامعه همراه می‌گردد؛ چنان که در کلام امام علی علیه السلام آمده است:

وَ لَقَدْ أَحْسَنْتُ جِوَارَكُمْ وَ أَحَطْتُ بِجُهْدِي مِنْ وَرَائِكُمْ وَ أَعْتَقْتُكُمْ مِنْ رِبْقِ الذُّلِّ وَ حَلَقِ الضَّمِيمِ شُكْرًا مِثْلِي لِلْبِرِّ الْقَلِيلِ وَ إِطْرَاقًا عَمَّا أَدْرَكَهُ الْبَصَرُ وَ شَهْدَةً الْبَدَنِ مِنْ الْمُتَكْرِرِ الْكَثِيرِ؛ با شما به نیکویی به‌سر بردم، و همه تلاش خود را کردم تا پاسداری‌تان کنم و از بندهای خواری آزادتان کردم و از حلقه‌های ستم‌رهایتان کردم (همان: ۲۲۴).

همنشینی امام با جامعه و تلاش و کوشش او برای رشد و بالندگی جامعه به انسان‌ها برای

رسیدن به آرمان مطلوب در جوار امام انگیزه و امید می‌بخشد تا خود را از پبله ظلم و ذلت برهانند و به آرمان شهری در سایه اندیشه امامت دست یابند.

تحقق مرتبه نهایی توسعه و پیشرفت جامعه آرمان‌گرا در مدینه فاضله به لطف حضور امام در بین مردم و نهادینه کردن ساختاری است که با ظلم مخالف است و به برادری اهل ایمان اهتمام می‌ورزد؛ به گونه‌ای که در ساختار حکومت قائم سود گرفتن مؤمن از برادر مؤمنش ربا به شمار می‌آید! (صافی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۱۷۳). با آمدن امام دوازدهم ظلم و جور از بین می‌رود، توسعه و پیشرفت و تشکیل مدینه فاضله مهدوی به لطف همجواری جامعه با آن امام همام تبلور می‌یابد و مشکلات جامعه مؤمن به امام مهدی از بین می‌رود:

زمانی که قائم قیام کند خداوند از هر مؤمنی بیماری، نقص و آفت را دور ساخته و نیرویش را به او باز خواهد گردانید (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۷).

اهتمام امام عصر به تحقق عدالت فراگیر در جامعه آن چنان است که کم‌تر اتفاق می‌افتد حکومت مهدوی از سوی آن حضرت مطرح شده و یا در روایت اهل‌بیت مورد اشاره قرار گرفته باشد و در آن سخن از برپایی عدالت نباشد؛ به گونه‌ای که روایات دال بر اجرای عدالت در دولت کریمه به حد تواتر رسیده‌اند. دستاورد توسعه و پیشرفت با توجه به آرمان شهر مهدوی، از آن جهت تحقق خواهد یافت که روح ایمان و اعتقاد به امام در جامعه پیشرفت می‌کند و نیروی مؤمن به او باز می‌گردد.

به نظر می‌آید رمز و راز این اتفاق مهم در این باشد که هوای نفس کنار گذاشته می‌شود و تفکر اومانیستی و انسان‌گرایانه به مسئله توسعه از جامعه رخت برمی‌بندد و انسان‌ها موفق می‌شوند پیشرفت را با افقی که امام به آن می‌نگرد و در اندیشه اسلامی تحلیل می‌شود مورد توجه و دقت قرار دهند. به همین دلیل در سخن امام علی علیه السلام آمده است:

فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَىٰ عَنْ نَفْسِهِ يَصِفُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ لَّا يَدْعُ لِلْخَيْرِ غَايَةً إِلَّا أُمَّهَا وَلَا مَظْنَنَةً إِلَّا قَصْدَهَا قَدْ أُمِّكْنَ الْكِتَابَ مِنْ زَمَامِهِ فَهُوَ قَائِدُهُ وَإِمَامُهُ يَحُلُّ حَيْثُ حَلَّ ثَقَلَهُ وَيَنْزِلُ حَيْثُ كَانَ مَنْزِلُهُ؛ نخستین مرحله عدالتش این است که خود را به عدالت ملزم کرده، و خواسته‌های دل را بیرون رانده؛ حق می‌گوید و به حق عمل می‌کند. هیچ کار خیری نیست، جز آن که برای اجرایش به پا خاسته و در

هیچ‌جا گمان نیکی نبرده، جز این‌که به سوی آن به راه افتاده، زمام خود را به دست قرآن سپرده و قرآن رهبر و پیشوای او است، هر جا قرآن فرود آید، او بار خویش را در همان جا افکند، و هر جا منزل نماید، او آن‌جا را منزلگاه خویش سازد (همان: ۱۱۹).

توسعه‌یافتگی آرمان شهر مهدوی از آن جهت تبلور می‌یابد که عدالت، در اندیشه سیاسی امام مهدی علیه السلام برای اجرای حکومت مسئله‌ای نمادین نیست و ایدئولوژی آن بر ساخت‌گرایی صرف و سرمایه‌داری سازمان‌یافته مبتنی بر حقوق بشر و آزادی تأکید نمی‌کند و به تصویب قوانین حقوق بشری که در سایه منافع صاحبان قدرت شکل می‌گیرد، منتهی نمی‌گردد.

الگوی توسعه سیاسی که تجلی پیشرفت آن در آرمان‌شهر مهدوی است؛ بر باطن افراد و تغییر و دگرگونی روحی - اخلاقی مبتنی است. و دغدغه آن تربیت نیروی اخلاقی است و تلاش آن برای نیروسازی است و از ایشان پیمان می‌گیرد که نسبت به این امر مهم اهتمام داشته باشند. به جهت اشاره به این مطلب در کلام امام علی علیه السلام آمده است:

قائم ما با یارانش پیمان می‌بندد و از آنان بیعت می‌گیرد که... مسلمانی را دشنام ندهند... حریمی را هتک نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره ذخیره نکنند... مال یتیمان را نخورند (صافی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۱۲۸).

توسعه سیاسی در عصر مهدوی توسعه‌ای عدالت‌محور خواهد بود؛ برخلاف فرایند توسعه سیاسی در جهان امروز که با وجود شعارهای مختلفی چون حقوق بشر، آزادی و توسعه سیاسی، عدالت مسئله اصلی جهان امروز نیست. عدالت صرفاً مکانیسمی تلقی می‌شود که از طریق اقتصاد آزاد، باید خودبه‌خود تأمین شود. اما در الگوی نظام مهدوی، توسعه سیاسی با تأمین عدالت همراه است. عدل و داد شعار اصلی امام مهدی علیه السلام است. هدف قیام آن حضرت نیز برقراری عدل و داد در جهان است. تعبیر «یملأ الارض عدلاً و قسطاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۰)؛ گویای مهم‌ترین ویژگی حکومت آن حضرت است.

#### شاخص‌های پیشرفت درمدینه فاضله مهدوی

تصور توسعه و پیشرفت بدون در نظر گرفتن عوامل آن امری بس دشوار و غیر ممکن

می‌نماید. به عبارت دیگر ماهیت توسعه به صورت جداگانه و مجزاً از آنچه به شکل‌گیری توسعه و پیشرفت می‌انجامد، قابل دسترس نیست. این مفهوم را نمی‌توان بدون عواملی که به آن می‌انجامد، در نظر گرفت. به همین دلیل لازم است عناصری که در این فرایند به خلق و رشد توسعه و پیشرفت کمک می‌کند، تحلیل شوند. به همین دلیل در این قسمت از پژوهش تلاش خواهد شد به مهم‌ترین آن‌ها به صورت گذرا اشاره شود.

### ۱. محوریت امامت معصوم علیه السلام

امامت در اندیشه اسلامی یکی از اصلی‌ترین مسائلی است که می‌توان از آن به عنوان یک مؤلفه و عامل اصلی برای بسیاری از مفاهیم، از جمله توسعه و پیشرفت استفاده کرد. دلیل این امر آن است که شناخت امام و همراهی با او، جدا کننده حق از باطل بوده و موجب نجات از مرگ جاهلیت است و قوام اندیشه اسلامی و ماهیت شیعه بسته به اندیشه امامت است. و عمران مدینه فاضله در سایه امامت معنا و مفهوم حقیقی خود را پیدا می‌کند. آنچه مهم است پاسخ به این سؤال مهم است که توسعه و پیشرفت اسلامی و تحقق جامعه آرمانی با رهبری امام و انسان کاملی که ماهیت خود را او می‌گیرد، چگونه شکل خواهد گرفت؟ برای پاسخ به این سوال جز شناخت امامت و آگاهی از کارکرد او در جامعه چاره‌ای نیست.

شناخت امام می‌تواند هدف را در مدینه فاضله به جامعه نشان دهد و انگیزه الگوبرداری توسعه و پیشرفت اسلامی و تکثیر آن را در جامعه ایجاد کند. جامعه در این فرض از وظیفه‌ای که بر عهده می‌گیرد، آگاه خواهد بود و در مقام رسیدن به آن بر می‌آید و کتاب و سنت را سرلوحه امور خود قرار می‌دهد و این همان حقیقتی است که امام در پی آن است؛ همان گونه که امام علی علیه السلام فرموده است:

إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ الْإِبْلَاقُ فِي الْمَوْعِظَةِ وَالْإِجْتِهَادُ فِي النَّصِيحَةِ وَالْإِحْيَاءُ لِلسُّنَّةِ؛ همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را خدا امر فرموده است، و آن، کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، و تلاش در خیرخواهی، و زنده نگاه داشتن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله (نهج البلاغه: ۱۴۱۴: ۱۵۲).

بر اساس مطالب پیش گفته روح توسعه و پیشرفت اسلامی متشکل از آموزه‌های قرآن

کریم و سنت شریف و سیره اهل بیت علیهم السلام است و زمانی می‌توان عنوان توسعه و پیشرفت را بر جامعه‌ای اطلاق کرد که در آن جامعه، منویات امام و منش او در سامانه اعتقادی جامعه مورد اهتمام جدی قرار گیرد و به موازنه پیشرفت در آرمان‌شهر مهدوی نظام و جهت بخشد؛ همان گونه که در سخن امام علی علیه السلام آمده است:

انظروا أهل بيت نبيكم فإن لبدوا [فألبدوا] وإن استنصروكم فأنصروهم تناصروا وتغذروا فإنهم لن يخرجوكم من هدى ولن يدعوكم إلى ردى ولا تسبقوهم بالتقدم فيصرعكم البلاء وتشميت بكم الأعداء؛ به اهل بیت بنگرید؛ اگر آن‌ها اقدامی انجام ندادند شما نیز به عملی دست نزنید و اگر آنان شمار را به یاری طلبیدند؛ ایشان را یاری کنید که ایشان شما را از مسیر هدایت بیرون نمی‌برند و در وادی هلاکت قرار نمی‌دهند، بر ایشان سبقت نگیرید که در بلا گرفتار می‌شوید و مورد شماتت دشمن قرار می‌گیرید (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۷۱).

تجلی پیشرفت در رسیدن جامعه به غایتی مطلوب، در ورای ظهور در آرمان‌شهر مهدوی، زمانی آشکار می‌گردد که گوش و چشم جامعه به سوی امام متمرکز می‌شود. اباعبدالله علیه السلام: **إِن قَائِمًا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي إِسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى [لَا] يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ تَرِيدٌ، يُكْمَلُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَبْصُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ:** امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند خدای عز و جل در گوش‌ها و دیدگان شیعیان ما چنان نیروی رسانایی بنهد که دیگر میان آنها و حضرت قائم علیه السلام پیکی نباشد و آن حضرت [از فاصله دور] با آنان سخن بگوید و آنان بشنوند و او را در همان جایی که هست ببینند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۲۴۱).

«مدالله» از جمله تعابیر گویایی است که بر وجه دیگری از وجوه توسعه‌یافتگی سیاسی آرمان‌شهر مهدوی دلالت دارد. دلیل این ادعا آن است که این مرحله از پیشرفت توجه و بصیرت در سایه حکومت امام عصر علیه السلام شکل می‌گیرد و این فرایند مرهون ساختار قیام است که فاصله امام و مردم را به‌طور کلی از بین می‌برد؛ به گونه‌ای که شیعیان آن حضرت با امام در ارتباط بوده، سخن او را می‌شنوند و به او می‌نگرند؛ در حالی که او در مکان خویش است.



## ۲. همراهی و همدلی جامعه با امام عصر

مرور روایات مهدویت نشان می‌دهد تحقق ظهور به زمینه و خاستگاهی نیاز دارد که منتظران ظهور در فراهم کردن آن نقش قابل توجهی دارند. به همین لحاظ توسعه و پیشرفت الهی و مطلوب که هدفش تکثیر الگویی برای رسیدن به آرمان شهر مهدوی است، در قالب فرایندی طبیعی و غیر ارادی قابل تصور نیست که بدون تلاش و کوشش جامعه برای رسیدن به آن روی دهد. اما نکته اساسی که نمی‌توان آن را از نظر دور داشت و اهمیت آن ایجاب می‌کند به صورت مجزاً به آن پرداخته شود؛ تاب و توان و ظرفیت جامعه برای پذیرش امامت و ملزومات آن است.

مسئله امامت امر بسیار مهمی است و به تعبیر امام هشتم علیه السلام فراتر از آن است که با عقول ناقص مردم قابل درک باشد (همان، ج ۱: ۱۹۹). جامعه و عموم مردم توان همراهی با اندیشه امامت را ندارند؛ حتی نمی‌توانند ظرف مناسبی برای علوم امام بوده و از حاملان علم امامت به شمار آیند که این امر، خود از موانع جدی توسعه و پیشرفت، با توجه به آرمان شهر مهدوی است. اگر جامعه در حدی باشد که ظرفیت پذیرش علم امامت را داشته باشد، امام می‌تواند آن را ظرف وجودی علوم امامت قرار دهد و جامعه با علم امامت شاخصه‌های پیشرفت را پی می‌گیرد؛ در غیر این صورت، از پیشرفت باز می‌ماند؛ زیرا امکان بردوش کشیدن علم و دانش امامت را نخواهد داشت.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

...لَوْ وَجَدْتُ لِعِلْمِي الَّذِي آتَانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَمَلَةً لَنَشَرْتُ التَّوْحِيدَ وَ الْإِسْلَامَ وَ الْإِيمَانَ وَ الدِّينَ وَ الشَّرَائِعَ مِنَ الصَّمَدِ وَ كَيْفَ لِي بِذَلِكَ وَ لَمْ يَجِدْ جَدِّي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام حَمَلَةً لِعِلْمِهِ حَتَّى كَانَ يَتَنَفَّسُ الصُّعْدَاءَ وَ يَقُولُ عَلَى الْمَنِيرِ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي (صدوق، ۱۳۸۹: ۹۳)؛ ... اگر حاملانی چند را از برای علم خویش که خدای عزوجل به من عطاء فرموده بود می‌یافتم هر آینه نشر توحید و اسلام و ایمان و دین و شریعت‌ها از لفظ الصمد می‌کردم و چگونه این امر مرا میسر شود و جدم امیرالمؤمنین حاملانی را از برای علم خویش نیافت حتی آنکه چنان بود که آه سرد از سینۀ پر درد بر می‌کنید بر سر منبر می‌فرمود که از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید.

گرچه در راویات واژه توسعه و پیشرفت وارد نشده است؛ تعبیر «لنشرت» از امام صادق علیه السلام به نیکی بر تحقق این مفهوم دلالت دارد و می‌توان مفهوم توسعه و پیشرفت را در سایه آن تحلیل کرد و به یک سؤال اساسی پاسخ داد و آن این که چه چیزی در توسعه و پیشرفت اسلامی، به ویژه در آرمان شهر مهدوی قرار است توسعه یابد؟ در پاسخ باید گفت توسعه ظرفیت و پرورش استعداد لازم برای پذیرش امامت و استقبال از آنچه امام، جامعه را به آن امر و یا از آن نهی می‌کند؛ پدیده‌ای است که لازم است تحقق یابد؛ به گونه‌ای که توده مردم و به تعبیری جامعه در این فرایند حاملان اهداف الهی امامت دانسته شود.

تحلیل اطلاعات و داده‌های تاریخی نشان می‌دهد هر جامعه‌ای توان همراهی با امامت و ولایت را ندارد؛ به‌ویژه امام دوازدهم که بناست آرمان شهر مهدوی به دست با کفایت او سامان گیرد و زمین از ناحیه او آباد گردد:

به وسیله او [قائم] زمین را از دشمنان خود پاک کنم و به دوستانم ارث دهم و با او کلمه کفار به خودم را پست سازم و کلمه خود را برافرازم و به او بندگانم و بلادم را زنده کنم. (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۳۱)

از آن‌جا که امام دوازدهم در سخن امام حسن عسکری به خضر تشبیه شده است، به خوبی می‌توان فهمید، حکمت این تشبیه بنا بر آنچه در قرآن کریم آمده است، به داستان موسی و خضر برمی‌گردد که در آن از زبان خضر علیه السلام به موسی علیه السلام گفته می‌شود: «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا». (کهف: ۶۷). موسای کلیم در همراهی با خضر نبی که استاد او به شمار می‌آید تاب نیاورده و در مقابل کارهای خضر صبر نداشت و همین امر فراغ بین موسی و خضر را موجب شد.

نکته قابل دقت و بسیار ظریف همین جاست که در توسعه و پیشرفت اسلامی و همراهی با انسان کامل در مدینه فاضله، یکی از عوامل مهمی که بازماندن جامعه از مصاحبت و همراهی با امام را باعث می‌شود، عدم تحمل علم امامت و نداشتن ظرفیت لازم برای مظلوم بی‌انتهای ولایت است. از آن‌جا که تحمل علم امامت امری آسان به نظر نمی‌رسد و به زیرساختی نیازمند است که ابزار و امکانات توسعه امروزی، راه رسیدن به آن را تسهیل

نمی‌کند تا جامعه بتواند از طریق آن، خود را برای تحمل علم امامت آماده کند؛ لازم است سازوکاری اتخاذ شود که جامعه در سایه آن به راهکاری برای صبر و شکیبایی به منظور حفظ و تداوم رابطه خود با امام دست یابد. گرچه در آیات و روایات خاصی برای رسیدن به آستانه تحمل علم امامت اشاره نشده است؛ به نظر می‌رسد اهتمام به امتحان عصر غیبت در این مسئله تأثیر قابل توجهی داشته باشد؛ همان گونه منصور صیقل می‌گوید:

بر امام باقر علیه السلام وارد شدم؛ جماعتی نزد او بودند. پس در آن میان که ما با یک دیگر سخن می‌گفتم و آن حضرت رو به یکی از یاران خود داشت؛ ناگاه رو به ما کرد و فرمود: شما از در مورد چه چیز سخن می‌گویید؟ هیهات! هیهات! آنچه گردن‌های خود را به سویش می‌کشید [منتظر آن هستید] واقع نخواهد شد تا این که پاکسازی شوید، [هیهات] و آنچه گردن‌های خویش را به سوی آن می‌کشید، واقع نمی‌گردد، تا این که باز شناخته و از یک دیگر جدا شوید و آنچه گردن‌های خود را به سویش می‌کشید واقع نخواهد شد تا این که غربال شوید، و آنچه گردن‌های خویش را به جانب آن می‌کشید واقع نخواهد شد، مگر پس از نومیدی، و آنچه به جانب گردن‌های خود را می‌کشید واقع نخواهد شد، تا کسی که اهل نگون بختی است، به سیه‌روزی و آن که اهل سعادت است، به نیک‌بختی رسد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۹).

وصف اهداف بلند مسئله مهدویت از سوی اهل بیت علیهم السلام موجب شده بود جامعه اسلامی و منتظر ظهور موعود افق روشنی را پیش روی خود ببیند و چهره مدینه فاضله مهدوی را واقعی بیابد و همواره برای رسیدن به آن لحظه شماری کند. همین امر موجب گفت‌وگو در باره جامعه‌ی آرمانی و وصف آن شده بود که خود می‌توانست نویدبخش توسعه و پیشرفت باشد مشروط به آن که ناخالصی‌ها و آلودگی‌های جامعه در اطاعت از امام (که خود پژوهش مستقلی می‌طلبد) از بین برود و مطیع و حامل امر امامت و ولایت از غیر آن بازشناخته شود و افرادی که در همراهی با امامت رشد لازم را ندارند و در گذر زمان به لغزش گرفتار شده و از همراهی با امامت باز می‌مانند، قافله ولایت‌مدار را ترک گویند و شقاوت خویش را نمایان سازند و میدان را به افرادی که سعادت مصاحبت و وفاداری را به امام دارند؛ واگذار کنند.

### ۳. هماهنگی با اقتضائات زمان

عصری که جامعه در آن زندگی می‌کند در توسعه و پیشرفت از نظر اسلام نقش مهمی دارد. گاه جامعه در گذر زمان، چنان در تنگنا قرار می‌گیرد که حتی توسعه محدود را بر نمی‌تابد و در جزئیات زندگی در اوج سادگی برای پیشرفت جایی باقی نمی‌گذارد. در روایتی آمده است:

سفیان ثوری در مسجد الحرام به امام صادق علیه السلام رسید؛ دید آن جناب لباس‌های گران‌بهای پوشیده است؛ گفت: به خدا قسم می‌روم، او را سرزنش کنم. نزدیک امام شد و گفت: یابن رسول الله! به خدا قسم پیغمبر اکرم و علی مرتضی و هیچ کدام از پدران گرامی‌ات چنین لباسی را پوشیده‌اند! حضرت صادق علیه السلام فرمودند: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان فقر و تنگدستی مردم زندگی می‌کرد و مطابق همان سختی گذران می‌کرد؛ ولی بعد از او نعمت فراوان شده؛ شایسته‌ترین مردم به نعمت‌های دنیا ابرار و نیکان هستند بعد این آیه را قرائت کرد:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (اعراف: ۳۲) و فرمود: ما از همه مردم شایسته‌تریم به نعمت‌های خدا. در ضمن، آنچه تو در ظاهر، لباس من می‌بینی برای مردم پوشیده‌ام [تا نگویند جعفر بن محمد فقیر و محتاج است]. آن‌گاه دست سفیان را گرفته، کشید و لباس‌های رو را یک طرف کرد و لباس خشنی را که از زیر پوشیده بود، به او نشان داد و فرمود: این لباس را برای خودم پوشیده‌ام که درشت و خشن است و آنچه دیدی برای مردم بود. آن‌گاه دامن سفیان را بالا زد که در رو لباس درشت و خشن پوشیده بود؛ ولی در زیر آن لباس نرم داشت و فرمود: این لباس خشن و درشت را رو پوشیده‌ای تا به مردم بنمایانی که زاهد و پارسایی و این لباس نرم را برای آسایش خود پوشیده‌ای که خوش بگذرانی (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۴۷: ۳۶۰).

از مطالب پیش گفته در می‌یابیم که گذر زمان و رسیدن به ظهور امام دوازدهم علیه السلام و تجدید سنن در عصر آن حضرت به عنوان انسان کامل؛ موجب سیر قهقرایی به گذشته و بازگشت به نواقص و کاستی ناشی از نبودن ظرف مناسب زمانی نیست؛ بلکه به تناسب تشکیل حکومت امام عصر و رشد و غایتی که در ورای ظهور روی خواهد داد، در عصر ظهور

گونه کامل و مطلوبی از نوزایی و تجدد و رشد و شکوفایی به ارمغان آورده می‌شود و هرگز نمی‌توان پذیرفت پیشرفتی که در مدینه فاضله مهدوی شکل می‌گیرد، همان باشد که در زمان اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. شاهد این ادعا را می‌توان سخنی از امام صادق علیه‌السلام قرار داد که در آن آمده است:

مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ خَيْرَهُمَا فَهُوَ مَغْبُوطٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ يَرَ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ إِلَى النُّقْصَانِ وَمَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ؛ امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر کس که (کردار نیک) دو روزش برابر باشد مغبون گشته است، و کسی که پایان دو روزش بهترین لحظات آن دو روزش باشد، همه آرزوی او را کشند و بر او رشک برند، شخص که آخر دو روزش بدترین اوقات آن دو روز باشد، از نیکی و رحمت خدا دور شده است.

نیز آن کس که بهتر شدنی در خود نبیند، پس او رو به کاهش نهاده، و کسی که رو به کاهش باشد، مرگ برایش از زندگانی بهتر است (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۴۲).

تأکید امام صادق علیه‌السلام بر «مَنْ لَمْ يَرَ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ» نشان می‌دهد جامعه نمی‌تواند در عصر ظهور و آن دوران طلایی به گذشته خود بیندشید و آرزوی رسیدن به آن را داشته باشد و ناگزیر است در پی نمو و پیشرفت متناسب با انسان کامل و عصاره خلقت باشد. بنابراین، همان گونه که عصر ظهور عصر حضور انسان کامل است آرمان‌شهر مهدوی با اهتمام به موازنه با این زمان تحقق می‌یابد و جامعه به رشدی فزاینده و پیشرفتی فزون‌تر نسبت به کل گذشته خود خواهد داشت.

#### ۴. تعقل و تفکر

تصور توسعه و پیشرفت بدون تعقل و عقلانیت خیالی بیش نیست. عقل محبوب‌ترین مخلوق الهی است؛ چنان‌که در روایت امام باقر علیه‌السلام آمده است:

چون خدا عقل را آفرید، او را به سخن در آورد و سنجید، گفتش پیش آی، پیش آمد و گفتش پس رو، پس رفت، خدا فرمود: به عزت و جلال خودم سوگند، خلقی نیافریدم که نزد من از تو محبوب‌تر باشد. تو را به کسی دهم که دوستش

دارم. همانا روی امر و نهی من با تو است و کیفر و پاداشم به حساب تو است  
(کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۰).

خداوند متعال اوامر و نواهی خود را بر پایه عقل استوار کرده و عقل را میزانی برای تکلیف  
بندگان قرار داده است. عقاب و ثواب اعمال نیز بر اساس عقل است. در جایی که عقل موجب  
ثواب و عقاب است، قطعاً می‌تواند موجب پیشرفت و توسعه و یا پس‌رفت و عقب ماندگی باشد؛  
چراکه عقل با اطاعت از اوامر و گرایش به ثواب رابطه مستقیم دارد و کنار گذاشتن آن در  
گرایش به نواهی و استحقاق عقاب دارای نقش اساسی است.

هرجا عقلانیت و خردورزی باشد، لوازم آن نیز خواهد بود؛ همان گونه که در سخن امام  
علی علیه السلام آمده است:

خداوند متعال این پدیده محبوب [عقل] را با دین و حیا به خلیفه خود عنایت  
فرمود و از او خواست یکی از آن‌ها را اختیار کند که حضرت آدم عقل را برگزید و  
هنگامی که حضرت آدم عقل را اختیار کرد، دین و حیا نیز همراه آن ماندند  
(همان).

دقت در این حدیث نشان می‌دهد اگر جامعه به عقلانیت روی آورد، ملزومات عقل را  
به دست می‌آورد. قرآن کریم در آیات مختلف و متعددی بر تعقل در امور توصیه و تأکید  
می‌کند (بقره: ۴۴، ۷۳ و ۲۴۲؛ آل عمران: ۶۵ و ۱۱۸؛ انعام: ۳۲ و ۱۵۱؛ یوسف: ۲۷). تدبیر در  
این گونه آیات نشان می‌دهد نقش عقل در پیشرفت و توسعه اسلامی و آرمان شهر مهدوی  
بسیار مهم و حیاتی است؛ به گونه‌ای که قوام پیشرفت و توسعه و حتی ماهیت آن به عقل  
وابسته است. اهمیت عقلانیت و خردورزی تا آن جاست که خداوند متعال هدف از بعثت و  
ارسال پیامبران را پرورش آن قرار داده است و به کمک آن‌ها عقل به پویایی می‌رسد. هرچند  
آنچه جامعه از پیامبر و اهل بیت در جهت پرورش عقل دریافت کرده است، با پیشرفت مورد  
نظر در آرمان شهر مهدوی فاصله فراوانی دارد؛ همان گونه که در سخن امام صادق علیه السلام  
خطاب به ابوبصیر آمده است:

در تارک شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله یک دفتر کوچک بود، به امام صادق علیه السلام گفتم:  
در آن دفتر چه بود؟ فرمود: همان حرف‌ها که از هر حرفی هزار حرف گشوده

می‌شود، ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: تاکنون از آن حرف‌ها دو حرف بیرون داده نشده. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۹۶).

بر اساس این روایت جامعه نتوانست در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به پیشرفت در حد کامل و درجه‌های آن دست یابد. رشد فزاینده و متحول شدن علم در عصر ظهور محقق خواهد شد و جامعه در مدینه فاضله مهدوی در سایه دولت کریمه جامعه توسعه و پیشرفت علم و عقل را در بهترین و کامل‌ترین مرحله مشاهده می‌کند. در این زمینه امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا، فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ، وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛ علم بیست و هفت حرف است. آنچه پیغمبران آورده‌اند دو حرف است و مردم هم تا کنون بیش از آن دو حرف ندانسته‌اند. پس موقعی که قائم ما قیام می‌کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد و آن را در میان مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را هم به آن‌ها ضمیمه نموده تا آن‌که بیست و هفت حرف خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۳۶).

تعبیر "بث" از جمله تعابیری است که می‌توان آن را ناظر به مفهوم پیشرفت دانست؛ به ویژه که این اتفاق در عصر ظهور برای توده مردم روی خواهد داد. در روایت دیگری آمده است:

إِذَا قَامَ قَائِمًا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ؛ هنگامی که قائم ظهور می‌کند دست خود را روی سر مردم می‌گذارد و بدان وسیله عقول آنها جمع و افکارشان کامل می‌گردد. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۵).

ماهیت توسعه و پیشرفت در آرمان شهر مهدوی در رشد عقلانیت جلوه می‌کند و چپستی توسعه و پیشرفت را به بهترین شکل معنی می‌بخشد. به همین دلیل افزایش هر نوع تلاش و کوششی و یا پیدایش هرگونه وسعتی را نمی‌توان رسیدن به توسعه و پیشرفت دانست؛ بلکه عاملی که رشد آن، شاخصی برای توسعه و پیشرفت است و خود نقشی اساسی در رسیدن به این مفهوم اجرا می‌کند؛ عقل است که اگر نباشد، افزایش عمل کمکی به رشد جامعه نخواهد

داشت و توفیقی برای رسیدن به آرمان‌هایی که در مدینه فاضله مهدوی برای جامعه قابل وصول است؛ به هیچ وجه حاصل نمی‌گردد.

اهتمام به عقلانیت از آن جهت ضروری است که توسعه و پیشرفت به تدبیر و مدیریت و برنامه‌ریزی نیاز دارد و سامان‌دهی امور و جوامع توسعه یافته و پیشرفته را عقل برعهده می‌گیرد. عقل عاملی برای تفکر است و اندیشه توسعه و پیشرفت را پرورش می‌دهد؛ همان گونه که در روایتی آمده است: «لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ وَلَا عِبَادَةَ كَالْتَفَكْرِ» (همان ج ۲۰: ۸)؛ عقلانیت، شاخصی برای مؤاخذه بندگان خدا و یا اعطای پاداش به بندگان می‌شود. به نظر می‌رسد این روایت به امر آخرت اختصاص ندارد و در دنیا نیز خداوند متعال ظرفیت وجودی بندگان برای نعمت‌های الهی و یا سلب نعمت را با توجه به عقل جامعه محاسبه می‌کند؛ حتی توسعه و پیشرفت که حد اعلائی آن در زمان ظهور و در آرمان شهر مهدوی در دولت کریمه انسان کامل آشکار می‌شود، در سایه‌ی ارتقا و رشد فزاینده این موهبت الهی شکل می‌گیرد.

تفکر نیز مانند تعقل در توسعه و پیشرفت نقش انکار ناپذیری دارد و در قرآن کریم در آیات مختلف مورد توصیه و تأکید قرار گرفته است (بقره: ۲۱۹ و ۲۶۶؛ انعام: ۵۰). تفکر به تعبیر امام علی علیه السلام موجب حیات دل جامعه و بصیرت قلب است:

اندیشه است که دل بینا را چنان که روشنی چو در تاریکی‌ها به وسیله نور راه می‌رود بر شما باد که خوش برآئید و کم بیائید و کم انتظار برید (کلینی، ۱۳۶۳ ج ۱: ۲۸).

جامعه‌ای که اهل تفکر نباشد طبق کلامی دیگر از آن حضرت، حتی در عبادت آن جامعه خیر و صلاحی دیده نمی‌شود:

لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ؛ در عبادتی که تفکر نباشد خیری نیست (همان: ۳۶).

در حقیقت این تفکر است که جامعه را به دنبال توسعه و پیشرفت روانه می‌کند. و آن را از خیال‌پردازی دور نموده و کمک می‌کند انسان‌ها در باره هدف غایی و مقصود نهایی انگیزه



پیدا کنند و برای رسیدن به آن تلاش نمایند و راه رسیدن به آن را هموار کنند و برای الگو برداری از الگوی مناسب در سطح جامعه، موجبات تکثیر آن را فراهم آورند و موانع پیش‌روی هدف را از مقابل خود بردارند. به تعبیر بهتر، تفکر موجب تحلیل دقیق‌تر مسئله شده و زیر ساخت بصیرت را فراهم می‌آورد؛ زیرا توسعه و پیشرفت مفاهیم مشابهی در گذر زمان پیدا کرده است و بسیاری از افراد جامعه، مفهوم بدلی و غیر اصلی آن را به عنوان مفهوم اصلی آن پذیرفته‌اند.

رشد عقلانیت و بالندگی تفکر به کشف توسعه و پیشرفت حقیقی می‌انجامد. به نظر می‌آید، ژرف‌اندیشی آخر الزمان که خود حکایت از نوعی پیشرفت در فهم جامعه از آموزه‌های الهی دارد، از همین باب باشد؛ چنان که در پاسخ امام سجاد به عاصم حمید آمده است:

خدای عز و جل دانست که در آخر الزمان مردمی محقق و مو شکاف آیند از این رو سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و آیات سوره حدید را که آخرش وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ است، نازل فرمود. پس هر که برای خداشناسی غیر از این جوید هلاک است (همان: ۹۱).

به همین رو، توسعه و پیشرفت در آرمان شهر مهدوی در سایه امامت و ولایت با اهتمام به تکامل احلام و عقول، نهال تعقل و تفکر را بارور و تنومند نموده و توحید را تحقق می‌بخشد.

تجلی این پیشرفت از دو جهت قابل توجه است: اول آن که توسعه‌یافتگی آرمان‌شهر مهدوی که در سایه حکومت آن حضرت صورت می‌گیرد، حرکتی فردی و یا جزئی نیست که در پاره‌ای از موارد روی می‌دهد؛ بلکه این فرایند به صورت نهادینه‌شده از سوی دولت کریمه خواهد بود و نمود آن برای همگان است؛ به گونه‌ای که ابواب حکمت بر مردم گشوده می‌شود.

دوم، تبلور پیشرفت تا بدان جاست که عقلانیت پرورش‌یافته در سایه حکومت مهدوی به قشرهایی که در مجامع بشری، پایین‌دستی تلقی می‌شوند، قدرتی می‌بخشد که قادرند درون خانه خود بر اساس کتاب و سنت قضاوت و مسئله‌ای را که از شئون حکومت به شمار می‌آید، حل و فصل کنند.

در سخن امام باقر آمده است:

در دوران او شما از حکمت برخوردار می‌شوید تا آنجا که یک زن در خانه خود برابر کتاب خدا و روش پیامبر به انجام تکالیف شرعی خود می‌پردازد (نعمانی، ۱۳۷۹: ۲۳۹).

نکته قابل تأمل این که اصل قضاوت در اسلام تا قبل از ظهور برای زنان پذیرفته نیست؛ لکن در عصر ظهور رشدی صورت می‌گیرد که زنان نیز می‌توانند جایگاهی را درک کنند که قبل از پیشرفت در اختیار خواص جامعه و یا نخبگان است و این امر گویای رشد فکری و افزایش توان تعمق جامعه آرمان‌گرای مهدوی است.

#### ۵. تقویت ایمان و تزکیه قلوب

توسعه و پیشرفت اسلامی به فراخور تحقق این امر در آرمان شهر مهدوی نیازمند ظرفیت است.

بر اساس آیات قرآن کریم ایمان به خدا و همراهی با انبیا و رعایت تقوا موجب شکل‌گیری توسعه و پیشرفت جامعه خواهد شد (اعراف: ۹۶).

تدبر در قرآن کریم نشان می‌دهد که استهزای پیامبران الهی از سوی مردم، مانعی جدی برای همراهی با ایشان بوده و موجب عقب ماندن جامعه از توسعه و پیشرفت مطلوب شده است. عدم ظرفیت این افراد به قلوب مریض و یا مغفول آن‌ها باز می‌گردد.

آنچه می‌تواند پیوند مردم را با فرستادگان الهی برقرار سازد و زمینه توسعه و پیشرفت را فراهم آورد، تزکیه قلوب است؛ اگر جامعه در مقام تزکیه قلب خود برآید و آن را برای پذیرش اندیشه امامت و ولایت، به‌ویژه حکومت امام دوازدهم نرم و ملایم کند، در این صورت می‌توان امیدوار بود که توسعه و پیشرفت اسلامی با توجه به آرمان شهر مهدوی شکل خواهد گرفت؛ چنان که در کلام امام علی علیه السلام آمده است:

اگر قائم ما قیام نماید آسمان بارانش را بیارد و زمین گیاهش را برویاند و کینه از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهارپایان با یک دیگر در صلح و آشتی بوده، تا آنجا که زنی از عراق تا شام راه بیفتد و جز بر سبزه‌زاران گام نهد و زیور و

زینت خود را بر سر داشته شد، هیچ درنده‌ای او را به هیجان نیاورده و او از هیچ چیزی نترسد (صافی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۱۴۴).

در حکومت آن حضرت سازوکاری اتخاذ می‌شود که کینه از دل بندگان بیرون می‌رود و آنان تزکیه می‌شوند و آستانه تحمل و پذیرش الطاف امامت و عبودیت تا آن جا رشد می‌کند که محبت خدا جایی برای دشمنی و عدوات نمی‌گذارد. به دیگر سخن در آرمان شهر مهدوی، افقی برای جامعه شکل می‌گیرد که امام عصر، حاکمیت دل‌ها را در اختیار می‌گیرد و از این رو جامعه به آرمانی دست می‌یابد که حکومت مهدوی به او ارزانی می‌دارد.

#### نتیجه‌گیری

ماهیت توسعه و پیشرفت در اندیشه اسلامی با مفهوم آن در غرب متفاوت است. از این رو تحلیل چپستی و شاخص‌های توسعه‌یافتگی و پیشرفت با توجه به آرمان شهر مهدوی به بررسی عواملی نیازمند است که به فرایند توسعه و پیشرفت از نظر گاه مسئله مهدویت می‌انجامد. آنچه در این پژوهش صورت گرفت، نشان می‌دهد رشد فزاینده عقل، ازدیاد تفکر در جامعه، اهتمام به عدالت، تحول و دگرگونی زمان، توان همراهی جامعه با امامت را افزایش داده و به شرط تزکیه قلب، آن را ظرفی برای مظلوف بی‌انتهای امر امامت و ولایت قرار می‌دهد و غایتی را برای جامعه شکل می‌دهد که در نتیجه رسیدن به آن، بین جامعه آرمان‌گرا با امام عصر علیه السلام به عنوان انسان کامل و عصاره خلقت همگرایی ایجاد می‌شود. هدف توسعه آرمان شهر مهدوی مبتنی بر اظهار دین و حاکمیت یکپارچه حکومت توحیدی تحقق یافته و دیگر به خداند متعال شرک ورزیده نمی‌شود و برندگان خداوند متعال نیز ستمی روا نخواهد شد. این مدینه فاضله چهره غیر انتزاعی و حقیقی دارد و جامعه آرمان‌گرا می‌تواند با تلاش برای رسیدن به شاخص‌های آن، شاهد جلوه آن در عالم هستی باشد و سعادت دنیا و آخرتش را در آن تجربه کند.

## منابع

- قرآن کریم
۱. آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *امام مهدی موجود موعود*، قم، اسراء.
  ۲. اختر شهر، علی (۱۳۸۶). *اسلام و توسعه*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
  ۳. ادیبی، حسین (۱۳۵۳). *زمینه انسان شناسی*، تهران، پیام.
  ۴. توسلی، غلام عباس (۱۳۷۲). *نظریه های جامعه شناسی*، تهران، سمت.
  ۵. حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق). *مختصر البصائر*، قم، النشر الاسلامی.
  ۶. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.
  ۷. صافی، لطف الله (۱۴۲۸ق). *منتخب الاثر*، قم، ثامن الحجج.
  ۸. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶). *امالی*، تهران، کتابچی.
  ۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
  ۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *توحید*، قم، جامعه مدرسین.
  ۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). *معانی الاخبار*، جامعه مدرسین.
  ۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
  ۱۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
  ۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *مصباح المتعجد*، قم، مؤسسه بعثت.
  ۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). *الغیبه*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
  ۱۶. عبدیایی، نرجس (۱۳۸۹). *ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود.
  ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
  ۱۸. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۹۲). *مرکز پژوهش های علوم انسانی ملاصدرا*، تهران، نشر انقلاب اسلامی.
  ۱۹. مجلسی، علامه محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه اللواء.
  ۲۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۹)، *الغیبه*، قم، انوار المهدی.
  ۲۱. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵). *کتاب سلیم بن قیس هلالی*، قم، الهادی.



## شاخصه‌های سیاسی توسعه و پیشرفت از منظر اسلام با تکیه بر حکومت امام مهدی علیه السلام

مرتضی شیروودی\*

### چکیده

توسعه و پیشرفت در غرب مدرن، بدون کاربرد شاخصه‌های سیاسی، میسر نیست؛ اما لزوم کاربرد آن در مردم سالاری دینی و در نظام مهدوی، در سایه از ابهام قرار دارد؛ موضوعی که پژوهشگران بدان بی‌توجه مانده‌اند. از این رو، با این پرسش مواجه هستیم که شاخصه‌های سیاسی توسعه و پیشرفت از منظر اسلام و در حکومت امام مهدی علیه السلام چیست؟ به نظر می‌رسد این شاخصه‌ها در نظام لیبرال دموکراسی، مردم سالاری دینی و در نظام مهدوی در دو بعد کمی و کیفی تفاوت‌های اساسی دارند. غرض آن که ضرورت دستیابی به نظام مهدوی را در پرتو کالبدشکافی شاخصه‌های سیاسی توسعه و پیشرفت نشان دهیم. این مقاله رسیدن به چنین هدفی را با روش توصیفی - تحلیلی - مقایسه‌ای دنبال می‌کند. ضرورت تأسیس نظامی پسالیبرال دموکراسی برای دستیابی به نظام مهدوی از نتایج این نوشتار است. واژگان کلیدی: شاخصه سیاسی، توسعه، پیشرفت، اسلام و امام مهدی علیه السلام.

این مقاله به منظور یافتن پاسخ یا پاسخ‌هایی برای سؤال اصلی پیش گفته، نخست به ارائه تعاریف توسعه سیاسی می‌پردازد، از آن رو که راهی برای عرضه شاخصه‌های توسعه و پیشرفت بیابد. این شاخصه‌ها را در غرب مدرن جست‌وجو می‌کند تا زمینه مقایسه بین نظام مردم سالاری دینی در ایران و نظام مهدوی را فراهم آورد. سپس، شاخصه‌های استخراج شده با موارد مشابه در حکومت برآمده از انقلاب اسلامی در دو بعد کمی و کیفی با معیار آموزه‌های دینی مقایسه و نتایج آن در حکومت آخرالزمانی شیعه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و کار را با عرضه یک جدول مقایسه‌ای بین سه نظام به پایان می‌برد.

#### تعریف و شاخصه یابی سیاسی توسعه و پیشرفت

عبارت «شاخصه‌های سیاسی توسعه و پیشرفت» که در این مقاله با توسعه و پیشرفت سیاسی مترادف به کار رفته است، تعریف دقیق و شاخصه‌های همه‌پسند ندارد. دلیل آن را باید در مطالعات فراوانی جست که از زوایای مختلف در مورد رشد، نوسازی، دگرگونی، توسعه و پیشرفت در جهان، به ویژه در دنیای اسلام و جهان سوم صورت گرفته؛ از این رو، نام‌های زیادی چون لوسین پای، گابریل آلموند، جمیز کولمن، لئونارد بیندر، مایرون وینر، دیوید آپتر، هارولد لاسول، کارل دویچ، تالکوت پارسونز، ادوارد شیلر، جوزف لاپالمبارا، رابرت وارد، دانکورت روستو، والت ویتمن روستو، سیدنی وریا و اندیشمندیانی از حوزه شرق مانند ادوارد سعید در این باره مطرح می‌شود. تعدد اندیشمندان توسعه سیاسی، نوعی آشفتگی زبانی و مفهومی در تعریف توسعه و پیشرفت سیاسی پدید آورده؛ اما با دقت در این تعاریف، می‌توان به مؤلفه‌های مشترکی از میان آن‌ها دست یافت. اندیشمندان غربی به عنوان پیشقراولان مخترع و مروج مفهوم و محتوای توسعه و پیشرفت سیاسی، تعاریف متعددی در این باره به میان آورده اند که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

**الف.** رونالد چیلکوت، نظریه‌های توسعه سیاسی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

اول: آن دسته نظریاتی که توسعه سیاسی را با دموکراسی مترادف می‌دانند. از جمله این

نظریه‌پردازان، کارل فردیک، جیمز برایس، لوسین پای، سیمور مارتین لیپست و آرتور اسمیت است. این گروه در بحث توسعه سیاسی بر پارلمانتاریسم، انتخابات، کثرت‌گرایی، نظام رقابتی، اقتدار قانونی نظام یافته، آزادی مطبوعات و مشروعیت سیاسی تاکید دارند. (ایرند، ۱۳۶۹: ۳۴).  
دوم: آن دسته از نظریه‌پردازانی که بر تغییر و توسعه سیاسی تمرکز تحقیقاتی داشته‌اند. از جمله این نظریه‌پردازان کارل فردیک، لوئیس کوزروو رابرت نیست است. این دسته از نظریه‌پردازان توسعه‌سیاسی، بر تغییر و تحول، کشمکش اجتماعی، فراز و نشیب‌های تغییر تاکید دارند. به عنوان مثال آقای سریع‌القلم دیدگاه خود را با توجه به تقسیم‌بندی مذکور در این دسته قرار می‌دهد و برای توسعه سیاسی دوازده اصل ثابت برمی‌شمارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱ - فراگیری مثبت باید تشویق شود؛ ۲ - تفکر از زمینه‌های استقرایی قومی برخوردار باشد؛ ۳ - تفکر، مطاع عمومی و تخصص، متاع خاص باشد؛ ۴ - آموزش مهم‌ترین رکن برنامه‌ریزی جامعه باشد؛ ۵ - عموم مردم، منطق و شیوه‌های کارجمعی را بیاموزند؛ (سریع‌القلم، ۱۳۷۱: ۲۶)، ۶ - هویت عمومی جامعه فوق‌العاده قوی و مستحکم باشد (همان).

سوم: آن دسته از نظریه‌پردازانی که به تجزیه و تحلیل بحران‌ها و مراحل تسلسلی توسعه سیاسی پراخته‌اند. از جمله این نظریه‌پردازان لئونارد بایندر، جیمز کلن، جوزف لاپالا مبارا و سیدنی وربا هستند. این گروه بر کارکردهای اجتماعی در مسیر توسعه سیاسی، مانند پدیده ظرفیت اجتماعی - سیاسی، عدالت و تقسیم امکانات و منابع و نهایتاً سیاسی - اجتماعی، برخورد هیات حاکم بر بحران مشروعیت تاکید دارند. به عنوان مثال، لئونارد بایندر نظریه خود را از توسعه سیاسی حول پنج محور پیشنهاد می‌کند: ۱ - تغییر هویت از هویت مذهبی به هویت نژادی و از هویت محلی به هویت اجتماعی؛ ۲ - تغییر مشروعیت از مشروعیت ماوراءالطبیعی به منابع ذاتی؛ ۳ - تغییر در مشارکت سیاسی از مشارکت نخبه به مشارکت توده و از شرکت در خانواده به مشارکت در گروه؛ ۴ - تغییر در تقسیم مشاغل از تقسیم بر اساس موقعیت و امتیاز به تقسیم براساس موفقیت و لیاقت؛ ۵ - تغییر در درجه نفوذ اداری و قانونی درون ساختار اجتماعی و مناطق دور افتاده کشور (همان).



ب. لوسین پای یازده تعریف از توسعه سیاسی ارائه می‌کند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. توسعه سیاسی پیش نیاز توسعه اقتصادی؛ ۲. توسعه سیاسی، به مفهوم کارایی اداری و ظرفیت دولت برای اجرای سیاست‌های عمده (دولت‌سازی)؛ ۳. توسعه سیاسی، به مفهوم تبعیت جامعه از الگوی رفتاری مدرن و جانشین شدن صلاحیت‌های اکتسابی به جای ملاحظات انتسابی و جانشین شدن کارکردهای ویژه به جای کارکردهای پراکنده (نوسازی سیاسی)؛ ۴. توسعه سیاسی، به مفهوم توسعه کارایی سیستم و ظرفیت ساختار اداری دولت و حکومت و ظرفیت و توان تحمل سیستم در برابر چالش‌ها؛ ۵. توسعه سیاسی، به معنی خلق یک دولت - ملت پایدار و توانا در جهان نو (دولت - ملت‌سازی) ۶. توسعه سیاسی به معنی توسعه دموکراسی، افزایش آزادی، حاکمیت مردم و نهادهای آزاد (دموکراسی سازی) (همان).
- ج. گابریل آلموند و جیمز کلمن نوسازی سیاسی را فرایندی می‌دانند که به موجب آن، نظام‌های سیاسی سنتی غیر غربی ویژگی‌های جوامع توسعه یافته را کسب می‌کنند. از نظر این دو نویسنده ویژگی‌های مزبور عبارتند از: جاذبه شهرگرایی، بالابودن سطح سواد و درآمد، وسعت جغرافیایی و اجتماعی، میزان نسبتاً بالای اقتصاد صنعتی، توسعه شبکه‌های ارتباط جمعی و مشارکت همه جانبه اعضای جامعه در فعالیت‌های سیاسی و غیر سیاسی (قوام، ۱۳۷۴: ۲۲).

د. بایندر با موشکافی توسعه سیاسی کشورهای در حال رشد، نظر خود را مطرح و آثار زیر را برای توسعه سیاسی مشخص کرد: الف - تغییر هویت از هویت دینی به هویت قومی و از هویت محلی به هویت اجتماعی؛ ب - تغییر مشروعیت از منبعی متعالی به منبعی غیرمتعالی؛ ج - تغییر در مشارکت سیاسی از نخبه به توده و از خانواده به گروه؛ د - تغییر توزیع قدرت مقامات حکومتی از پایه موقعیت خانوادگی و امتیاز به دستاوردها و لیاقت‌ها؛ ه - تغییر در میزان نفوذ اداری و حقوقی به ساختار اجتماعی و به مناطق دور افتاده (عالم، ۱۳۷۳: ۱۲۶).

از مجموع تعاریفی که در دو حوزه جغرافیایی غرب و شرق در باره توسعه سیاسی مطرح شده است، می‌توان به شکل زیر جمع‌بندی کرد:

دولت‌مداری یا یکپارچگی سرزمینی، شکل‌گیری ملت یا یکپارچگی کلان، افزایش حق

انتخاب و انتخابات آزاد با رأی دهندگان زیاد، سیاسی شدن یا مشارکت بیشتر، مشارکت مردم در هیأت‌های تصمیم‌گیری، تراکم منافع فزاینده توسط احزاب سیاسی، آزادی مطبوعات و رشد رسانه‌های گروهی، تمرکز دایمی سیاسی و اداری، خودگردانی واحدهای محلی، نقش سازمان‌های قدرتمند برای سرپرستی شکایت‌های مردم، بردباری ناراضیان و کنترل جنبش‌های مخالف، گسترش پایگاه‌های اجتماعی و اطلاعاتی عامه مردم، علنی بودن کار حکومت و مسئولیت حاکمان در برابر مردم، استقلال قوا از هم و حاکمیت قانون، بی‌طرفی یا استقلال کارمندان، اجرای سیاست‌های اجتماعی با استفاده از روش‌های قانون اساسی.

شاخصه‌های مذکور در نظام‌ها سکولار غرب پدید آمده است؛ اما در نظام‌های دینی پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام میل به دور شدن از آن‌ها و نزدیک شدن به شاخصه‌های مهدوی اتفاق می‌افتد. از این رو، نظام‌های دینی پیش از مهدوی را می‌توان «دوره گذار» نامید که در آن شاخصه‌های مورد اشاره، در صورت با شاخصه‌ها در نظام‌های سکولار مشابه است؛ اما در سیرت با آن متفاوت است.

### توسعه و پیشرفت در نظام مردم‌سالاری دینی

کاربست شاخصه‌های توسعه و پیشرفت سیاسی نظام معنایی غرب در نظام پیش مهدوی (مردم‌سالاری دینی) از یک سو، ناکارآمدی این شاخصه‌ها را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، ظرفیت شاخصه‌های نظام پیش مهدوی در دو بخش مادی و به ویژه را به تصویر می‌کشد:

- **مشارکت مردمی:** مشارکت مردم در هیأت‌های تصمیم‌گیری، از شاخصه‌های توسعه و پیشرفت در دستگاه فکری غرب و نیز، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، در نظام مردم‌سالاری دینی، امری اساسی است؛ زیرا خداوند، حاکم بر هستی، انسان را بر سرنوشت خویش حاکم کرده است. از این رو، امور کشور در چنین نظامی تنها به اتکای آرای عمومی مردم مسلمان اداره می‌شود. اداره عمومی در فرایند انتخابات و با انتخاب مستقیم و غیرمستقیم رهبری، رئیس‌جمهوری، نمایندگان

مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای اسلامی و... تحقق می‌یابد. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا آن را در خدمت منافع فرد یا گروهی قرار دهد (قانون اساسی، ج ۱، ۱، اصول ۶، ۷ و ۳۵).

- **آزادی سیاسی:** آزادی مطبوعات متأثر از رشد رسانه‌های گروهی، در دو نظام معنایی غرب و اسلام؛ با دو ماهیت متفاوت به چشم می‌خورد. در واقع، ادیان الهی به ویژه اسلام برای رهایی و آزادسازی انسان و بشر از قید و بندهای استبداد و استعمار در دو بعد داخلی و خارجی پا به عرصه گذاشته‌اند. بنابراین، طبیعی است حکومت مردم سالار دینی به تأمین آزادی‌های ساسی و اجتماعی مردم بسیار اهمیت دهد و با نشر آزاد مطالب در مطبوعات و تبلیغات (در صورت عدم مبینیت و عدم تنافی با مبانی اسلام و حقوق عمومی) مخالفتی نداشته باشد و حتی گروه‌های سیاسی، انجمن‌های صنفی و اقلیت‌های مذهبی مشروط به رعایت استقلال، آزادی و وحدت ملی، در بیان عقاید خود آزاد بگذارد و در عرصه اقتصادی نیز به هر کس، آزادی انتخاب شغل دهد و با اجبار افراد به پذیرفتن کاری مشخص مخالفت ورزد (همان: اصول ۳، ۸، ۱۴ و ۳۰).

- **عدالت اجتماعی:** اجرای سیاست‌های اجتماعی با استفاده از روش‌های قانون اساسی در غرب دنبال می‌شود یا لاقلاً ادعا می‌شود مورد توجه است؛ در حالی که نظام مردم سالار دینی، نظامی است که بر پایه اعتقاد بر عدل خدا در خلقت و تشریح قرار دارد و از این روست که برای اجرای قسط و عدل در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پای می‌فشارد و در پی رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی برمی‌آید و اقتصادی عادلانه جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در عرصه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، بیمه و... را جست‌وجو می‌کند و نیز می‌کوشد امنیت قضایی عادلانه را برای همگان در اقصا سرزمین اسلامی فراهم آورد (همان: اصول ۲ و ۳).

- **کرامت انسانی:** غربی‌ها بر آنند که یک نظامی معرفتی برای پاسداشت حقوق بشر فراهم آورده اند که در آن، انسان کریم است؛ اما در دین اسلام در لباس حکومت، در صد

دستیابی و نهادینه سازی کرامت و ارزش والای انسانی از طریق ارائه نظامی کارآمد است. برای کارآمد سازی نظام، اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط، عنصری مهم و حیاتی است. به هر روی، انسان در حکومت مردم سالار دینی از چنان کرامتی برخوردار است که جان، مال، حقوق، مسکن، شغل او از هر گونه تعرضی (مگر مواردی که قانون تجویز می‌کند) مصون است و هم چنین حتی با هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، زندانی و یا تبعید شده است، به مخالفت می‌پردازد (همان: اصول ۲، ۲۲ و ۳۹).

- **ظلم ستیزی:** بازتاب‌های تمرکز دایی سیاسی و اداری و خودگردانی واحدهای محلی در غرب به ممانعت ظلم از شهروندان می‌انجامد؛ اما در سطحی محدود و اندک در حالی که در حکومت و نظام سیاسی مردم سالار دینی، هرگونه ستمگری، سلطه‌گری، ستم‌کشی و سلطه‌پذیری را در دو عرصه داخلی و بیرونی نفی می‌کند. در درون، اشکال مختلف استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی را مردود می‌داند و در عرصه خارجی، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب را پی می‌گیرد و استخدام کارشناسان خارجی را (به آن جهت که بیم نفوذ، سلطه و ظلم آن‌ها بر کشور اسلامی و مردم مسلمان می‌رود) نمی‌پذیرد و حتی می‌کوشد از سلطه اقتصادی بیگانه بر امور مالی و تولیدی کشور جلوگیری کند و در ابعاد سیاست خارجی هرگونه قراردادی را که موجب سلطه بیگانه ستمگر بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد؛ منع می‌کند (همان: اصول ۲، ۳، ۴۳ و ۱۵۳).

- **ارتقای آگاهی:** حکومت برآمده از دین به بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده درست از مطبوعات و رسانه‌های گروهی اهتمام دارد و آموزش و پرورش و تربیت بدنی را در همه سطوح تعمیم می‌بخشد و دستیابی به آن را بر همگان آسان می‌کند. همچنین در جهت تقویت روح پژوهش، تتبع و ابتکار در تمام بسترهای علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان گام بر می‌دارد؛ زیرا بدون ارتقای آگاهی همگانی رسیدن به توسعه همه جانبه میسر نیست. به همین دلیل، دولت در یک نظام مردم سالار دینی موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را بر همه مردم تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی گسترش دهد؛ (همان:

اصول ۳، ۳۰ و ۴۳)؛ اما در غرب، گسترش پایگاه‌های اجتماعی و اطلاعاتی عامه مردم دو هدف ظاهری و واقعی را دنبال می‌کند. در ظاهر، هدف جلب رضایت مردم است و در باطن، منافع سرمایه داری را نشانه رفته است.

- **قانون مداری:** اصولاً در نظام اسلامی که از آن به «مردم سالاری» تعبیر می‌شود، قانون مظهر حق و عدل است و مأموریت آن اسقرار عدالت اجتماعی و تعمیم آزادی حقوق آحاد ملت است. از این جهت رعایت قانون در همه شئون به نفع همگان خواهد بود؛ همان گونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

در نظام اسلامی باید همه افراد جامعه در برابر قانون و استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی یکسان و در بهره مندی از مواهب حیات متعادل باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ کس نتواند برخلاف قانون میل و اراده خود را به دیگران تحمیل کند. (زارع‌پور، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۲۱).

علنی بودن کار حکومت و مسئولیت حاکمان در برابر مردم امر پسندیده‌ای است که در قوانین مغرب زمینی‌ها دیده می‌شود؛ اما در عمل نمی‌توان نظام تبعیض نژادی سیاهان از سفیدان را به عنوان یک مثال کوچک، اما با اهمیت نادیده گرفت.

- **اعتدال مالی:** در مردم سالاری دینی، اقتصاد تنها در سایه «اعتدال» تعریف می‌شود و خارج از مقوله اعتدال، هویت و موجودیتی نخواهد داشت. اعتدال چون نقطه موزون و پایدار در ساختار نظام دینی است و هر انسان سلیم النفس و بی‌غرضی را جذب می‌کند. البته اعتدال در سایه عدالت تحقق می‌یابد و اگر عدالت نباشد، اعتدال معنا پیدا نمی‌کند. از این رو، در نظام اقتصادی یک حکومت مردم سالار دینی، اقتصاد بر سه بخش تعاونی، خصوصی و دولتی قرار دارد و دولت موظف خواهد بود ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت و... را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن آن را به بیت المال بسپارد (قانون اساسی؛ اصول ۴۴ و ۴۹). اقتصاد بازار آزاد بیش از آن که بر دایره اعتدال بچرخد، کاپیتالیسم را تقویت و ترویج می‌کند. همین وضعیت در نظام کمونیستی نیز قلب‌ها را از تنفر لبریز می‌کند.

- توسعه اجتماعی: تمامی نظام‌های سیاسی بر پایه مبانی تئوریک نظری و اعتقادی خود الگو و مدل اجرایی توسعه اجتماعی خود را به صورت تک بعدی و تک ساختی پایه ریزی کرده، یا صرفاً به رفاه مادی و افزایش بازدهی خدمات دهی رفاهی لجستیکی پرداخته، از ابعاد و زوایای ارتقای معنویت و آرامش و امنیت روانی بازمانده اند یا به آزادی فردی پرداخته، از عدالت اجتماعی بهره نبرده‌اند؛ اما اسلام که بر معارف حقه مبتنی است مبنای توسعه اجتماعی را بر مدل و الگوی توسعه متوازن و همه جانبه و به صورت ترکیبی از تأمین نیازهای نادى و معنوی، آزادی توأم با عدالت اجتماعی و برابری و عدالت توأم با مردم سالاری دینی قرار داده است جای تعجب است که در نظام‌هایی که ادعای توسعه اجتماعی می‌کنند، تراست‌ها و کارتل‌ها و شرکت‌های چند ملیتی پدید می‌آیند.

- تقوای رهبری: رهبری در نظام مردم سالار دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، در صورتی که از عدالت و تقوا برای رهبری امت اسلام بهره‌مند باشد و نیز دارای بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی و نیز بهره‌مند از صلاحیت علمی لازم برای فتوا در ابواب مختلف فقه بهره‌مند باشد، مستقیم و یا غیرمستقیم از سوی خبرگان یا نخبگانی که مردم بر می‌گزینند انتخاب می‌شود. مقام معظم رهبری در این زمینه فرمودند:

حاکم دارای دو رکن و دو پایه است: رکن اول، آمیخته بودن و آراسته بودن با ملاک‌ها و صفاتی که اسلام برای حاکم معین کرده است، مانند دانش و تقوا و توانایی و تعهد... رکن دوم، قبول مردم و پذیرش مردم است... رهبر بر طبق قانون اساسی... مجتهد عادل، مدیر، مدبر، صاحب نظر و... است. (مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، بی‌تا، ج ۷: ۳).

خلاصه این که در مردم سالاری غیر دینی اشکالات عمیقی به چشم می‌آید؛ اما مردم سالاری دینی در تلاش برای رفع و کاهش آن به منظور زمینه سازی نظام مهدوی است. برخی از این اشکالات که در توسعه و پیشرفت معنا می‌یابند، عبارتند از:

رفع نشدن ایرادهای وارد بر رژیم نمایندگی؛ عدم مرزبندی دقیق بین حقوق ملت و دولت؛ ضعیف، محدود، بی‌محتوا و صوری شدن مشارکت سیاسی؛ حاکمیت یافتن مردم سالاری نخبه‌گرا به مثابه مانعی بر سر مشارکت واقعی مردم؛ تبدیل احزاب به بنگاه‌های تجاری و

ماشین‌های جمع‌آوری رأی در موسم انتخابات؛ خطر فریب افکار عمومی و نفوذپذیری در آن به واسطه عوامل مخل داخلی و خارجی؛ تضعیف بنیادها و مبانی دینی حکومت و رواج مذهب زدایی، اباحه‌گری و سکولاریسم.

از مباحث پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت:

الف. مردم‌سالاری دینی از یک سو از برخی شاخصه‌های توسعه و پیشرفت غربی برخوردار است و از سوی دیگر، از ماهیت مبتنی بر آموزه‌های دینی بهره دارد. از این رو، نام آن را «مردم‌سالاری دینی» گذارده‌اند. این نظام بین دموکراسی و حکومت مستضعفان (حکومت مهدوی) قرار دارد و البته به حکومت موعود اسلامی بیش‌تر متمایل است.

ب. حکومت مستضعفان یا همان حکومت موعود اسلامی امام‌زمانی، هم شاخصه‌هایی را که برای نظام مردم‌سالار دینی برشمردیم در حد کمال دارد و هم از ایرادهایی که ممکن است بر نظام مردم‌سالار دینی وارد شود، مبرا است.

### شاخصه‌های سیاسی توسعه و پیشرفت در نظام مهدوی

برخی از مهم‌ترین مشخصات این حکومت عبارتند از:

۱- فطرت‌جویی: توحید نخستین شرط تشریف انسان به اسلام و لازمه ورود به جامعه جهانی اسلام است. از این رو، قرآن با تعبیری چون **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (صافات: ۳۴)**، **لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (بقره: ۱۶۳)**، **لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا (نحل: ۲)** اهتمام ویژه خود را بر این اصل ابراز کرده است. یکتاپرستی، وجه اشتراک همه انسان‌هایی است که در حکومت مستضعفان مشارکت می‌ورزند و آن، فراگیرترین عامل هم‌گرایی اجتماعی انسان‌ها در این حکومت و در طول تاریخ به شمار می‌رود. به همین دلیل، خداوند می‌فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند (روم: ۳۰).

۲- **سرانجام‌گرایی:** عاقبت‌جویی یعنی فرجام‌خواهی و آخرت‌گرایی است که در اندیشه دینی و اسلامی به عنوان اعتقاد به معاد یاد می‌شود. تأکید اسلام بر معاد، به منظور تأسیس یک نظام جهانی است که تا در کنار اعتقاد به مبدأ، بر سرنوشت‌ساز بودن نقش این باور (اعتقاد به معاد) در جهت‌گیری زندگی فردی، جمعی و جهانی هویدا گردد؛ زیرا چنین اعتقادی، رفتار اجتماعی را متأثر می‌سازد و آن را تحت کنترل در می‌آورد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؛ آیا چنین پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما باز نمی‌گردید؟! (مؤمنون: ۱۱۵).

۳- **عزت انسانی:** خداوند انسان را گرامی داشته است:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم (اسرا: ۷۱).

از نظر دین، انسان موجودی هم مادی و هم رحمانی است. از این رو، برنامه حکومت جهانی مستضعفان با برنامه جهانی شدن غربی که در پی سلطه بر انسان است؛ از بنیان متفاوت است؛ زیرا، اسلام در پی ارج نهادن به انسان‌هاست، و تنها، به استقلال آگاهانه و آزادانه او از پیام دین می‌اندیشد، و هرگز در صدد تحمیل عقیده بر او نیست. با توجه به این سه اصل، برنامه‌های حکومت مستضعفان اسلامی عبارتند از:

- طبقه‌بندی انسان‌ها بر مدار عقیده و ایمان، نه نژاد و خون و...؛

- نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری بر اساس قاعده نفی‌سیبیل؛

- طرح و اجرای اصول و حقوق مشترک برای همه انسان‌ها، اعم از کافر و مسلمان؛ در حالی در هیچ‌یک از تئوری‌های مطرح شده غرب برای ایجاد نظم نوین جهانی، هیچ‌کدام از اصول مذکور به چشم نمی‌خورد.

۴- **حاکمیت الله:** حاکمیت بر جهان هستی، تنها از آن خداست. در واقع، اراده الهی بر سراسر گیتی حاکم، و ادامه هستی به مدد و فیض او وابسته است. به بیان دیگر، جهان و تمامی ارکان و عناصرش در دست قدرت لایزال الهی قرار دارد، و هم اوست که انسان را بر سرنوشت خویش حاکم کرده، و اداره جامعه بشری را به وی سپرده است؛ یعنی این که



خداوند سبحان، حاکمیت خویش را در تدبیر جامعه به انسان واگذاشته که آن نیز، تجلی اراده خداست. در حقیقت، حاکمیت خدا بر روی زمین به دست رهبر برگزیده الهی صورت می‌گیرد که خود او نیز، از سوی امت به جایگاه و منصب رهبری دست یافته است. در چنین نظامی، عقلانیت، معنویت و عدالت، جامعه را به جهانی در مسیر کمال تبدیل می‌کند.

۵- خلیفة الله: مهم‌ترین ویژگی امامت و رهبری در ساختار نظام جهانی اسلام، برگزیدگی

انسان است. مولای متقیان، علی بن ابی‌طالب علیه السلام در این باره فرمود:

وَ خَلَّفَ فِيكُمْ مَا خَلَفَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَّمِهَا، إِذْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا، بَغَيْرِ طَرِيقٍ وَاضِحٍ، وَ لَا عِلْمٍ قَائِمٍ؛ أَوْ نِيزَ چُونِ پیامبران امت‌های دیرین برای شما میراثی گذاشت؛ زیرا ایشان امت خود را وانگذازدند، مگر به رهنمون راهی روشن و نشانه‌ای معین. (نهج‌البلاغه، بی‌تا: خطبه ۳۰)<sup>۱</sup>

به علاوه، امامت و رهبری از ویژگی‌های دیگری برخوردار است: از جمله مرکز وحدت و یکپارچگی اجتماعی، زعامت معنوی و سیاسی مردم، اساس و پایه فعالیت بشر، هسته مرکزی نظم اجتماعی، مشروعیت بیعت مردمی، اسوه فردی و جمعی. همچنین، رهبری و امامت در نظام جهانی اسلام، محور و قطب ایدئولوژیک به شمار می‌رود؛

همان‌گونه که امام علی علیه السلام فرمود:

أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى، يَتَحَدَّرُ عَنِّي السَّيْلُ، وَ لَا يَرْفِي إِلَيَّ الطَّيْرُ؛ آگاه باشید، به خدا سوگند که فرزندان ابی‌قحافه خلافت را چون جامه‌ای بر تن کرد و قطعاً می‌دانست که جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی آنان، چونان محور است در آسیاب (نهج‌البلاغه، بی‌تا: خطبه ۳).

۶- ملت واحد: انسان‌ها در نظام جهانی اسلام یا همان حکومت جهانی مستضعفان

اسلامی، در دوران بلوغ و شکوفایی عقلی و معنوی قرار دارند، به مرحله والای تعالی رسید و بالفعل از ارزش‌های واقعی انسانی برخوردارند. جامعه جهانی اسلامی، جامعه‌ای همگون و

۱. این عبارت نهج‌البلاغه و عبارت‌های دیگر از ترجمه محمد مهدی فولادوند انتخاب شده است.

متکامل است و در آن، استعدادها و ارزش‌های انسانی شکوفا می‌گردد. نیازهای اساسی فطری برآورده می‌شود و انسان‌ها از همه ابزارها برای تحقق صلح و عدالت بهره می‌گیرند. به این دلایل است که خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ؛ و این امت شما، امت واحدی است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید! (مؤمنون:

۵۲)

۷- **قانون واحد:** حدیث ثقلین، گویای آن است که راز دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی، پیروی از قانون خوب (کتاب الله) و مجری خوب (اهل البیت) است. اگرچه، نقصان قانون برای جامعه بشری زیبا نیست، فقدان مجریان صالح، همواره ناگوارتر است. در تهیه قانونی که در جامعه جهانی اسلام حاکمیت می‌یابد، عقل که به ترسیم حدود و تعیین همه‌جانبه مسائل انسان قادر نیست؛ دخالتی ندارد. این قانون، قانون شرع است که از سوی خداوندی که به همه نیازهای انسانی آگاهی دارد؛ نازل شده است. از این رو، همه‌جانبه و کاملاً با فطرت انسان‌ها سازگار است. در دوره تحقق حکومت جهانی اسلام، قانون (کامل اسلام یا در حقیقت، سیستم حقوقی اسلام به اجرا در می‌آید که همه در برابر آن یکسان‌اند، و برای هر شخص به اندازه توان و استعداد، حقوق و وظایفی تعیین شده است.

ویژگی‌های نظام جهانی اسلام (حکومت جهانی مستضعفان اسلامی) یا مختصات جهانی‌شدن اسلامی، با هیچ شاخصه پیشنهادی و اجرا شده بشری دیگر قابل مقایسه نیست. در این نظام، جهانی بر پایه معنویت، عقلانیت، انسانیت، عدالت، امنیت و... شکل می‌گیرد؛ از این رو، جامعه‌ای است کامل و متعالی. اینک برخی از این ویژگی‌ها را مرور می‌کنیم:

**الف - عدل و عدالت:** عدالت در نظام جهانی اسلام، فراگیر، گسترده و عمیق است؛ به این دلیل جهانی‌شدن اسلامی، به تاریخ سراسر ظلم و جور جهان پایان می‌دهد؛ به ریشه‌کنی ستم‌ها و تبعیض‌ها از جامعه بشری می‌پردازد و یک نظام اجتماعی بر پایه مساوات و برابر مستقر می‌کند. احادیث زیادی به این موضوع (عدالت در جامعه جهانی اسلام) پرداخته‌اند؛ مانند ابوسعید خدری - از محدثین اهل سنت - از پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند:

أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سُكَّانُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ يَقْسِمُ الْأَمْالَ صِحَاحًا. فَقَالَ رَجُلٌ مَا مَعْنَى صِحَاحًا؟ قَالَ: بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَيَمَلَأُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غِنَىً وَيَسَعَهُمْ عَدْلُهُ...؛ شما را به ظهور مهدی علیه السلام بشارت می‌دهم که زمین را پر از عدالت می‌کند؛ همان گونه که از جور و ستم پر شده است، ساکنان آسمان‌ها و زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را طور صحیح تقسیم می‌کند. کسی پرسید: معنای تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به طور مساوی در میان مردم. [سپس فرمود] و دل‌های پیروان محمد را از بی‌نیازی پر می‌کند و عدالتش همه را فرا می‌گیرد (الشباخی، ۱۴۰۵: ۲۰۰).

علی عقبه از پدرش چنین نقل می‌کند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، حَكَمَ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ الْجَوْرُ فِي أَيَّامِهِ، وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ، وَآخَرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَرُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ... وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمِصْرَتِهِ وَلَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ؛ هنگامی که قائم قیام می‌کند، بر اساس عدالت حکم می‌کند، و ظلم و جور در دوران او برچیده می‌شود، و راه‌ها در پرتو وجودش امن و امان می‌گردد، و زمین برکاتش را خارج می‌سازد، و هر حقی به صاحبش می‌رسد... و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز و غنی خواهند شد (گلبایگانی، ۱۳۷۲: ۱۷۰).

در روایتی دیگر آمده است:

يَمَلَأُ اللَّهُ بِالْأَرْضِ عَدْلًا وَ قِسْطًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ خداوند به وسیله او [حضرت مهدی] زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ پس از آن که از جور و ستم پر شده باشد (طبرسی، بی‌تا: ۹۸).

ب - عشق و معنویت: معنویت در حکومت جهانی آخرالزمان علیه السلام در حد اعلا است. در

روایتی آمده است:

رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَأَنَّهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيَّ النَّحْلِ يَبْتَغُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ؛ مردانی که شب‌های نمی‌خوابند؛ در نمازشان چنان اهتمامی و تضرعی دارند که انگار زنبوران عسل در کندو وزوز می‌کنند؛ شب را با نگرهبانی دادن پیرامون خود به صبح می‌رسانند (مجلسی، ۱۳۰۴، ج ۵۲: ۳۰۷).

ج- صلح و امنیت: در حکومت ایده‌آل، امنیت، شرط توسعه و لازمه پرداختن به معنویت است. در حدیث می‌خوانیم:

حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَيْتَنُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَيْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ؛ راه‌ها امن می‌شود؛ چندان که زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد. جواهراتش را بر سرش بگذارد؛ هیچ درنده‌ای او را به هیجان و ترس نیفکند و او نیز از هیچ درنده‌ای نترسد (گلیایگانی، ۱۳۷۲، ج ۵۲: ۴۴).

د- رضا و رضایت: حکومت جهانی اسلام، یرضی بخلافته السماوات و الارض است؛ یعنی آسمان و زمین، توأماً رضایت و خشنودی خود اظهار می‌کنند؛ و حکومتی است که یحبه اهل السماوات و الارض: سماواتیان از آن خوش‌شان می‌آید و آن را دوست دارند؛ حکومتی که نتیجه و برکات آن برای همه، حتی مردگان، فرج و گشایش است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۸۷).

ه- نعمت و اطاعت: خدا به واسطه صالحانی که حکومت جهانی را در دست دارند، برکت را بر آنان ارزانی می‌کند. در حدیث می‌خوانیم:

يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ تَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبِرْكَةَ يَحْفُونَ بِهِ؛ به زین اسب امام دست می‌سایند تا برکت یابند (مجلسی، ۱۳۰۴، ج ۵۲: ۳۰۷).

اطاعت از امام زمان علیه السلام در حکومت جهانی‌اش، خالص و کامل است. در حدیث آمده است:

وَ يَقْوَنَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْخُرُوبِ وَ يَكُونُهُ مَا يُرِيدُ مِنْهُمْ؛ با جان‌شان امام را در جنگ‌ها یاری می‌کنند و هر دستوری بدیشان بدهد، انجامش می‌دهند (همان).

و - توسعه و پیشرفت: اطلاعات و صنعت در دوره حکومت جهانی امام عصر علیه السلام به آخرین درجه تکامل خود می‌رسد. به بیان دیگر، در این دوره، هم توسعه علمی، هم توسعه اقتصادی همه جانبه اتفاق می‌افتد. از این رو، تمام علوم برای دستیابی به حداکثر پیشرفت و تولیدات به کار می‌افتد. احادیثی بر این موضوع اشاره دارند؛ از جمله امام صادق علیه السلام فرمود:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمْعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى

الْيَوْمَ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّا فِي النَّاسِ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّا سَبْعَةَ وَعِشْرُونَ حَرْفًا؛ علم و دانش بیست و هفت حرف [بیست و هفت شعبه و شاخه] است. تمام آن چه پیامبران الاهی برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند؛ اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف [شعبه و شاخه علم] دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌سازد، و این دو حرف موجود را هم به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر شود (الصبان، ۱۳۹۸: ۱۴۰).

در حدیثی دیگر آمده است:

إِنَّهُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يَعْمُرُهُ؛ حکومت او، مشرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌شود و در سراسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر آن را آباد خواهد ساخت (همان).

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عَقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سرپندگان می‌گذارد و خردهای آنان را گرد می‌آورد و رشدشان را تکمیل می‌گرداند (همان).

### نتیجه گیری

در نگرش اسلامی، سرانجام تاریخ بشری تحقق وعده الاهی، حاکمیت حق و مدینه فاضله اسلامی است. چنین مدینه‌ای یک سنت الاهی است و عصر مهدوی به قوم و قبیله و نژاد خاصی تعلق ندارد و این تدبیر الاهی برای همه انسان‌هاست. انتظار کشیدن ظهور منجی موعود، همان انتظار همه انسان‌هاست که بر جهان حاکم است. مهدویت اسلامی بر فطرت بشری تأکید می‌کند. انسان‌ها فطرتاً هویت الاهی دارند؛ از این رو، طالب جامعه جهانی عادلانه‌اند. در جامعه مهدوی امام لطف الاهی است و مردم را هدایت و به سوی سعادت دعوت می‌کند و ویژگی عصر مهدوی بر خلاف عصر جدید، تأکید بر فضیلت و سعادت بشر

می‌باشد. علم در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام به اوج پیشرفت می‌رسد، و فهم و آگاهی انسان دو چندان می‌شود. روایت شده است زمانی که امام ظهور کند دست خود را بر سر انسان‌ها می‌کشد و فهم و آگاهی آن‌ها را تکامل می‌دهد. علت تأخیر حکومت جهانی آن حضرت هم به دلیل عدم شرایط و لوازم یا جهل و ناآگاهی مردم است که امید است با شباهت‌های فراوانی که بین انقلاب اسلامی و مردم سالاری مبتی بر آن وجود دارد، زمینه ظهور و استقرار حکومت مستضعفان فراهم آید! اما هیچیک از نظام مردم سالار دینی و حکومت جهانی مهدوی با نظریه پایان تاریخ و نظریه جنگ تمدن‌ها سازگاری ندارد. مهم‌ترین وجه تمایز آن‌ها در کمیت و کیفیت شاخصه‌های توسعه و پیشرفت است.

جدول زیر بخشی از این تفاوت‌ها را در عرصه شاخصه‌های توسعه و پیشرفت نشان

می‌دهد:

ردیف	شاخصه	لیبرال دموکراسی	مردم سالاری دینی	نظام مهدوی
۱	حق تعیین سرنوشت	مردم	انسان/خدا	خدا
۲	ملاک مشارکت سیاسی	منفعت	منفعت/وظیفه	تکلیف
۳	عوامل مشارکت سیاسی	احزاب	مردم/احزاب	امت
۴	نوع تعیین سرنوشت	انتخاب	کشف	نصب
۵	ماهیت فعالیت سیاسی	شیطانی	حیوانی	الاهی



## منابع

- قرآن کریم
۱. زارع پور، محمد (۱۳۷۵) *حدیث ولایت* (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری) تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
  ۲. سریع القلم محمود (۱۳۷۱). *اصول ثابت توسعه سیاسی، دو ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، تهران، مؤسسه اطلاعات، شماره ۵۵-۵۶.*
  ۳. الشبایخی الشیخ (۱۴۰۵ق). *نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار*، بیروت، الدار العلمیه.
  ۴. صافی گلپایگانی، لطف الله صافی (۱۳۷۲). *منتخب الاثر*، قم، مکتبه الصدر.
  ۵. الصبان، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). *اسعاف الراغبین*، بیروت، (بی نا).
  ۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (بی تا). *اعلام الوری*، بیروت، دارالمعرفه.
  ۷. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). *بنیادهای علم سیاست تهران*، نشرنی.
  ۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱). *اصول ۳، ۳، ۷، ۴۴، ۴۹. فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۴.*
  ۹. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴). *نقد نظریه های نوسازی و توسعه سیاسی تهران*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
  ۱۰. مجلسی، محمد باقر (۱۳۰۴ق). *بحار الانوار*، بیروت، دارالمعرفه.
  ۱۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). *میزان الحکمه*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
  ۱۲. مرکز مدارک فرهنگی اسلامی (بی تا). *مجموعه خطبه های تهران، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.*
  ۱۳. شریف رضی، محمدبن حسین (بی تا). *نهج البلاغه*، ترجمه فولادوند، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام.
  ۱۴. یارند، کن زیر (۱۳۶۹). *کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم*، ترجمه: احمد تدین، تهران، نشر سفیر.

## بررسی مناسبات انتظار موعود و الگوی اسلامی پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری

حسن ملایی\*

محمدصابر جعفری\*\*

### چکیده

تدوین الگوی اسلامی پیشرفت، از جمله دغدغه‌های سال‌های اخیر حضرت آیت الله خامنه‌ای برای بهبود کارآیی نظام اسلامی در مسیر دستیابی به آرمان‌های آن و تحقق تمدن نوین اسلامی در جهان است. از سوی دیگر، آرمان مهدویت و انتظار موعود، افق مطلوب انقلاب اسلامی و جهت‌گیری فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌های آن در اندیشه ایشان و نیز در اندیشه امام خمینی علیه السلام به عنوان رهبران این انقلاب بوده است. این نوشتار در صدد بررسی مناسبات آموزه انتظار ظهور و حکومت مهدوی، با الگوی پیشرفت و کارکردهای این آموزه در تدوین الگوی اسلامی پیشرفت با توشه‌گیری از اندیشه‌های مهدوی مقام معظم رهبری و با روشی توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است. یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که از منظر مقام معظم رهبری، انتظار موعود؛ روح حاکم، ابزار سنجش، هدف و معیار الگوی اسلامی پیشرفت بوده و دارای کارکردهایی همچون امیدافزایی، ایجاد بلندهمتی، غرب‌ستیزی، تلاش جهادی و برنامه‌ریزی در مسیر تدوین و اجرای الگوی پیشرفت است.

**واژگان کلیدی:** حضرت مهدی علیه السلام، انتظار، مهدویت، الگوی پیشرفت، مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی، ظهور.

hmollaie@chmail.ir

jafarimsaber@yahoo.com

\* دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت.

\*\* دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.



حیات حقیقی و نشاط و پویایی هر پدیده‌ای در هستی در گرو حرکت منظم و مدبرانه به سوی مقصودی است که خداوند عالم برای او در نظر گرفته است. فرد و جامعه نیز از این قانون مستثنا نیست و تنها در همین سیر تکاملی است که پیشرفت و موفقیت معنا یافته و بر دستاوردها افزوده می‌شود. انقلاب اسلامی نیز به عنوان پدیده حیرت انگیز اجتماعی در قرن بیستم از این قاعده جدا نیست؛ چرا که بنیانگذاران و حامیان این انقلاب از همان ابتدا برای خود اهدافی را در نظر گرفته و با طرح شعارهایی آن را به همگان اعلام کردند. این اهداف گرچه در درون خود از تنوع زیادی برخوردار است؛ از حیث ارزش‌گذاری دارای سطوح مختلفی بوده و در سطح کلان آن، زمینه‌سازی برای حاکمیت دین و معنویت و اخلاق در سطح جهانی را (که بر پایه باورهای اسلامی و شیعی ظهور و حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه است) به عنوان هدف غایی خود مورد نظر قرار داده است و سایر اهداف مطرح شده در همین جهت تفسیر می‌شود. غایی بودن این هدف را البته می‌توان از سخنان بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی ره مستندسازی کرد که فرمود:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۲۷).

و نیز بر مبنای سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای - که در همین نوشتار خواهد آمد - به نظاره نشست.

سؤال مهمی که در همین جهت مطرح است آن‌که انقلاب اسلامی برای رشد و پیشرفت در مسیر رسیدن به اهداف و آرمان‌های خرد و کلان خود از چه الگویی پیروی می‌کند؟ اهمیت راهبردی این سؤال از طرفی و نبودن پاسخی روشن به این پرسش، انگیزه طرح این موضوع در سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری و درخواست پاسخگویی اندیشمندان و نخبگان ایران اسلامی به این پرسش است.

گرچه در برهه اخیر و در مقام پاسخگویی به مطالبه رهبری، شاهد طرح‌ها و ایده‌های فراوانی از طرف اندیشمندان در سخنرانی‌ها و نوشته‌ها بوده‌ایم که در جای خود ستودنی است؛

موضوعی که خلأ آن در طرح‌های کنونی مشاهده می‌شود کم‌توجهی به جایگاه انتظار حضرت مهدی عج و زمینه‌سازی برای ظهور ایشان به عنوان هدف کلان انقلاب اسلامی در مسیر الگوی اسلامی پیشرفت به صورت علمی و فارغ از شعارزدگی است. آنچه در این نوشتار در پی آنیم، بررسی مناسبات انتظار موعود و الگوی اسلامی پیشرفت و در نتیجه پیشنهاد طراحی الگوی اسلامی پیشرفت با محوریت فرهنگ انتظار است که نه تنها جایگاه رفیعی در آموزه‌های اسلامی دارد؛ بلکه بارها در سخنان رهبر انقلاب اسلامی به عنوان افق پیش روی انقلاب اسلامی عنوان گردیده است. از همین رو آنچه تقدیم می‌شود، درآمدی بر طرح مهدوی الگوی پیشرفت اسلامی بر پایه اندیشه‌های مقام معظم رهبری است.

#### مفهوم‌شناسی واژگان پژوهش با تأکید بر اندیشه رهبر معظم انقلاب

برای ورود به بحث اصلی نوشتار به مفهوم‌شناسی برخی واژگان کلیدی مورد استفاده در این نوشتار نیازمند هستیم که البته در همین بحث مفهومی نیز به اقتضای موضوع مقاله، اندیشه‌های مقام معظم رهبری را مورد توجه قرار خواهیم داد. برخی از این مفاهیم کلیدی عبارتند از:

#### الف. الگوی اسلامی

«الگو» در زبان فارسی در مفاهیمی چون مدل، سرمشق، اسوه، مثال و نمونه (لغت‌نامه دهخدا ذیل کلمه الگو)، به کار می‌رود و معادل کلمه مدل «model» در زبان انگلیسی است. لکن تعبیر مقام معظم رهبری معنی خاصی دارد. در منظر ایشان:

الگو، نقشه جامع است؛ به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم (بیانات در نخستین سنت اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۱۳۸۹/۹/۱۰)؛ الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای این‌که آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد، با آن تطبیق داده شود (دیدار با قشرهای مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی ع) (۱۳۸۱/۰۶/۳۰).

به خاطر همین تعبيرات است که مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در تعريف

اصطلاحی خود از الگو چنین گفته است:

الگو یک نقشه جامع است که هدف و سمت حرکت، شیوه حرکت و نحوه رفتار جامعه را برای تحقق یافتن تحول تکاملی جامعه بیان می‌کند (۱۳۹۱: ۱۲).

مفهوم اسلامی بودن الگو نیز آن است که منابع ما در تعیین اهداف، ارزش‌ها و روش‌ها در تبیین الگو منابع اسلامی هستند و ما از مفاهیم کلامی و فقهی و حقوقی اسلام بهره می‌گیریم؛ کما این که به گفته رهبر فرزانه انقلاب در تبیین الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی: این الگو ایرانی است. از طرف دیگر، اسلامی است؛ به‌خاطر این که غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است (نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ۱۳۸۹/۹/۱۰).

همین امر موجب می‌شود تا ما بر خلاف رویه غربی ساختن الگو که عمدتاً با تجربه بشری صورت می‌گیرد از عقل و وحی و آموزه‌های نیز استفاده کنیم.

#### ب. پیشرفت

واژه «پیشرفت» از واژگان پر استعمال در میان مردم بوده و از حیث لغت‌شناسی پیچیدگی مفهومی چندانی ندارد. از این واژه برای نزدیک شدن تدریجی به هدف مورد نظر، استفاده می‌شود؛ کما این که رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند: پیشرفت، به سمت هدف‌هاست (دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران ۱۳۷۰/۴/۲۷).

همین امر سبب شده تا برخی نیز در این مقام، چنین اظهار کنند: در تعریفی عام که بر اساس همه بینش‌ها و منش‌ها درست است، پیشرفت عبارت است از: فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. بر این اساس، الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر باشد: الف. تحلیل وضعیت موجود؛

ب. تبیین وضعیت مطلوب؛

ج. راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب (میر معزی، ۱۳۹۲: ۲۸).

این که این تعریف در مطالعه تطبیقی با مقوله انتظار چه مشترکاتی دارد؛ به زودی به آن

خواهیم پرداخت. اما آنچه توجه به آن مهم است دانستن این مطلب است که کاربرد واژه «پیشرفت» در فرهنگ‌ها و مکاتب مختلف نباید باعث غفلت از باز تعریف اصطلاحی آن بر طبق فرهنگ اسلامی و ابتدای الگوی پیشرفت بر مبنای آن گردد؛ زیرا اهداف خاص هر مکتبی که باید حرکت به سوی آن باشد، بر اساس جهان‌بینی هر مکتب، مختلف و معیار و الگوی پیشرفت نیز متفاوت خواهد بود و حتی وضعیت جغرافیایی یک کشور ممکن است بر تدوین الگوی پیشرفت آن اثرگذار باشد. از همین روست که مقام معظم رهبری در آغازین سال‌های طرح جدی الگوی پیشرفت به نکاتی مهم در همین زمینه اشاره کردند:

نکته اول این است که ما وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوییم، با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد، که حتماً دارد؛ اما در نظام واژگانی ما، کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایبستی اشتباه بشود؛... مطلب دوم این است که پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد؛... نکته بعدی هم نکته مهمی است: مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی تعیین‌کننده است و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است... تأثیر مبانی معرفتی و مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفتی که او می‌خواهد انتخاب کند، یک تأثیر فوق‌العاده است... اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دو ساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه همه مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷).

ایشان در همین جهت مقصود خود از پیشرفت را پیشروی در همه عرصه‌ها بیان کرده و فرمودند:

مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه‌جانبه است. از همه ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری... همچنین پیشرفت در قانون‌گرائی و انضباط اجتماعی؛... پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی» (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ۱/۱۳۸۸).

### ج. انتظار

معنای لغوی «انتظار» چشم داشتن، چشم‌داشت و چشم به راه بودن است (دهخدا: ۱۳۷۲)؛ اما مراد از این کلمه در این نوشتار معنی اصلاحی مورد نظر اهل بیت علیهم السلام است که با اهمیت خاصی به آن نگریسته شده است. تعبیرهای عجیبی است که درباره انتظار از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است حاکی از مفهومی بیش از معنای لغوی انتظار مورد نظر ایشان بوده است. در سخنی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزُونَ؛ سعادت و نیک‌بختی از آن شیعیان قائم ماست؛ آنان که در غیبتش، منتظر ظهورش و در ظهورش، فرمان‌برش هستند؛ ایشان همان اولیای الهی هستند که نه ترسی دارند و نه اندوهگین هستند (صدوق، ۱۳۹۷، ج ۲: ۳۷۵).

در این سخن شریف، منتظران امام موعود علیه السلام از جانب صادق آل محمد علیهم السلام در زمره اولیای الهی قرار گرفته‌اند و این مدال افتخار آمیز را در میان بهت همگان به سینه زده‌اند؛ اهمیت این مسئله آن قدر مهم بوده که نه تنها امامان معصوم علیهم السلام به انتظار به چشم یک فضیلت می‌نگریسند؛ بلکه حتی به وجوب و لزوم آن برای شیعیان تصریح نموده‌اند. جناب عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام روایت می‌کند که ایشان فرمود:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ؛ قائم

ما همان مهدی است که انتظار در غیبتش و اطاعت در ظهورش واجب است  
(همان: ۳۷۷).

بنابراین و بدون تردید، علت اعطای این همه فضیلت به منتظران موعود را باید در جایگاه و معنای حقیقی انتظار جست‌وجو کرد؛ زیرا در ادبیات پیشوایان دین، انتظار امام غایب، در کنار عواملی نظیر توحید و ولایت معصومین، سببی برای قبول اعمال به شمار می‌آید. یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: امام به من فرمود:

آیا به شما خبر ندهم به آنچه خداوند عمل بندگانش را بدون آن قبول نمی‌کند؟ عرض کردم: بلی. پس ایشان فرمود: شهادت به یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد و اقرار به اوامر الهی و ولایت ما و برائت از دشمنان ما ائمه و تسلیم ایشان بودن و تقوا و تلاش و طمأنینه و انتظار حضرت قائم (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

حاصل آنکه از مجموعه احادیث انتظار معنای اصطلاحی خاصی برای این واژه می‌توان به دست آورد و آن عبارتند از: چشم به راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی. نکته مهم این که تمام مؤلفه‌های انتظار که عبارتند از قانع نشدن به وضع موجود و امید دستیابی به وضع مطلوب و حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب، قابل تطبیق بر عنوان پیشرفت بوده و از همین رهگذر می‌توان انتظار را راهبرد حرکت از وضع موجود تا وصول به وضع مطلوب محسوب کرد. این که دیدگاه رهبر معظم انقلاب در موضوع انتظار دولت مهدوی چیست در بخشی جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

### ضرورت شناسی بحث از الگوی اسلامی پیشرفت از منظر امام خامنه‌ای

در تعریف پیشرفت (که در متون دینی از آن به رشد نیز تعبیر می‌شود) عنصر هدفمندی و حرکت به سوی آن نهفته است. از همین منظر به ضرورت بحث از الگوی اسلامی پیشرفت می‌توان پرداخت؛ زیرا بعد از لزوم داشتن هدف و آرمان در زندگی فردی و اجتماعی، برای موفقیت در دستیابی به آن، دو کار اساسی دیگر باید انجام شود:

*اول*؛ حرکت و تکاپو برای رسیدن به آن هدف؛ زیرا بدون تلاش در جهت دستیابی، داشتن هدف در حد آرزو باقی مانده و شخص یا جامعه را به کامیابی نخواهد رساند که «لَیْسَ

لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ برای انسان جز حاصل تلاش او نیست» (نجم: ۳۹). ترغیب به تلاش هدفمند نه تنها در قرآن کریم که در احادیث معصومین نیز به وفور یافت می‌شود؛ به گونه‌ای که حضرت امام صادق علیه السلام در سخنی هشدار دهنده فرمود:

هر که دو روزش برابر است ضرر زیادی کرده است و هر که روز آینده‌اش بدتر است، ملعون و در مسیر نابودی است و هر که در خود رشد و پیشرفتی احساس نکند، به عقب خواهد گرایید و هر که عقب‌گرد کند، مرگ برای او از زندگی بهتر است (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۴۲).

دوم. شناخت راه و شیوه حرکت در جهت هدف؛ زیرا بدون شناخت الگویی درست که فعالیت‌ها طبق آن سامان یابد، دوباره کاری، مصرف بی‌جهت دارایی‌ها، چه بسا دور شدن از مقصد را به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل امام علی علیه السلام به جناب کمیل فرمود:

مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛ هیچ حرکتی نیست جز این‌که در آن به معرفت و شناخت نیازمندی (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۷۱).

این سخن حاکی از آن است که اگر ملت بزرگ و دولتمردان آن با انقلاب اسلامی خویش به سمت اهداف بلندی در حرکت هستند، باید الگو و شیوه حرکت خود را شناسایی کنند تا به فرموده مقام معظم رهبری که در باب ضرورت تدوین الگوی اسلامی پیشرفت ایراد فرمودند: بدانند دنبال چه هستیم و به کجا می‌خواهیم برسیم و بخش‌های گوناگون نظام بدانند چه کار باید بکنند (دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵).

توجه ویژه مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر بر تحقق علمی و سپس عملی الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی بدان دلیل است که ما با وجود شعارها و آرمان‌های بلندی که از ابتدای نهضت و انقلاب اسلامی داشته‌ایم؛ در زمینه‌های مختلف و از جمله مقوله فرهنگ که موضوع اصلی این نوشتار است، به سردرگمی و موازی‌کاری و تناقض در سیاست‌ها و اقدامات دچار شده‌ایم و این امر، معلول نداشتن یک الگوی جامع در سطح سیاست‌های کلان کشور بوده است. ایشان در همین زمینه فرمودند:

بدون نقشه جامع، به سردرگمی دچار خواهیم شد؛ همچنان که در طول این سی

سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه فرهنگ، هم در زمینه اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون - انجام دادیم! این به خاطر این است که یک نقشه جامع وجود نداشته است (نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع الگوی اسلامی - ایرانی - پیشرفت، ۱۳۸۹/۹/۱۰)؛

با این حساب تلاش برای تهیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تلاش برای دستیابی به الگویی جامع بوده که هدف و جهت همه امور کشور و در واقع ریل‌گذاری برای مدیریت همه فعالیت‌ها در جهت دستیابی به آرمان‌های مقدس انقلاب اسلامی است و معلوم است که این الگو و نقشه جامع جایگاه ویژه‌ای در نظام اسلامی خواهد داشت؛ از همین روست که رهبر معظم انقلاب در اهمیت جایگاه آن نمودند:

اگر ما توانستیم به حول و قوه‌الاهی، در یک فرایند معقول، به الگوی توسعه اسلامی - ایرانی پیشرفت دست پیدا کنیم، این یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همه اسناد برنامه‌ای کشور و چشم‌انداز کشور و سیاست‌گذاری‌های کشور (همان).

بنابر آنچه بیان گردید می‌توان چنین ادعا کرد که فلسفه اصلی تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی دستیابی به اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است و حال که چنین است بجاست مروری بر این آرمان‌ها و اهداف مقدس داشته باشیم و آن‌گاه نسبت مهدویت و انتظار موعود را با آن بررسی کنیم.

#### اهداف الگوی پیشرفت اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

درخواست دستیابی به آمال و آرزوها یکی از نکات اساسی فراوان در ادعیه ماست که فرمودند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنَّا الْأَعْمَالَ وَبَلِّغْنَا بِرَحْمَتِكَ جَمِيعَ الْأَمَالِ؛ خداوند! بر محمد و آل محمد دروست فرست و اعمالمان را بپذیر و ما را به آرزوهایمان برسان! (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۹: ۱۹۴).

اصولاً آرمان هر فرد و جامعه‌ای، انگیزه حرکت و فعالیت آن‌هاست و مقام معظم رهبری در این زمینه فرمودند:



بدون آرمان، نه می‌شود درست زندگی کرد و نه تلاش انسان، منضبط خواهد بود. باید آرمان و خط روشن و افق واضحی در مقابل وجود داشته باشد که به انسان جهت بدهد؛ (دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹) حتی به جرأت می‌توان گفت که آرمان‌ها برای افراد و جامعه هویت سازند. از همین روست که «آرمان‌گرایی در اسلام و گرایش به سمت قلعه‌ها و اوج‌ها و آرمان‌ها، یک چیز قطعی و حتمی است» (دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۹۹/۱۰/۶).

این آرمان‌ها گاهی فردی و گاهی اجتماعی است. در بعضی اوقات هدفی که انسان برای زندگی خود انتخاب می‌کند، هدفی است کوچک و تنها در حوزه مسائل شخصی خودش و تمام سعی و تلاش برای رسیدن به آن است که نتیجه آن نیز در پایان زندگی جز حسرت نیست؛ لکن در بعضی دیگر از انسان‌ها گاهی این هدف خارج از منافع شخصی و برای دیگران است در این‌باره معظم له فرمودند:

در این نوع زندگی، هرچه می‌گذرد انسان احساس می‌کند که عمرش تلف نشده است؛ چون برای یک هدف عالی زحمت کشیده است. اگر این هدف یک هدف الهی باشد؛ به بشریت برگردد؛ به آرمان‌های خدایی برگردد؛ به صلاح و خیر بشر برگردد؛ به استقرار عدالت و به مبارزه با ظلم و جور مربوط شود؛ احساس می‌کند که به هدف نزدیک‌تر شده است. در پایان راه هم وقتی به پشت سر خود نگاه می‌کند، می‌بیند فرسنگ‌ها به هدف نزدیک شده است. لذا حسرت ندارد و احساس لذت می‌کند. این، زندگی واقعی است؛ زندگی برای آرمان‌ها و هدف‌های والا (دیدار اعضای نیروی هوایی ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹).

این نوع از زندگی برای رسیدن به آرمان‌های والای بشر همان چیزی است که ملت بزرگ ایران از ابتدای قیام تا پیروزی و حتی پس از انقلاب اسلامی به دنبال بوده و هست. این مطلب در سخنان راهبران انقلاب اسلامی ایران هویدا است؛ چنان که مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

نظام جمهوری اسلامی، راه نوری را در دنیا به روی بشریت باز کرد؛ راه نوری طلب آرمان‌هایی که همیشه بشر مشتاق و تشنه آن‌ها بوده است و همیشه قدرتمندان

مانع شده‌اند که دست بشر به آن‌ها برسد. از دیرباز تا امروز، بشریت آرمان عدالت، انصاف و برابری بین انسان‌ها و برجیده شدن بساط زورگویی از سطوح مختلف زندگی مردم را در دل پرورانده است؛ اما این آرمان در کم‌تر برهه‌ای از زمان محقق شده است» (دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰/۹/۳).

از مجموعه آنچه به اختصار بیان شد این مطلب کلیدی به دست می‌آید که گستره و افق فعالیت انقلاب اسلامی به ایران محدود نیست و تمام انسان‌ها را زیر پوشش خود قرار می‌دهد؛ کما این که حضرت آیت الله خامنه‌ای در این خصوص به صراحت فرمودند:

ما رسالت داریم. ایران اسلامی، ایران مسلمان، رسالتی بیش از این حرف‌ها دارد. نه این که قصد جهان‌گشایی و تصرف داشته باشیم - ابداً و اصلاً - اصلاً در ذهن آن کسی که مسلمان باشد، وارد نمی‌شود که بخواهد جهان‌گشایی کند؛ بلکه مسئله، مسئله رسالت در مقابل بشریت است» (دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳).

این نکته خود یکی از مبانی مهم ورود به بحث و بررسی مناسبات انتظار ظهور با آرمان‌های انقلاب اسلامی محسوب می‌شود و تأثیر شگرف آن در تدوین الگوی اسلامی پیشرفت به شمار می‌آید.

حال که جایگاه آرمان‌های انقلاب اسلامی به عنوان افق تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی مشخص شد، برخی از اهداف کلان الگوی اسلامی پیشرفت را از نگاه رهبر انقلاب به نظاره می‌نشینیم:

#### ۱. رشد و تعالی همه انسان‌ها

به تصریح امام خمینی رحمته الله علیه و حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان رهبران انقلاب اسلامی، بلندترین قله‌ای که حکومت اسلامی و سیاست‌های کلانش به دنبال آن است کمال انسان است. رهبر انقلاب فرمود:

پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان

ایرانی. پیشرفتی که ما می‌خواهیم بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوییم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است (در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۸۶/۲/۲۵).

البته واضح است که در مسیر پیشرفت به سوی آن قله بلند باید اهداف متوسط را شناسایی و آن‌ها را فتح کرد؛ زیرا:

گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلاهی اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزو هدف‌های اسلامی است» (دیدار با اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۲۵).

## ۲. ایجاد یک تمدن الگو برای جهانیان

یکی از اهدافی که در تهیه الگوی پیشرفت در نظر مقام معظم رهبری مطرح شده است، تحقق تمدنی الگو و نمونه برای انسان بحران زده کنونی است که از انواع مشکلات اخلاقی، اقتصادی، امنیتی و غیره رنج می‌برد و به دنبال راه نجاتی می‌گردد. ایشان در سخنانی به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۳ فرمود:

ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را می‌خواهم به شما بگویم: مسئله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسئله این است که ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است (سخنان مقام معظم رهبری در آغاز سال نو، ۱۳۷۳/۱/۱).

بدون تردید چنین هدفی در تدوین الگوی پیشرفت را باید در جهت همان اهداف انقلاب اسلامی مطرح شده توسط ایشان ارزیابی کرد؛ زیرا:

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است (دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

### ۳. به دست آوردن قدرت بین المللی برای ترویج اسلام

یکی دیگر از اهدافی که از طرح الگوی پیشرفت وجود دارد، آن است که ما برای این که بتوانیم ارزش‌های انقلاب اسلامی را که همان ارزش‌های اسلامی است، در جهان گسترش دهیم و بشر را از جهالت و غفلت و ظلم ظالمان و مستکبران جهانی برهانیم، به قدرت نیاز داریم؛ زیرا: اگر مقتدر نباشیم، مقتدران عالم بر روی ما اثر می‌گذارند؛ مجالی باقی نمی‌ماند تا ما بخواهیم حتی روی همسایگان خودمان یا هم‌کیشان خودمان تأثیر بگذاریم؛ چه برسد بر روی کل بشریت. پس باید قدرت پیدا کرد (دو دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳). با همین منطق است که می‌توانیم ادعا کنیم تدوین و عمل به الگوی پیشرفت مطلوب، این قدرت را به ما خواهد داد: ما امروز در سطح جهان باید کاری کنیم که عمل اسلامی و خواست اسلامی در کشور ما، با برجستگی در مقابل چشم ملت‌ها قرار بگیرد. می‌بینید که در این کشورهای مسلمان که جبهه‌های اسلامی و جناح‌های اسلامی، احساسات خودشان را بروز می‌دهند، دشمنان اسلام چه حساسیتی نشان می‌دهند و چه طور از همه وسایل برای سرکوب این احساسات استفاده می‌کنند. طرفداران اسلام بایستی بتوانند اسلام را در چشم آن‌ها آن‌چنان شیرین و پُر جاذبه نشان بدهند که احساسات آن‌ها هرگز به سردی نگراید و این امید در دل آن‌ها باقی بماند؛ و این نمی‌شود، مگر این که جامعه ما از لحاظ مادی، از لحاظ معنوی، از لحاظ نظم، از لحاظ امنیت، از لحاظ تلاش‌های اجتماعی و از لحاظ همه اندازه‌ها و میزان‌هایی که در یک جامعه پیشرفته مورد نظر است، پیشگام باشد» (دیدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقیدتی، سیاسی نواهی مختلف نیروی انتظامی در سراسر کشور، ۱۳۸۸/۱۱/۲).

بنابراین، تدوین عالمانه الگوی اسلامی پیشرفت و تلاش مجاهدانه برای تحقق آن، زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی و قدرتمند شدن ما برای ترویج دین سعادت بخش اسلام است.

### جایگاه شناسی انتظار موعود در الگوی اسلامی پیشرفت از نظر گاه مقام معظم رهبری

از ابتدای نهضت حضرت امام خمینی علیه السلام همیشه مردم جایگاه ویژه‌ای در اندیشه ایشان و سپس در نگاه خلف صالح ایشان داشته‌اند و به همین امر «جمهوریت» یکی از ارکان نظام

اسلامی است؛ اما در مقوله تعیین آرمان‌های انقلاب اسلامی، این اسلام است که تعیین‌کننده اهداف و آرمان‌های انقلاب است. رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند:

جمهوری اسلامی را انقلاب در مقابل ما گذاشت. ما فهمیدیم دو چیز معتبر است: یکی این که باید مردم تصمیم بگیرند و انتخاب کنند و حرکت کنند؛ این، جمهوری است. یکی این که هدف‌ها و آرمان‌های این انتخاب و این حرکت را اسلام باید برای ما ترسیم کند (دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷).

دقیقاً همین نکته را می‌توان در تبیین رهبر انقلاب از الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی و در لحاظ کردن قید «اسلامی» مشاهده کرد. با این توضیح این سؤال مطرح است: آرمانی که اسلام برای بشر و برخاسته از فطرت آدمی مطرح می‌کند و باید مورد نظر تدوین‌گران الگوی اسلامی پیشرفت قرار گیرد، چیست و آیا آن- به شهادت قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام- غیر از مهدویت و حکومت عدالت‌گستر مهدوی در سراسر گیتی است؟ بنابراین، در یک نگاه تطبیقی بین آرمان ایرانیان در انقلاب اسلامی و اهداف الگوی پیشرفت با آرمان اسلام، مصداق کامل چنین آرمانی را باید در مهدویت و انتظار حکومت موعود که جهان را سرشار از عدالت و معنویت و محبت و پیراسته از ظلم و مادی‌گرایی و ستم می‌سازد، به نظاره نشست و جالب توجه این که بارها در بیانات رهبر انقلاب به این مطلب تصریح شده است. به عنوان نمونه ایشان فرمودند:

شعارهایی که امام زمان - علیه الصلوة والسلام و عجل الله تعالی فرجه - بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد؛ امروز شعارهای مردم ما است، شعارهای یک کشور و یک دولت است. این خودش یک گام بسیار بلندی، به سوی اهداف امام زمان علیه‌السلام است (سالروز میلاد امام زمان علیه‌السلام، ۱۳۷۹/۸/۲۲).

#### شاخصه‌های رویکرد حضرت آیت الله خامنه‌ای به اندیشه انتظار موعود

حال که ارتباط آرمان‌های انقلاب اسلامی- که در تدوین الگوی اسلامی پیشرفت باید مورد نظر قرار گیرد- با مقوله مهدویت روشن شد، به جاست که نگاهی مختصر نیز به

اندیشه‌های مهدوی مقام معظم رهبری بیندازیم؛ زیرا یکی از مقولاتی که در زمینه تدوین الگوی پیشرفت طبق اندیشه مهدوی رهبر معظم انقلاب باید مورد توجه قرار گیرد، دقت در جایگاه کلیدی انتظار فرج و مفهوم صحیح آن است.

#### ۱. مفهوم و جایگاه انتظار موعود در اندیشه رهبر معظم انقلاب

در نظر معظم له انتظار فرج:

یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان - علیه الصلاة والسلام - برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن (دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷)، و این انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها (دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

بدیهی است چنین انتظاری گنجی بزرگ در مناسبات فردی و اجتماعی محسوب می‌شود: اعتقاد به قضیه مهدی و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت‌ها می‌توانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند... عقیده به امام زمان، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست (در جمع مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

علاوه بر آن، انتظار در اندیشه ایشان چنان جایگاه رفیعی دارد که حل مشکلات جهان اسلام را در گرو جاری یافتن انتظار حقیقی دانسته و در سخنی می‌گویند:

مسئله انتظار هم که جزء لاینفک مسئله مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است (دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان پس از آن که انتظار حقیقی را توضیح داده و آن را با

تلاش و مجاهدت برای محو ظلم و ظالم مقارن می‌دانند؛<sup>۱</sup> در تحلیلی، جهان معاصر را تشنه انتظاری که ملت ایران به پشتوانه آن انقلاب کرد، دانسته و ابراز داشتند:

ما ملت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری، به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملت ایران وجود داشت و در سایه آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملت‌های ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند (سالروز میلاد امام عصر<sup>علیه‌السلام</sup>، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

شناخت مقوله انتظار موعود با چنین جایگاه و کارکردهای فوق‌العاده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی، هر مسلمان منصفی را به تأمل در این زمینه و شکل دهی زندگی بر محور آن وادار می‌کند و هم‌نوا با رهبر انقلاب چنین گواهی می‌دهد:

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان - علیه‌آلاف التحية والثناء وعجل‌الله‌تعالی فرجه - تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچک‌تر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم» (دیدار مسئولان و قشرهای مختلف مردم، ۱۳۶۸/۱۲/۲۶).

۱. «ما ملتی منتظر هستیم؛ ملتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد. ما امروز برای انتظار، باید باب بخصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند. ما منتظریم، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدان و زورگویان پُر شده است، در سایه تلاش و فعالیت بی‌وقفه ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزش‌های انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسان‌ها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوا و هوس خود، پیدا نخواهد کرد. این روشنایی، در دیدگاه ما نسبت به آینده وجود دارد»؛ در سالروز میلاد امام عصر<sup>علیه‌السلام</sup>، ۱۳۶۹ / ۱۲ / ۱۱.

با این بیان آیا بی‌توجهی به این عنصر مهم در تدوین الگوی پیشرفت، به حرکت عظیم انقلاب اسلامی و آرمان‌های بلند آن جفا نیست؟

## ۲. عنایت مقام معظم رهبری به عنصر «انتظار» در مقوله «پیشرفت»

بی‌تردید همه ما خواستار پیشرفت خود و جامعه اسلامی هستیم؛ اما نباید آرمان‌های اصیل اسلام و انقلاب اسلامی در تفسیر و هدف‌گذاری الگوی پیشرفت مورد غفلت واقع شود. مقام معظم رهبری نیز بارها در سخنان خود در تبیین مقوله پیشرفت، عنصر انتظار را در کنار آن قرار داده و ضمن آن که امید را عامل بزرگ پیشرفت ایرانیان معرفی کردند، این امید اصیل را منشأ گرفته از انتظار حکومت عدل مهدوی دانسته و فرمودند:

ما ملتی منتظر هستیم؛ ملتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد (در سالروز و میلاد امام عصر علیه السلام، ۱۳۶۹/۱۲/۱)؛ و این گونه در حرکت انقلاب، مهدویت و انتظار موعود را جزء جدایی‌ناپذیر آن معرفی کردند. ایشان حرکت به سوی ظهور امام زمان علیه السلام را از آغاز انقلاب بن‌مایه اصلی پیشرفت شمرده و در تحلیل دقیق فرمودند:

امام زمان علیه السلام، رمز عدالت و مظهر قسط الاهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را می‌کشند... وقتی ملت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت می‌کنند. بعد از پیروزی انقلاب هم احساس ملت ایران این است که هر حرکت و هر اقدامی؛ هر مبارزه‌ای که کردیم و هر رنجی که تحمل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشر و همه اهل معرفت مشترک است. مقصود، استقرار عدالت، و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است (دیدار مهمانان خارجی دهه فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸).

البته برای آن که احیاناً در مقوله انتظار فرج برداشت‌های سلیقه‌ای غالب نگردد، در توضیح

این موضوع چنین بیان کردند:

انتظار فرج... یعنی، انتظار حاکمیت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد، قانع نیستید. حتی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به



دست آوردید، قانع نیستید. می‌خواهید باز هم به حاکمیت قرآن و اسلام، نزدیک‌تر بشوید (خطبه نماز جمعه، ۱۳۶۰/۳/۲۹).

بدیهی است با این بیان، هدف اصلی از پیشرفت باید سیطره اوامر و قوانین الهی و نه مکاتب خود ساخته ناقص بشری باشد. نهایت آن که این همه تأکید بر مقوله مهدویت از جانب رهبر معظم انقلاب و تأثیر شگرف آن بر پیشرفت ایران-اسلامی، ایشان را بر آن داشت که بر ارتباط مستمر با امام زمان علیه السلام و نقش آن بر مقوله پیشرفت بارها اصرار ورزند: هرچه دل‌ها با مقوله مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس‌تر شود و بیش‌تر حس کنیم و رابطه بیش‌تر داشته باشیم. این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود (دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸).

۳. تصریحات حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره جایگاه مهدویت در تدوین الگوی پیشرفت علاوه بر آنچه تاکنون درباره ارتباط الگوی پیشرفت و مهدویت به صورت تلویحی بیان شد، در برخی از سخنان مقام معظم رهبری به صراحت می‌توان از جایگاه محوری و هدف‌غایی بودن مهدویت و انتظار موعود در الگوی پیشرفت خبر داد. برای نمونه ایشان در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی که اتفاقاً در موضوع «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» بوده، بر عنصر معنویت که اتفاقاً یکی از اهداف اصلی حکومت مهدوی است تکیه کرده و فرمودند:

...عرصه چهارم که از همه این‌ها مهم‌تر است و روح همه این‌هاست، پیشرفت در عرصه معنویت است. ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجه آن این باشد که جامعه ایرانی ما به سمت معنویت بیش‌تر پیش برود. البته این در جای خود برای ما روشن است، شاید برای خیلی از حضار محترم هم روشن است؛ اما باید برای همه روشن شود که معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه این‌هاست...دنیایی که در آن علم همراه با معنویت، تمدن همراه با معنویت، ثروت همراه با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. البته

نمونه کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیت اللّٰه - ارواحنا فداه - اتفاق خواهد افتاد... (نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

مطلب دیگری که در این زمینه حائز اهمیت است آن که شعار اصلی حکومت مهدوی که در آیات و روایات بسیاری به آن تصریح شده، عدالت است؛ کما این که رسول اعظم ﷺ فرمود: **إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا مِنْ بَعْدِي وَ مِنْ وَ لَدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا؛** علی بن ابی طالب پس از من امام امت و خلیفه من بر آن‌ها خواهد بود و قائم منتظری که زمین را از عدل و داد پر کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد؛ از فرزندان اوست (صدوق، ۱۳۹۶: ۲۲۸).

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در توضیح این قضیه می‌فرماید:

در تمام آثار دینی که شما نگاه می‌کنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه اسلامی، تشکیل جامعه عادلانه است. راجع به امام زمان این همه اثر هست و در اغلب این‌ها گفته می‌شود که آن بزرگوار تشریف بیاورند تا این که جهان را پر از عدل کنند. بیش از آنچه گفته شده پُر از دین حق کنند گفته شده پُر از عدالت کنند یعنی آنچه در درجه اول مطرح است، عدالت است که باید انجام گیرد (دیدار با هیأت دولت، ۱۳۷۲/۹/۳).

در دومین نشست راهبردی نیز که با موضوع «عدالت» و به منظور تهیه الگوی پیشرفت برگزار شد؛ مقام معظم رهبری بر این موضوع و نیز ارتباط آن با مهدویت توجه کرده و فرمودند:

اولاً به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...البته تصریحات دیگری هم در آیات قرآن هست که به سایر اهداف ارسال رسل اشاره می‌کند، که این‌ها با یکدیگر قابل جمع است. پس هدف شد عدالت. هدف نظام‌سازی، هدف تمدن‌ها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه، شد عدالت. در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد؛ این مخصوص ادیان است....

نکته سوم این که همه ادیان متفقند در این که پایان این حرکت عظیم تاریخی، یک پایان امید به عدل است. یعنی قاطعاً می‌گویند که یک دورانی خواهد آمد که دوران عدل خواهد بود (بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی؛ موضوع عدالت، ۱۳۹۰/۲/۲۷).

این امر یعنی آن که در حین هدف قرار دادن مهدویت در تدوین الگوی پیشرفت؛ باید به یکی دیگر از عناصر مهدویت، یعنی عدالت نیز، باید به صورت جدی و در همه سطوح توجه داشت.

### کارکردهای انتظار ظهور در مدل اسلامی پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری

بی‌شک یکی از اهداف کلان تدوین و اجرای الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی مورد توجه قرار گرفتن و الگو شدن ایران اسلامی در عرصه بین‌الملل است؛ اما نباید مطلب را به همین جا ختم کرد و این هدف غایی ما نیست. هدف نهایی از الگو شدن نظام اسلامی ایران، تمهیدی بر ایجاد تمدن بزرگ و نوین اسلامی است که تحقق کامل آن در عصر ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام است:

کسانی که در گذشته‌ای نه‌چندان دور آیه یأس می‌خواندند و نه تنها اسلام و مسلمین، بلکه اساس معنویت و دینداری را در برابر هجوم تمدن غرب، از دست‌رفته می‌پنداشتند؛ امروز سر بر افراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام و متقابلاً ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می‌بینند و با زبان و دل تصدیق می‌کنند. من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ<sup>۱</sup> (پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷).

۱. خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده کرده که شما را در این سرزمین جانشین دیگران کند؛ آن چنان که اسلاف و گذشتگان آنان را جانشین کرد، و

مقام معظم رهبری در بیانی دیگر و پس از آن که جوهر مقاومت و ایستادگی ملت ایران را مورد ستایش قرار داده و آن را عامل نفوذناپذیری ایرانیان معرفی؛ به صراحت اعلام می‌کند: با ملتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. همه راه‌ها به روی آن‌ها بسته است. اگر سخت‌گیری کنند، آن‌ها ضرر می‌کنند. اگر فشار وارد بیاورند، آن‌ها ضرر می‌کنند. اگر حمله کنند، آن‌ها ضرر می‌کنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گران قدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الاهی با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم - ارواحنا فداه - خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ باعظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماسست (دیدار با ایثارگران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶/۵/۲۹).

به راستی آیا مسئولان و متولیان تدوین الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی مخاطب این سخنان مهم نیستند؟!

در تبیین رابطه منطقی بین تدوین الگوی پیشرفت برای تحقق تمدن اسلامی و ظهور مدینه و حکومت متمدن مهدوی را توضیح دهیم، باید گفت: همان گونه که بارها در متون پژوهشی مربوط به مباحث ظهور بیان شد، تحقق ظهور امام موعود علیه السلام علاوه بر مشیت الاهی به زمینه‌های مردمی وابسته است که از جمله آن‌ها رغبت عمومی به حکومت عدل مهدوی است؛ به گونه‌ای که نوع جهانیان در مقابل فرمان امام زمان علیه السلام سر تعظیم فرود آورده و ولایت ایشان را بپذیرد. این نکته در ادعیه مهدوی با عباراتی چون:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُ بِهَا الْأِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ؛  
بار خدایا! مشتاقانه مسألت داریم که دولتی با شکوه برانگیزی که اسلام و اسلامیان را عزت بخشی و نفاق و منافقین را به خاک ذلت کشی (کافی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۲۴)؛ بیان شده و بدیهی

....

نیز دینشان را، دینی که برای ایشان پسندیده استقرار دهد و از پی ترسی که داشتند امنیت روزی‌شان فرماید تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نکنند و هر کس پس از این کافر شود، آنان خود عصیان‌پیشگانند.

است با وجود سرخوردگی جهانیان از مکاتب موجود، ایجاد حکومت عدل اسلامی و پس از آن تمدن نوین اسلامی، ولو در مقیاس کوچک جغرافیایی شوق و رغبت جهانی را به دولت موعود موجب خواهد شد.

با این توضیح هر چند سخن از تأثیر فرهنگ انتظار از یک مقاله بسیار فراتر است؛ این فرهنگ در تدوین الگوی پیشرفت با هدف احیای تمدن اسلامی، آثار و کارکردهای فراوانی خواهد داشت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱. پرهیز از الگوی غربی در تدوین الگوی پیشرفت اسلامی، لازمه فرهنگ انتظار:

از جمله نکات مهمی که همه اندیشمندان منتظر و علاقه‌مندان به پیشرفت ایران اسلامی در تدوین الگوی پیشرفت باید در نظر بگیرند، دوری جستن از الگوی برخاسته از مبانی مادی‌گرایی غربی است و این همان مطلب مهمی است که علاوه بر آن که رهبری معظم انقلاب در قید «اسلامی» این طرح ملی لحاظ کردند؛ به این ملازمه نیز توجه داده و فرمودند: ما وقتی می‌گوییم منتظر امام زمان هستیم، بیش‌ترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر می‌کنیم، این است که یملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً؛ نمی‌گوییم: «یملاً الله دیناً و صلاة و صوماً». باینکه آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین و بیش‌ترین تحقق را پیدا می‌کند؛ لیکن معلوم می‌شود که این عدل، یک مصرع بلند درخواست‌های انسان است و اگر این روشی که الآن بعضی‌ها غافلانه دنبال می‌کنند و آن، الگو گرفتن از زندگی غربی است، رواج پیدا کند؛ روز به روز این حالت بدتر خواهد شد (جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴).

#### ۲. انتظار و نقش امید در تدوین و اجرای الگوی پیشرفت

امید به مثابه خون جاری در رگ فرد و جامعه بوده و عامل تلاش و تحرک است و بدون آن، حرکت مؤثری شکل نخواهد گرفت. به همین دلیل فراهم کردن عوامل امیدآفرین همواره از لوازم موفقیت و پیشرفت محسوب می‌شود. جالب توجه این‌که بدانیم برخی از آموزه‌های دینی به همین امر حیاتی اختصاص دارد و مهدویت و انتظار از مهم‌ترین این آموزه‌ها هستند.

عنصر امید یکی از شاخصه‌های بسیار مهم انتظار در منظر مقام معظم رهبری است که برخاسته از روایات می‌باشد:

دو نقطه برجسته‌ای که در انتظار ما و جشن‌گیری ما برای نیمه شعبان وجود دارد، یکی مسئله امیدزایی است که نوید این ولادت و آینده‌ای که بر اثر این ولادت، دنیای بشر در انتظار آن است، خود این امیدزاست... (دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت و در آستانه نیمه شعبان، ۱۳۸۶/۶/۴).

نکته مهم این‌که این عنصر نباید در حد مباحث تئوری و غیرکاربردی باقی بماند؛ زیرا همین انتظار امیدزا هم در تهیه الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی و هم عمل به آن پس از تدوینش سهم بسزایی دارد. توضیح آن‌که با توجه به شرایط فعلی جهان و جنگ و فساد و ترویج مکاتب و اندیشه‌های الحادی و غفلت فراگیر، بسیاری از اندیشمندان دنیا از اصلاح امور بشر ناامیدند؛ اما در اندیشه مقام معظم رهبری برای منتظران موعود این ناامیدی معنا ندارد:

مجموعه بزرگی از نخبگان که سررشته کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی‌اند و این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرریز می‌کنند و آن‌ها را از این‌که بتوان نقشه ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس می‌کنند. بدیهی است که انسان‌های مأیوس نمی‌توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسان‌ها را وادار به کار و حرکت می‌کند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود، دل‌ها را سرشار از نور امید می‌کند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود علیه السلام هستیم. این یأسی که گریبان‌گیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی‌معناست. ما می‌گوییم: نخیر، می‌شود نقشه سیاسی دنیا را عوض کرد. می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است (دیدار اқشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصالای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

### ۳. انتظار ظهور و ایجاد بلندهمتی در تدوین الگوی اسلامی پیشرفت

بدون تردید تنها افرادی از عهده ایده‌پردازی در مقوله الگوی پیشرفت بر می‌آیند که از

روح بلند همتی و آرمان‌گرایی برخوردار بوده، به دنبال فتح قله‌های بلند انسانی باشند. یکی از کارکردهای مهدویت در نگاه رهبر انقلاب همین ایجاد روحیه بلند همتی است که خود معظم له نیز از مصادیق بارز آن محسوب می‌شوند:

در هدف‌گیری و نشانه‌گرفتن برای دورخیزهای تاریخی، باز مسئله مهدویت نقش دارد. میان آن ملت‌تی که برای خودش آینده‌ای نمی‌بیند و فکر می‌کند که بالآخره موج فساد، دنیا را روزه‌روز بیش‌تر می‌گیرد. ما هم چند صباحی محض تکلیف، مقاومتی هم می‌کنیم؛ اما آخرش چه؟ و آن ملت‌تی که می‌داند این مقاومت، ایجاد یک گام بلند به سمت آن آینده‌ای است که خدای متعال وعده داده که برای بشریت پیش می‌آید، آن هم نه یک وعده مبهم، بلکه یک وعده روشن، فرق هست. رهبر آن ماجرا هم مشخص است که چه کسی است. او، حی و حاضر و زنده است، و دل او، متصل به ملا اعلا و غیب است. ملت‌تی که به چنین چیزی اعتقاد دارد، ببینید که برای چه اهدافی دورخیز می‌کند و چه‌طور همت‌اش بالا می‌رود (دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه)، ۱۳۸۰/۱۰/۷).

در جایی دیگر ایشان با استفاده از همین کارکرد و نیز شناخت دقیقی که از روحیه آرمان‌گرایی جوانان ایران زمین دارند همه ملت بزرگ ایران را به ایجاد عزم قوی برای رسیدن به چنین آرمان مقدسی تحریک و مورد خطاب قرار دادند:

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم - ارواحنا فداه - خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند (دیدار با ایثارگران، ۱۳۷۶/۵/۲۹).

#### ۴. انتظار موعود و برنامه‌ریزی در مسیر پیشرفت

بی‌تردید پیشرفت امری تدریجی است و به همین علت، برنامه‌ریزی، یکی از بایسته‌های حتمی پیشرفت است. منتظران موعود نیز به این امر واقفند و با برنامه‌ریزی و حرکت قدم به

قدم خود را به وعده حتمی پروردگار نزدیک می‌کنند:

شما ملت انقلابی مسلمان، باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود<sup>ع</sup> و انقلاب نهایی اسلامی بشریت - که سطح عالم را خواهد گرفت و همه این گره‌ها را باز خواهد کرد - قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه نماز جمعه، ۱۳۶۰/۳/۲۹).

با نگاهی به فرایند انقلاب و نظام اسلامی همین حرکت قدم به قدم و برنامه‌ریزی شده را مشاهده و جایگاه تدوین الگوی پیشرفت را در راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی بهتر خواهیم درک کرد. بهترین دلیل این سخن نیز بیانات مهم و راهبردی رهبر انقلاب اسلامی در این باره در سال ۱۳۸۳ است که فرمودند:

ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم؛ مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است؛ مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است؛ مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۸/۶).

در این کلام برای رسیدن به اهداف بلند ایران اسلامی، پنج گام پیش بینی شده است: گام اول، انقلاب اسلامی؛ گام دوم، نظام اسلامی؛ گام سوم، دولت اسلامی؛ گام چهارم، کشور اسلامی و گام پنجم، تمدن بین‌المللی اسلامی. اگر آن روز رهبر انقلاب فرمودند که ما در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ با توجه به دستور ایشان به نخبگان مبنی بر تهیه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی معلوم می‌شود در عین این‌که ایشان در صدد میزان توفیق گام‌های چهارگانه نخست است؛ نگاهی نیز به گام پنجم دارد و در صدد اثبات کارآمدی جمهوری اسلامی بر جهانیان و ایجاد رغبت عمومی به آن و در نهایت حکومت مهدوی است. از همین رو در همان جلسه فرمودند:

باید بیش‌تر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم؛... این اساس کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت



کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزش‌ها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیش‌تر خواهد شد (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۸/۶).

### ۵. انتظار و تلاش جهادی در مسیر الگوی پیشرفت

در فرآیند پر فراز و نشیب تولید الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی و به خاطر موانع طبیعی و دشمنی‌های دشمنان مهدویت و بشریت، به روحیه جهادی و تلاش و مبارزه در این مسیر نیازمند هستیم و به همین دلیل به منبعی نیاز داریم که بتواند چنین روحیه‌ای را در مسئولان و ملت ما تزریق کند. مقام معظم رهبری یکی دیگر از آثار انتظار حکومت مهدوی را القای همین روحیه می‌دانند و می‌فرمایند:

روح انتظار است که به انسان تعلیم می‌دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد (دیدار با جمعی از مسئولان و خانواده شهدا، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

ایشان با بهره‌گیری از چنین دیدگاهی، به انتظار منفعلانه و ساکن تعریض زده و عملاً برای کنار زدن چنین رویکرد غلطی انتظار را چنین معنا می‌کنند:

ما منتظریم، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پُر شده است، در سایه تلاش و فعالیت بی‌وقفه ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزش‌های انسانی محترم است (بیانات رهبر انقلاب در سالروز ولادت امام عصر علیه السلام، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

### نتیجه‌گیری

با بررسی در مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در دو مقوله الگوی اسلامی پیشرفت و

- اندیشه انتظار موعود، نکات قابل توجه و راهبردی به شرح ذیل به دست آمد:
۱. از منظر مقام معظم رهبری، الگو یک نقشه جامع است که هدف و سمت حرکت، شیوه حرکت و نحوه رفتار جامعه را برای تحقق تحول تکاملی جامعه بیان می‌کند.
  ۲. حضرت آیت الله خامنه‌ای پیشرفت را در معنایی عمومی، حرکت به صورت هدف و آرمان و در معنایی خاص تکاپویی به صورت آرمان‌های مورد نظر اسلام و در همه ابعاد انسان و جامعه انسانی می‌دانند.
  ۳. ضرورت تدوین الگوی جامع و اسلامی پیشرفت از نگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای، به منظور حرکت حساب شده و ریل‌گذاری برای مدیریت همه فعالیت‌های نظام اسلامی جهت دستیابی به آرمان‌های انقلاب اسلامی است.
  ۴. در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای، آرمان‌های انقلاب اسلامی معطوف به همه انسان‌ها و نجات آن‌ها از ظلم و سردرگمی است و به کشور ایران محدود نیست.
  ۵. مقام معظم رهبری تبلور عینی و کامل فراگیری عدالت و معنویت و رشد همه جانبه بشر را در زمان حکومت مهدوی دانسته و به همین جهت، افق آرمانی انقلاب اسلامی، مهدویت و جهت همه سیاست‌های نظام باید بدان سو باشد.
  ۶. از نظر رهبر معظم انقلاب، تدوین الگوی اسلامی پیشرفت به منظور برافراشتن تمدن اسلامی و در نتیجه قدرتمند شدن ایران اسلامی در نشر فرهنگ اسلامی و قرآنی در جهان خواهد بود که زمینه‌سازی حکومت مهدوی را در پی خواهد داشت.
  ۷. از منظر رهبر معظم انقلاب، انتظار موعود از واژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است. به همین دلیل نه تنها موفقیت انقلاب اسلامی مدیون زنده شدن روح انتظار در ملت بود که این عنصر ظرفیت زیادی در تدوین و اجرای الگوی اسلامی پیشرفت خواهد داشت.
  ۸. پرهیز از الگوی غربی در تدوین الگوی پیشرفت اسلامی، امیدآفرینی و ایجاد بلندهمتی در تدوین الگوی اسلامی پیشرفت، برنامه‌ریزی و تلاش جهادی در مسیر الگوی پیشرفت؛ از کارکردهای انتظار موعود در اندیشه مقام معظم رهبری می‌توان شمرد.

## منابع

قرآن کریم

۱. چیستی و مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (۱۳۹۱). تهران، مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، معاونت هماهنگی و نظارت فرایندی.
۲. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۳. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). *الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت*، به کوشش مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدر، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۴. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت نامه دهخدا*، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۶. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۹). *فرهنگ نامه مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۷ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۰. کوئن، بروس (۱۳۸۹). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الأنوار*، بیروت، موسسه الوفاء.
۱۲. معین، محمد (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۳. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۲). *مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، فصلنامه صدر، تهران، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدر، شماره ۱۰.
۱۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، مصحح: علی‌اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.

## نرم‌افزارها

۱۵. نرم افزار حدیث ولایت، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری.

## سایت‌ها

۱۶. سایت اطلاع رسانی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای.

## درآمدی بر مبانی الگوی اسلامی پیشرفت با الهام از ویژگی‌های جامعه عصر ظهور

حسن صالحی\*  
حسین سرآبادانی\*\*  
مهدی یوسفیان\*\*\*

### چکیده

یکی از عناصر محوری در تمدن‌سازی، تبیین نوع نگاه به مقوله توسعه و ارائه مسیر تحقق آن است. به همین دلیل در سال‌های اخیر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مورد توجه مسئولان و پژوهشگران قرار گرفته است. به رغم ظرفیت‌های بی‌بدیل اندیشه مهدویت در نظام فکری اسلام و طراحی مسیر انقلاب اسلامی برای رسیدن به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام؛ تاکنون اندیشه مهدویت در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بسیار مغفول مانده است. از منظر آیات و روایات، از جامعه‌ای پیش‌رو و متکامل و صف‌هایی شده است که از آن به عنوان جامعه عصر ظهور یاد می‌شود. شناسایی عناصر این جامعه متکامل و پیشرفته از منظر اسلامی، موجبات طراحی یک الگوی توسعه و پیشرفت متناسب با فرهنگ اسلامی و رسالت انقلاب-اسلامی را فراهم می‌آورد. در این مقاله کوشیده‌ایم با بررسی ابعاد و ویژگی‌های جامعه عصر ظهور، از آن به عنوان مبنایی جهت تبیین ابعاد پیشرفت اسلامی بهره‌بریم. روش پژوهش استدلالی-استنتاجی و با بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد؛ بدین صورت که بعد از بررسی و واکاوی مجموعه منابع و وصف‌هایی که در زمینه جامعه مهدوی طرح گشته است، به ارائه یک مدل منسجم شامل اصول نظری (پیش فرض‌ها)، راهبرد کلان و راهبردهای کاربردی برای پیشرفت پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: الگوی پیشرفت، جامعه عصر ظهور، مهدویت، جامعه منتظر، استراتژی انتظار.

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه السلام  
Ha.saleh@chmail.ir.  
\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه السلام  
87sarabadani@gmail.com.  
\*\*\* عضو هیأت علمی مرکز تخصصی مهدویت  
Mahdi252@chmail.ir.

الگوی اسلامی، به نوعی قطب‌نمای حرکت پیشرفت کشور در مسیر پر پیچ و خم جامعه اسلامی است که در تلاش برای هدایت و راهنمایی مسیر اجتماع از وضع موجود به وضع مطلوب است. مقام معظم رهبری در این زمینه در بیانی رسالت این الگو را چنین بر می‌شمرند:

الگوی اسلامی یعنی یک نقشه جامع، بدون نقشه جامع دچار سردرگمی خواهیم شد... این الگو به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت و برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم... (بیانات مقام معظم رهبری، دی‌ماه ۱۳۸۹).

این الگو به عنوان نقشه جامع تعالی کشور، بر مبنای آموزه‌های اسلامی و با توجه کامل به مقتضیات و شرایط کشور می‌باشد (شورای راهبردی الگوی پیشرفت، ۱۳۹۲: ۱). انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون در مسیر رسیدن به آرمان‌ها و اهداف متعالی‌اش هر چند در برخی از حوزه‌ها از موفقیت نسبی برخوردار بوده؛ در برخی از حوزه‌ها همچنان با چالش‌های متعددی مواجه است که به راهکارهای مناسب برای برون‌رفت از آن‌ها نیاز دارد. به طور مثال، فتح قله‌های علم و دانش در بسیاری از حوزه‌های مهندسی، پزشکی و صنایع نظامی، برخی از مشکلات گذشته کشور در این حوزه‌ها را مرتفع ساخته است؛ اما از سوی دیگر کشور همچنان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی با مشکلات متعددی نظیر بیکاری، تورم، وابستگی گسترده به درآمدهای نفتی، سیستم مالیاتی ضعیف، محیط کسب و کار نامناسب، توزیع نامناسب درآمد و مسایل زیست‌محیطی مواجه است که باعث می‌شود کارآمدی دستاوردهای علمی در کشور کمتر نمایان گردد. همچنین، هر چند کشور طی سالیان اخیر از اسناد بالادستی‌ای نظیر سند چشم‌انداز، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و انواع سیاست‌های کلی بهره‌مند بوده است؛ همچنان به نظر می‌رسد حلقه مفقوده دیگری در سطح حکمرانی کشور وجود دارد که باعث می‌گردد بدون وجود آن، این اسناد بالادستی نیز از کارآمدی لازم برای رفع چالش‌های اجتماعی و اقتصادی برخوردار نباشند. در کنار مسائل مذکور، سرعت بالای تغییرات اجتماعی و اقتصادی در عرصه بین‌المللی، به ویژه در منطقه خاورمیانه و مأموریت ذاتی انقلاب اسلامی ایران در ایجاد هویت‌های اجتماعی نوین مبتنی بر

آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام نیاز به تولید چنین الگوی حکمرانی را دوچندان می‌کند (بیگامی و حسینی، ۱۳۹۱: ۷۴).

از طرفی ظرفیت‌های بی‌بدیل اندیشه مهدویت، ارائه‌کننده مؤلفه‌های الگوی پیشرفت در نقطه غایی آن محسوب می‌شود. در لسان آیات و روایات، ویژگی‌هایی برای جامعه عصر ظهور طرح گردیده است که آن را به عنوان یک جامعه الگو، بی‌بدیل می‌سازد. طرح این ویژگی‌ها، صرفاً از روی خلق ذوق و اشتیاق برای آرزوی چنین جامعه‌ای از سوی مردم نبوده است؛ بلکه مراد اصلی از طرح آن، الگوگیری از این جامعه نمونه و تلاش به حد وسع خود برای تحقق آن بوده است. اندیشه‌ای که امام راحل علیه‌السلام بر اساس آن، انقلاب اسلامی را زمینه‌ساز حکومت عدل‌گستر مهدی علیه‌السلام تلقی کرد. لذا هر الگویی از پیشرفت، باید با الهام-گیری از مؤلفه‌های جامعه مهدوی طراحی گردد و به اندیشه مهدویت، به عنوان یکی از منابع اصلی طراحی الگو نگریسته شود.

البته هر چند این عدم تعادل میان پیشرفت‌های رخ داده در حوزه‌های فیزیکی و انسانی و عدم یک الگوی حکمرانی مناسب مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی از یک منظر نشان‌دهنده ضعف‌های اساسی کشور در حوزه علوم انسانی و ناکارآمدی سیاست‌های پس انقلاب در تولید متخصصان علوم انسانی مبتنی بر نیازها و مسائل انقلاب اسلامی است؛ از سوی دیگر می‌توان آن را گذاری همانند گذارهایی دانست که سایر ملل دنیا در طول تاریخ پیشرفت خود با آن مواجه بوده‌اند. بنابراین، بایستی بیش از آن که نسبت به عدم چنین تعادلی در کشور نگران بود، نسبت به ضرورت توجه به این مهم، در این مقطع تاریخی توجه داشت. معارفی چون معارف مهدوی، از پتانسیل بالایی در جهت بسط این الگو برخوردار هستند.

بی‌شک ریشه اصلی چنین عدم تعادلی در کشور در عدم توجه به وجود ذخیره معرفتی همچون اندیشه مهدویت است که نتیجه آن عدم هرگونه الگوی لازم جهت تمشیت و تدبیر امور به سمت غایات مطلوب انقلاب اسلامی است. بسیاری از مسائل این الگوی پیشرفت، مسائل عمومی برای مردم شرق و غرب عالم است. به طور مثال، مفهوم عدالت هم در جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی و هم در اندیشه مدرن غربی همواره از جایگاهی ممتاز

برخوردار بوده و به عنوان واحد تحلیل مورد توجه قرار گرفته است (کونو، ۲۰۰۳: ۱). این در حالی است که در اندیشه اسلامی و به تبع معارف مهدوی، این مفهوم از جایگاه و تعریفی متفاوت در حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی برخوردار است (بیگامی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۷). به نظر می‌رسد این مسئله همان نکته‌ای است که بارها از سوی مقام معظم رهبری در خصوص تفاوت نرم‌افزاری تمدن‌سازی اسلامی با تمدن مغرب زمین در عین استفاده از تجربیات کشورهای غربی مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

در سالیان اخیر به موضوع الگوی پیشرفت توجه ویژه‌ای شده و بر این اساس مطالعات زیادی صورت پذیرفته است که بعضاً خالی از ایراد نیز نبوده است.<sup>۲</sup> در میان همه این فعالیت‌ها که در تلاش جهت تبیین مفاهیم پایه‌ای این حوزه و ارائه ارکان و اصول آن در عرصه‌های متنوع پیشرفت بوده‌اند، کم‌تر به طور مستقیم به اندیشه مهدویت به عنوان یک ظرفیت بی‌بدیل در این ساحت توجه مبذول داشته‌اند که به نظر عجیب می‌آید. رسالت اصلی انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی برای حکومت جهانی اسلام به امامت حضرت حجت‌العلی است و بر این مبنا، یکی از ارکان اصلی طراحی الگوی مطلوب و ترسیم وضع برون‌رفت از وضع موجود، توجه به معارف مهدوی و به تبع ویژگی‌هایی است که در لسان آیات و روایات، به جامعه مهدوی اشاره دارد. هر آن‌که با عزم و اراده حرکت می‌کند، طرح و تصویری از مسیر و مقصد در اندیشه دارد. شوق انتظار جان‌مایه حرکت برای گذر از وضع موجود به سوی وضع مطلوب است. حرکتی که باید با شناسایی مقصد آغاز گردد و بدان سو متمایل شود. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام به عنوان ثمره مجاهدت‌ها و تلاش‌های همه انبیای الهی و اجد مولفه‌ها و مشخصاتی است که فطرت انسانی آن را می‌پذیرد و تشنه آرمان‌ها و اهداف چنین حکومتی است.

۱. به طور مثال رجوع کنید: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹، [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)  
۲. ر.ک: مجموعه کتاب‌های سه کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سال‌های ۸۹ تا ۹۲.

## بیان مسئله

ارائه تصویر آینده انسان و جهان از منظر اسلامی، در گرو توجه به ویژگی‌های جامعه‌ای است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با قیام خود برپا خواهد کرد. سیمای عصر ظهور ما را به فهم تصویری واقعی و البته آرمانی از آینده رهنمون می‌کند. انسان و اجتماعات بشری در عصر حاضر دارای مسائل بیشماری است که تنوع و چندگانگی آن مسائل به تنوع ابعاد وجود انسان و حیات او بستگی دارد. این مسائل از موضوعات بلند ماورای طبیعت آغاز شده و تا مسائل ملموس اقتصاد، سیاست و تربیت و جامعه ادامه یافته است. مسائلی که بشر نتوانسته چاره‌ای برای آن بیابد.

جامعه مهدوی، الگوی بصیرت بخشی است که بشر را به هدف آفرینش و فلسفه خلقت متوجه کرده و او را به سوی غایت خویش رهنمون می‌کند. فکر در باب جامعه مهدوی و تصور آن دوران، انسان را به وضع کنونی و امیدوار برای بهبود وضعیت فعلی معترض نگه می‌دارد و برای فرد و تکامل برای فرهنگ جامعه تعادل روحی و روانی ایجاد خواهد کرد. انسانی که وضع خوب را تصور و بعد تخیل نکند؛ تعادل روانی خود را از دست می‌دهد.

ضرورت دیگر پرداخت به جامعه مهدوی از این منظر است که جامعه منتظر و زمینه ساز باید در مقام جهت‌گیری کلان برای رشد جامعه فعلی خود، نقطه آخرین، یعنی جامعه مهدوی را ترسیم و تصویر و بعد وضع فعلی خود را بر اساس آن تحلیل کنیم. جامعه سازی به الگویی نیاز دارد و آن الگو در نگاه ما به آینده متعلق است و در گذشته یافت نمی‌شود. بنابراین، با ریز شدن در جزئیات درباب جامعه مهدوی باید به سمت الگوگیری از آن جامعه الهی باشیم. با ذکر این توضیحات در جمع‌بندی باید گفت احصای کامل و منسجم مولفه‌های جامعه عصر ظهور برای ارائه الگو جهت کمک به تدوین الگوی اسلامی پیشرفت، موضوع تحقیق حاضر می‌باشد.

## مبانی نظری پرداخت به جامعه عصر ظهور

قبل از ورود مستقیم به توضیح ابعاد و مولفه‌های مدل لازم است توضیحاتی اجمالی حول مبانی نظری تحقیق در این حوزه بیان کنیم:

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه برای اجرای رسالتی بزرگ و عالم‌گیر و پر ژرفایی ذخیره گشته است و



حقیقت و عظمت برنامه‌های او جز پس از ظهور آشکار نخواهد شد؛ لیکن می‌توان از خطوط کلی حرکت و قیام ایشان بر اساس روایات اسلامی سخن گفت. نیز از آن‌جا که مبانی جامعه مهدوی در عقل و نقل ریشه دارد، تصویری بر اساس منابع دیگر دینی، به خصوص قرآن کریم از چنین جامعه‌ای امکان پذیر است.

بخش عظیمی از روایات، به قبل از برپایی جامعه مهدوی مربوط است و لذا روایات کم‌تری از ویژگی‌های عصر ظهور داریم. با این حال، تصویری که قرآن و روایات از آن جامعه عصر ظهور برای ما نشان می‌دهد، می‌تواند محمل خوبی برای ورود در عرصه تصویرپردازی الهی باشد. موعود شیعه هم شخصیت است و هم وضعیت؛ بدین معنا که ما بر اساس متون دینی تنها در انتظار یک شخصیت به سر نمی‌بریم؛ بلکه باید در جست‌وجوی نوعی وضعیت نیز باشیم (بابائی، ۱۳۸۷: ۱۹۷). بدون آگاهی از آن وضعیت، پرسش از چیستی و چگونگی انتظاری که به سر می‌بریم، بی پاسخ می‌ماند.

روایات مربوط به در این موضوع از دو جنبه حائز اهمیت است:

۱- این روایت به طور قطعی از تحقق آرمان‌های مهم دینی و انسانی همچون توحید، عدالت و بسط اخلاق و معرفت خبر می‌دهند.

۲- تحقق هریک از این آرمان‌ها لوازم، مقدمات و آثاری به همراه دارد که تأمل در آن‌ها ما را به سوی ویژگی و مشخصه‌های دیگر از جامعه مهدوی راهنمایی می‌کند (همان: ۲۱۱). این ویژگی‌ها از طرفی برای نقد و بررسی وضعیت فعلی جامعه ما معیارهای لازم را فراهم می‌کند و از طرف دیگر به عنوان الگویی الهام بخش می‌تواند در جهت‌گیری و سیاست‌گذاری یک جامعه دخیل باشد.

در باب چگونگی پرداخت به این جامعه نکته‌ای ضروری است و آن این‌که روایات مربوط به جامعه مهدوی دارای محدودیت است؛ بدین معنا که تمام ابعاد آن بیان نشده است؛ اما می‌توان جامعه مهدوی را جامعه‌ای که دانست که در تعالیم و حیانی ریشه دارد.

نکته دیگر آن‌که شناخت عصر ظهور نسبی است (مجتهدی، ۱۳۸۵: ۲۲). کسی که خود در غیبت زاده شده و در آن به سر برده است، چگونه می‌تواند روزگار پرشکوه ظهور را آن گونه که

واقع می‌شود، ترسیم کند؟

امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

شناخت آن روزگار، آن گونه که خواهد بود برای شما ممکن نیست تا این که آن دوران را ببینید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲: ۳۶۶).

این توضیحات از آن نظر لازم است که اگرچه در این تحقیق به اقوالی در وصف جامعه عصر ظهور اشاره شده است که مورد قبول اکثر علما و دارای اسناد معتبر می‌باشد؛ عصر ظهور، عصر بروز تحولات گوناگون در تمام ابعاد هستی است و شناخت آن برای کسانی که رایحه‌ای از آن فضا را استشمام نکرده‌اند، دشوار است.

با این اوصاف در این پژوهش با استفاده از روش استدلالی-استنتاجی و با بررسی اسنادی-کتابخانه‌ای مدلی طراحی گردیده است که از نظر انسجام و کامل بودن مولفه‌ها منحصر به فرد می‌باشد.

#### ۴. درآمدی بر الگوی اسلامی پیشرفت با الهام از ویژگی‌های عصر ظهور

تاکنون از ابعاد مختلفی برای جامعه عصر ظهور ویژگی‌های مختلفی ذکر شده است. اما هدف تحقیق حاضر ارائه فهرست جدیدی از این ویژگی‌ها نمی‌باشد؛ بلکه در قالب یک مدل منسجم و همه جانبه سعی شده است تا راهبردهایی کاربردی برای ایجاد الگویی اسلامی از پیشرفت با توجه به ویژگی‌های عصر ظهور طراحی و تبیین شود.

آنچه تحقیق حاضر را منحصر به فرد و متمایز می‌کند همین ایجاد ارتباطی معنادار بین ابعاد مختلف و مؤلفه‌های مذکور می‌باشد. لذا این مدل از سه بخش اساسی تشکیل شده است: اصول نظری (پیش فرض‌ها)، راهبرد کلان و مؤلفه‌های اساسی. در ادامه به تبیین ابعاد مختلف این سه بخش اساسی می‌پردازیم و در نهایت شکل کامل مدل را ارائه خواهیم کرد:

#### ۴-۱. اصول نظری

این مدل دارای چارچوب نظری خاصی است. به عبارت دیگر، مدل حاضر در فضای نظری خاصی بیان شده است که اگر این فضا درست فهم نشود، فهم کل مدل نیز ممکن نخواهد بود.

چارچوب نظری یا همان پیش فرض‌ها، مانند روحی بر تمام مدل اثرگذار است و به نوعی در مدل، هر کدام از آن‌ها به طور مجزا بر تمام مدل سایه نظری افکنده است. چارچوب نظری، دارای سه اصل اساسی است که سایر اجزای مدل در آن‌ها ریشه دارد که به عنوان پایه‌ی مدل و پیش فرض‌های نظری استخراج مولفه‌ها می‌باشند:

#### ۴-۱-۱. اصل اول ظهور؛ سرآغاز فرایند تکامل نهایی

تصویر ما از جامعه مهدوی نباید به شکل نقطه‌ای باشد؛ بدین شکل که جامعه مهدوی را نقطه پایانی و غایی بشر انگاریم که از آن‌جا به بعد سکون و توقف حکفرما باشد و یا دوران آغاز احساس ملامت و یکنواختی و سردی بپنداریم. چنین تصویری خلاف آن جامعه الهی است.

جامعه مهدوی آغاز حرکت اصلی انسان است، نه پایان کار، و این خُسن مهم آرمان‌های اسلامی است. به تعبیر شهید مطهری، در هر مکتبی وقتی آرمانش محقق شود، دیگر کار آن مکتب تمام می‌شود و می‌میرد؛ اما انسانی که نبردهای با باطل را به اتمام رسانده، هنوز اصل «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» جلو چشمش خودنمایی می‌کند. او که نقص‌ها را برطرف کرده، تازه در ابتدای سیر صعودی خود است که باید بالا رود و این سیر، منتها و نهایت ندارد و هرچه بالا رود، در دستگاه هستی برای او امکان بالاتر رفتن هست و شاید فلسفه رشد فوق‌العاده علمی و معنوی مردم در عصر ظهور همین نکته باشد (سوزنچی، ۱۳۸۳: ۷۰).

جامعه مهدوی نقطه آغازی برای حرکت بشر بوده و مسیر تعالی و رشد حقیقی در آن دوران تازه نمایان شده و آرمان‌ها و نیازهای بشر ارتقا می‌یابد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

ما مکرر عرض کردیم که همه حرکتی که بشر در سایه‌ی تعالیم انبیا علیهم‌السلام در طول این قرون متمادیه انجام دادند، حرکت به سمت جاده اسفالتنه عریضی است که در دوران حضرت مهدی علیه‌السلام به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جاده حرکت خواهد کرد. مثل این که یک جماعتی از انسان‌ها در کوه و کمر و راه‌های دشوار و باتلاق‌زارها و خارستان‌ها با راهنمایی‌های کسانی همین طور حرکت دارند می‌کنند تا خودشان را به آن جاده اصلی برسانند. وقتی به جاده اصلی رسیدند، راه باز است؛ صراط مستقیم روشن است؛ حرکت در آن آسان

است؛ راحت در آن راه حرکت می‌کنند. وقتی به جاده اصلی رسیدند، این‌جور نیست که حرکت متوقف بشود؛ نه، تازه حرکت به سمت اهداف والای الهی شروع می‌شود؛ چون ظرفیت بشر یک ظرفیت تمام‌نشده است. در طول این قرون متمادی، بشر از کج‌راهه‌ها، بیراهه‌ها، راه‌های دشوار، سخت، با برخورد با موانع گوناگون، با بدن رنجور و پای مجروح شده و زخم‌آلود، در بین این راه‌ها حرکت کرده است تا خودش را به این جاده اصلی برساند. این جاده اصلی همان جاده زمان ظهور است؛ همان دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشر به یک معنا از آن‌جا شروع می‌شود. (دیدار با استادان و دانش‌پژوهان حوزه مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸)

ذکر این نکته نیز مهم است که وقتی از جامعه مهدوی به عنوان جامعه اخلاق و عدالت و برپایی قانون الهی سخن می‌گوییم، منظور آن نیست که همه یک شکل و یک نوع و یک اندازه اند و تفاوت و تنوعی نیست. دولت او، دولت عاشقی و عدل جهانی است و درعین حال حکومت کلیشه‌ها نیست؛ شهر مهدوی شهر کلیشه‌ها نیست؛ شهر آدمک‌های چوبی، هم‌شکل و هم سلیقه نیست (رحیم‌پور، ۱۳۸۸: ۴۸).

#### ۴-۱-۲. اصل دوم واقعی بودن آرمان جامعه مهدوی

جامعه آرمانی در منظر شیعه، در عین حال که دارای افقی ورای وضع کنونی بشر است، آرمان‌گرایی به معنای خیال بافی نیست. از دل واقع بینی به افق آرمانی بشر می‌نگرد و در جست‌وجوی آن بر می‌آید.

نکته مهمی در آموزه‌های اسلام هست و آن این‌که تمام آرمان‌هایی که در اسلام مطرح شده، واقعی و عینی و دست‌یافتنی هستند. مکاتب جدیدی که چند قرن اخیر در جهان غرب پیدا شده و آرمان‌هایی را مطرح کرده‌اند، به طور عمده معترف بوده‌اند که آرمان آن‌ها از نوع ایده‌آل است و توصیه آن‌ها برای رسیدن به آن آرمان، صرفاً توصیه روشی است؛ یعنی بکوشید حتی‌الامکان به آن سمت و سو بروید؛ هر چند معلوم است که آن آرمان، سرانجام، دست‌نیافتنی است. در واقع مدینه‌های فاضله آن‌ها، اتویایی نبوده که واژه ایده‌آل ترجمه دقیقی از آرمان آن‌ها است؛ اما آرمان‌های اسلامی، صرفاً ایده‌آل و غیر عینی نیست. اسلام، انسان را تا حدّ خلیفه

اللہی می‌خواهد و قبل از هر چیز نمونه آن را (پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علیؑ) به جامعه بشری عرضه می‌کند تا بدانند این آرمان، به وسیله انسان‌ها دست یافتنی است. به همین ترتیب، اگر از ما می‌خواهد جامعه‌ای با عدالت کامل در دنیا برقرار کنیم، تحقق آن را نیز امری واقعی می‌داند، نه صرفاً همچون آرمانی دست نیافتنی (سوزنجی، ۱۳۸۳: ۶۸).

#### ۴-۱-۳. اصل سوم نوع شناسی تحولات جامعه مهدوی (نشئه‌ای بودن تحولات)

درباره عصر ظهور، به روایاتی برمی‌خوریم که در آن از پدیده‌های عجیب و غیر قابل شناخت چون طلوع خورشید از مغرب، طولانی شدن روزها، دیده شدن برادر مومن در مشرق توسط برادر مومن در مغرب و... خبر داده شده است. برخی این‌گونه تعبیرات در روایات را مجاز از تکنولوژی معاصر دانسته و برخی این پدیده‌ها را معجزه‌های از جانب امام عصرؑ تلقی می‌کنند. در این میان علامه طباطبایی کلامی دارند که علاوه بر این که پاسخ‌گوی این پرسش است، می‌تواند برای تأمل در جامعه مهدوی از این منظر راهنما باشد. ایشان در ذیل آیات ۲۱۰-۲۱۲ سوره بقره در این باب آورده‌اند:

در بسیاری از روایات ذیل برخی از آیات به این مسئله برمی‌خوریم که ائمه معصومین علیهم‌السلام در تفسیر مقطعی گاه آن را به قیامت، گاه به رجعت، گاه به ظهور مهدی آل محمد ﷺ تفسیر کرده‌اند و این تفسیر می‌رساند که یک نحو سنخیت و مناسبتی بین این سه روز موجود است. لذا ظهور و رجعت و قیامت، سه مرتبه از یک حقیقت واحد است که دارای شدت و ضعف است و هرچه به سمت قیامت حرکت می‌کنیم، نشئات تجلی حق کامل‌تر است. روز ظهور مهدی ﷺ همچون رجعت و قیامت، روزی است که حق جلوه‌گر می‌شود، هرچند ظهورش از ظهور رجعت و قیامت ضعیف‌تر است. از اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده که ایام الله سه روز است: روز ظهور، روز رجعت و روز قیامت (طباطبایی، ۱۳۴۶، ج ۳: ۱۵۳ و ۱۵۴).

در نگاه علامه طباطبایی، «ظهور» سرمنشأ تحولات بنیادین در جوهر هستی است و به عنوان مرتبه‌ای از مراتب عالم به سوی کمال معنادار است. بنابراین، داشتن انتظار تحولات اساسی و گسترده در ساحت عالم، انتظاری بی‌جا نبوده و با ویژگی‌های آن عالم متناسب است. قابل ذکر است که این نوع نگاه نوآوری علامه طباطبایی و نگاه خاص ایشان است.

#### ۴-۲. راهبرد کلان زمینه‌سازی

آنچه به عنوان راهبرد کلان در این مدل ارائه می‌شود «راهبرد کلان زمینه‌سازی» است. بدین معنی که باید از وضع فعلی حرکت کرد و با الگویی مدون که می‌تواند همان الگوی اسلامی پیشرفت باشد، به سمت جامعه مهدوی پیش رفت. این یک ضرورت است. آنچه شفيعی سروسناتی آن را «استراتژی انتظار» نامیده است (۱۳۸۴). جایگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دقیقاً همین جاست؛ یعنی الگویی جهت تحقق راهبرد کلان زمینه‌سازی.

حال برای این زمینه‌سازی چه باید کرد؟ راهبردهای کاربردی بخش سوم مدلی که در ادامه می‌آید؛ پاسخ به این سوال است. راهبرد کلان جامعه منتظر در دوران غیبت، جهت تعالی مبتنی بر تعریف اسلامی آن، راهبرد زمینه‌سازی است. زمینه‌سازی صرفاً مقوله‌ای فردی ناظر به یک فرد یا شخص منتظر نیست؛ بلکه در ساحت اجتماعی نیز جلوه‌های خاص خود را دارد و تمام عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در جامعه دربرمی‌گیرد. براساس چنین راهبردی، دولت زمینه‌ساز نیز قابل تعریف و تحلیل است. آنچه بیش از پیش تأثیر راهبرد زمینه‌سازی را بر پیشرفت کشور دوچندان می‌کند، آن است که نفوذ و گستره تأثیرگذاری این راهبرد در جامعه بی‌بدیل است؛ چرا که از طرفی بر آمادگی‌های فردی یک فرد منتظر از منظر اسلامی تأکید دارد و از سوی دیگر گستره آن تمام ساحت‌های اجتماعی را درمی‌نوردد.

#### ۴-۳. راهبردهای کاربردی پیشرفت با الهام از جامعه عصر ظهور

در نظام مهدوی، پیشرفت بر خلاف مدل‌های رایج سطحی، تک بعدی یا منحصر به رفاه دنیایی نیست، بلکه راه و سیاستی است که با احکام و قوانین الهی آمیخته است و با محوریت مدیریت الهی صورت می‌گیرد. ظهور نقطه عطف تاریخ و روز ثمر دادن جامعه بشری است. بشر که تشنه آرمان‌های چنین رخدادی بوده است؛ در سرور به سر برده و ابتهاج معنوی وجود او را فرا می‌گیرد. تحولات و انقلاب‌های درونی و بیرونی در ساحت فردی و اجتماعی انسان، از علم و آگاهی و عقلانیت تا عدالت و آبادانی گسترده و تا معنویت و رشد انسان را در بر می‌گیرد. در این مدل چهار راهبرد کاربردی از ویژگی‌های جامعه مهدوی احصا شده است..

#### ۴-۳-۱. رشد عقلانیت و آگاهی عمومی

در عصر ظهور، عقل آدمیان چون گنجی نهفته آشکار گشته و شکوفه می‌دهد. انسان از جهت عقلانیت رشد کرده و عقول مردم زیاد می‌گردد. رشد در عقلانیت، هم شامل عقلانیت ابزاری و عقل معاش آدمیان می‌شود و هم شامل عقلانیت ارزش و عقل معاد انسان. عصر ظهور، عصر گستردگی حوزه عقلانیت و علم در تمام سطوح آن است. مهم‌ترین ره آورد عصر ظهور به یک معنا «کمال عقل آدمی» است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

آنگاه که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان خواهد گذاشت، عقل‌های آن‌ها را جمع و تفکرشان را کامل خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۳۶).

#### ۴-۳-۲. فهم پذیرش ولایت ولی‌الله (انسان کامل)

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های آن دوران، ظهور حاکمیت ولایت الهی بر روی زمین است. آثار این ولایت عبارتند از: تحقق عدالت، امنیت و حتی تحقق رفاه عمومی. بنابراین، دورنمای جامعه مهدوی در معارف اسلامی این است که در آن جامعه اولاً، معنویت جزء ارکان اساسی جامعه است و اصولاً جامعه مهدوی بر محور عبودیت و بندگی خدای متعال شکل گرفته است و ثانیاً، در پرتو این معنویت و عبودیت در جامعه، عدالت و رفاه محقق می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های عصر ظهور، تجلی ولایت ولی‌الله است؛ زیرا اساساً چیزی در عرض ولایت ولی خدا بر روی زمین وجود ندارد. بنابراین، وقتی ولایت او محقق می‌شود؛ نفوس بشری آن ولایت را می‌پذیرند و مناسبات اجتماعی بر محور آن ولایت شکل می‌گیرد، طبیعی است معنویت، عدالت، رفاه و امنیت در قالب‌های خاصی که با همان جریان نور متناسب هستند، محقق می‌شود؛ زیرا شکل‌گیری همه مناسبات بشری، بر محور تقواست؛ نه بر محور هوا و به تعبیر دیگر بر محور ولایت ولی‌الله است و نه بر محور اولیای طاغوت. در جامعه مهدوی، عدالت با عبودیت و ولایت الهی متناسب است. به تعبیر دیگر، هرگاه مناسبات ولایت خدای متعال در جامعه‌ای اجباری شد و همه روابط اجتماعی متناسب با بندگی خدای متعال شکل گرفت، جامعه مهدوی

تحقق یافته است.

### از بین رفتن موانع بیرونی هدایت (از بین رفتن ظلم و ظالمان)

تاریخ نشان می‌دهد یکی از علل رویارویی افراد در برابر حقیقت، به استغضاف کشیدن فکری و اقتصادی مردم توسط مستکبران بوده است. یکی از راهبردهای عملیاتی در بسط هدایت عامه، از بین رفتن این موانع بیرونی است. به عبارتی استکبارستیزی، برخلاف تصویری که گاه رواج می‌گردد، در جوهر معارف مهدوی قرار دارد. مهدی عجل الله تعالی فرجه برای تحقق حاکمیت الله، با حاکمیت طاغوت و شیطان که تجلی آفاقی آن مستکبران و ظالمان است، مبارزه می‌کند و آن‌ها را در مجموعه مبارزات ابتدایی قیام خود از میان برمی‌دارد.

ظلم و ظالمان در جامعه، گاه بی‌دینی و و رویارویی با حقیقت را به عنوان یک علت مُعده موجب شده‌اند و به عنوان یک مانع بیرونی پیشروی هادیان و مصلحان اجتماعی بوده است. در الگوی پیشرفت اسلامی، نیز باید این تقابل به شکل پرنرنگی دیده شود و هویت و شاکله انقلاب اسلامی در چالش با مستکبران جهان تبیین و تعریف گردد.

بر اساس اعتقادات شیعیان، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه هیچ کس را به اجبار شیعه نمی‌کنند. بلکه ایشان موانع بیرونی هدایت را از بین می‌برند. این راهبرد در ایجاد عدل بسیار خودنمایی می‌کند. برای مثال ایشان به جنگ سفیانی می‌روند، او که مانع هدایت است.

### ۴-۳-۴ احیای دین

یکی از مهم‌ترین رویدادهایی در عصر ظهور، ترسیم چهره‌ای نو از دین اسلام است. چهره دین اسلام در عصر ظهور، درخشان، خالص، بی‌پیرایه، به دور از هر گونه جعل و تحریف و خرافه و بر اصل و حقیقت این دین شریف منطبق است؛ لکن بر اثر گذشت تاریخ و وارد شدن انواع پیرایه‌ها و انحراف‌ها در دین، وقتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه به اصلاح و احیای دین اقدام می‌کند، مردمی در آن عصر گمان کنند که او امر جدیدی (دین جدیدی) آورده و بر اساس آیات قرآن به مقابله با او می‌پردازند. اینان برداشت غلط خود را از دین، برداشت منطبق با اصل حقیقت تلقی می‌کنند. این انحراف از دین تا قبل از دوران ظهور تا حدی است که در روایات فراوانی آمده که مهدی عجل الله تعالی فرجه آورنده کتاب و سنت جدید و یک امر جدید است.



امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه در باب احیای دین به دست امام عصر علیه السلام این چنین می‌فرماید:

هنگامی که دیگران هوای نفس را بر هدایت مقدم بدارند، او امیال نفسانی را به هدایت بر می‌گرداند و هنگامی که دیگران قرآن را بارأی خود تفسیر کنند، او آرا و افکار را به قرآن بازمی‌گرداند. او به مردم نشان خواهد داد که چه نیکو می‌توان به عدالت رفتار کرد. او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را زنده می‌سازد. بنابراین مراد تعبیری چون تعبیر امام باقر علیه السلام که می‌فرماید: «هنگامی که قائم ظهور کند، شیوه‌های نو و کتاب جدید و روش‌های تازه می‌آورد و در قضاوت روش جدیدی دارد» (نعمانی، ۱۳۷۶: ۸۵)؛ آن خواهد بود که او احیاگر دین خاتم انبیای الهی است. او به سان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که جاهلیت را ویران ساخت؛ یک بار دیگر بر جاهلیت غلبه خواهد یافت.

#### مولفه‌های جامعه عصر ظهور

#### ۴-۴-۱ عدالت

«عدالت» آرمان همه انبیای الهی و غایت همه مصلحین اجتماعی در طول تاریخ بوده است. برجسته‌ترین خط و وصفی که چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی از جامعه مهدوی شده است؛ آن که عدالت در جامعه مهدوی برپا خواهد شد. بشارت به موعود برای انسان‌ها همیشه مقرون به این پیام و نوید بوده است که او برپاکننده عدالتی گسترده در جهان خواهد بود. مقام معظم رهبری در این باب می‌فرماید:

شما وقتی در همه روایات که راجع به آن بزرگوار و راجع به آن دوران آمده نگاه می‌کنید؛ می‌بینید اغلب تکیه بر روی این نیست که مردم در آن دوران دیندار می‌شوند - با این که دیندار هم می‌شوند - بلکه تکیه بر روی این است که مردم در آن وقت برخوردار از عدالت می‌شوند و قسط و عدل اقامه می‌شود؛ این مطلب در دعاها و زیارت‌های آن بزرگوار و روایات هست؛ یعنی نقطه برجسته در آن آینده پر از نوید، عبارت است از: عدالت؛ بشر تشنه عدالت است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای دولت، ۱۳۸۶/۶/۴).

در روایات ما نیز همان طور که اشاره شد، دعوت به توحید و مبارزه با شرک و کفر اعتقادی به اندازه ایجاد عدالت و اجرای آن مورد تأکید قرار نگرفته است و آن ریشه در نیاز بشریت در دوران به عدالت و تشنگی او به این گفتمان است (حکیمی، ۱۳۸۱: ۷۸۰).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مهدی موعود را این چنین به امت خویش بشارت داد:

بشارت باد شما را به مهدی،! بشارت باید شما را به مهدی! بشارت باد شما را به مهدی! او خروج می‌کند، در حالی که اختلاف و زلزله شدید مردم را فرا گرفته است. او زمین را از قسط و عدالت پرمی‌کند، همان گونه که از ظلم و جور انباشته شده بود. قلوب بندگان خدا را سرشار از حالت عبادت و بندگی می‌کند و عدالت او همه آنان را در بر می‌گیرد (طوسی، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

عدالت مهدوی دارای گستره‌ای به ابعاد همه ساحات وجود انسان، اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امنیت و ژرفایی ورای امور سطحی و ظاهری است. این گستره و ژرفا چیزی است که در لسان روایات قابل رویت است. بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام، اولین جلوه عدالت او چنین است:

اولین عدالتی که قائم ظاهر می‌سازد، این است که ندا می‌دهد: افرادی که حج مستحبی انجام می‌دهند، حجرالاسود و محل طواف خانه خدا را در اختیار کسانی که حج بر آن‌ها واجب است قرار دهند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۷۴).

نفوذ عدالت او در اعماق جامعه تا آن جا است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مهدی، عدالت را همچنان که سرما و گرما وارد خانه می‌شود، وارد خانه‌های مردمان کند و دادگری او همه جا را فرا بگیرد (همان: ۳۶۲).

او به حقوق انسانی و عدالت در رفتار اجتماعی توصیه کرده و در این مسیر اقدام می‌کند. از

حضرت علی علیه السلام چنین نقل است:

"برده‌ای نمی‌ماند، مگر این که [امام مهدی علیه السلام] او را می‌خرد و آزاد می‌کند. و بدهکاری نمی‌ماند جز این که بدهی او پرداخت می‌شود. مظلومه و حقی بر گردن کسی نمی‌ماند، جز این که به صاحب حق بازگردانده می‌شود. کسی کشته نمی‌شود، مگر این که دیه او را می‌پردازد [او خون بهای کشتگان انقلاب جهانی خود را نیز می‌پردازد و حقوق آن‌ها را تزیع نمی‌کند] و... (همان: ۲۲۴ و ۲۲۵).

او این روند ظالمانه را در جهان بر هم خواهد زد و بر اساس برنامه‌های الهی عدالت را در تمام ابعاد در سرتاسر جهان گسترش خواهد داد. برخی از این برنامه‌های جزیی در روایات اشاره شده که حکایت از چگونگی شیوه امام در بر هم زدن این روابط ظالمانه دارد. یکی از آن‌ها روایتی است از امام باقر علیه السلام:

[ هنگامی که قائم قیام کند] راه‌های بزرگ و اصلی را توسعه می‌دهد... و تمام مساجدی که به گونه‌ای مانع ایجاد راه است، خراب می‌کند، و همه دریچه‌ها و پنجره‌هایی که به راه‌ها گشوده شده، یا بالکن‌ها و ناودان‌ها و فاضلاب‌هایی که [در راه‌های عمومی] قرار گرفته است، می‌بندد (همان: ۳۳۳).

اما نکته مهم آن است که مکانیزم برقراری چنین عدالتی در جامعه مهدوی چیست؟ قرآن کریم که از عدالت به عنوان هدف بعثت انبیا یاد کرده، به شکل لطیفی به این پرسش هم پاسخ داده است؛ چنان که در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛  
همانا پیامبران را با نشانه‌های آشکار برانگیختیم و با آنان کتاب و میزان فرستادیم تا مردمان به قسط و دادگری برخیزند.

در این آیه هدف انبیا این دانسته شده است که مردمان خود قائم به قسط و عدل شوند نه اینکه آن‌ها عدالت در جامعه از طریق حکومت آن‌ها تحقق یابد. جامعه عادل هدف بوده است، نه عدالت در جامعه.

بنابراین، امام مهدی علیه السلام از طریق تحولات انفسی در جان انسان‌ها که در ادامه به چگونگی این تحول اشاره خواهیم کرد، آنان را بستر ساز حکومت جهانی عدل محور قرار می‌دهد. مردم در جامعه مهدوی در ذیل ولایت ولی‌الاهی به ساز و کارهای عادلانه فردی و اجتماعی از عدالت نایل می‌شوند. بنابراین، ریشه خود این عدالت گستری در جامعه مهدوی بر اثر تحولات انسان‌هاست و شاید یکی از رموز پرداخت به عدالت به این اندازه در ماجرای مهدویت همین نکته باشد که اساسا تحقق چنین عدالتی در گرو تحولات بنیادین در روحيات و انگیزه‌ها و نگرش‌های آدمی است. در بسیاری از روایات هر جا سخن از عدالت مهدوی می‌شود، از تغییرات روحی در جان آدمیان بر اثر ولایت الهی امام مهدی علیه السلام سخن گفته می‌-

شود؛ چنان که رسول خدا ﷺ فرمودند:

خداوند به وسیله مهدی ﷺ از امت رفع گرفتاری می‌کند. دل‌های بندگان را با اطاعت و عبادت پر می‌کند و عدالتش همه را فرا می‌گیرد (همان، ج ۵: ۷۵).

در روایت مشهور دیگری نیز فرمودند:

مهدی ﷺ قلوب امت محمد ﷺ را از غنا پر می‌کند و عدالت را گسترده می‌سازد (همان: ۹۲).

غنا ی روحی و حالت بندگی و خضوع نسبت به حق تبارک و تعالی با برقراری عدالت در جامعه بی ارتباط نبوده، بلکه اساسا بستر و سبب چنین عدالتی در همین تحولات روحی و عقیدتی ریشه دارد.

امام خمینی رحمته الله علیه در معنای چنین عدالتی از جانب امام عصر رحمته الله علیه می‌فرماید:

آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند - که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد - بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت (صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۲۰۸).

عدالت به عنوان رسالت تمام انبیای الهی در جامعه مهدوی در تمام ابعاد انسانیت برقرار خواهد شد؛ از سطحی‌ترین معنای از عدالت مهدوی که عدالت اقتصادی است؛ تا ایجاد عدالت در عقل و روح انسان و برطرف کردن انحرافات فکری و عملی انسان این عدالت است که انسان را به پله‌های بالای رشد و کمال می‌رساند.

#### ۴-۲-۴ رشد معنویت و اخلاق

روتن یافتن طاعت و بندگی حق، زوده شدن کینه‌ها و دشمنی‌ها از قلوب آدمیان، از بین رفتن حرص و طمع و ایجاد روح بی‌نیازی در انسان‌ها، از جمله نمونه‌های ترقی معنوی آدمیان در عصر ظهور است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

زمانی که حضرت مهدی رحمته الله علیه قیام کند، خداوند غنا و بی‌نیازی را در دل بندگان می‌نهد؛ به گونه‌ای که حضرت اعلام می‌کند، هرکس به مال و ثروت نیاز دارد، بیاید؛ ولی برای آن، کسی پیش قدم نمی‌شود (طیسی، ۱۳۸۶: ۲۳۵).

پیام قیام مهدوی رهایی بشر از هواهای نفسانی و رسیدن به معنای واقعی آزادی است. اسیرترین و گرفتارترین انسان‌ها کسانی هستند که اسیر و گرفتار هواهای نفسانی خویش‌اند. پیام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و ارستگی و آزادگی از همه غل و زنجیرهای خودساخته بشری است و در نهایت جامعه مهدوی صحنه بروز این آیه شریفه است که می‌فرماید:

يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛... بار گرانشان را از دوششان برمی‌گیرند و بند و زنجیرشان را می‌گشایند... (اعراف: ۱۵۷).

#### ۴-۴-۳ امنیت در جامعه مهدوی

در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ناامنی بر جهان چیره گشته است؛ یکی از بنیادی‌ترین کارهای حضرت، بازگرداندن «امنیت» به جامعه است. این گستره امنیت برآمده از تحولاتی است که در خوی و عادات مردم به وجود آمده است. درباره گسترش امنیت در روزگار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه گفته شده است: گرسنگی، گوسفند را نمی‌درد و شیر، گاو را از بین نمی‌برد و مار به انسانی آسیب نمی‌رساند و موش انبانی را نمی‌جود. این تغییر و تحول در خوی حیوانات نیز وارد شده و آنان را از در آشتی با یکدیگر قرار می‌دهد.

امنیت در جامعه مهدوی تا آن‌جا پیش می‌رود که در روایت است یک دختر جوان از شرق جهان به غرب جهان بدون هیچ تهدیدی تنهایی سفر می‌کند و خطری او را تهدید نخواهد کرد و کسی مزاحم او نمی‌شود.

#### ۴-۴-۴ رفاه عمومی در جامعه مهدوی

آنچه از روایات در این زمینه استفاده می‌شود، آن است که بر اثر بهبود وضع اقتصادی، فقر از جامعه بشری ریشه کن شده؛ به گونه‌ای که دارندگان زکات برای رساندن آن به نیازمندان به رنج افتاده و هرچه جست‌وجو می‌کنند، کسی را نمی‌یابند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

زمین گنج‌های خود را بیرون ریخته، آشکار می‌کند؛ به گونه‌ای که مردم با چشم خود آن را بر روی زمین می‌بینند و دارندگان زکات سراغ کسانی می‌گردند که نیازمند باشد تا زکاتشان را به آنان بدهند؛ ولی کسی یافت نمی‌شود و مردم به

فضل و بخشش خداوند از دیگران بی نیاز می گردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۳۷).

#### ۴-۴-۵ عمران و آبادانی در جامعه مهدوی

در عصر مهدی عجل الله تعالی فرجه زمین زنده و آباد خواهد شد و شادابی بر همه جوامع بشری حاکم می شود. مهدی عجل الله تعالی فرجه حقیقت شادی را برای جامعه به ارمغان می آورد. دوران حاکمیت او، آغاز یک انقلاب عمرانی گسترده در سطح جهان است. هنگامی به عظمت این آبادانی پی می بریم که میزان ویرانی پیش از ظهور را در نظر بگیریم. جهانی که با انواع آسیبها به طبیعت و عالم به دست انسانها روبرو بوده؛ روی دیگری را مشاهده خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

در زمان حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه در روی زمین هیچ ویرانه ای نمی ماند، مگر آن که آباد می گردد (صدوق، ۱۳۶۳: ۳۳۱).

باران فراوان باریده و خشکسالی ریشه کن می گردد. کشاورزی رونق یافته و زمین هر آنچه برای عرضه دارد ظاهر می سازد. در لسان روایات به این نکته اشاره شده است که طبیعت در عصر ظهور گنجینه ها و ذخایر نهفته در خود را بیرون ریخته و سخاوتمندانه برای انسانها عرضه می دارد.

از حضرت علی علیه السلام چنین نقل است:

زمین آنچه را در اعماق خویش دارد، برای وی بیرون دهد و همه امکانات و برکات خویش را در اختیار او گذارد... (نهج البلاغه: ۴۲۵).

رسول گرامی صلى الله عليه وآله وسلم از زندگی در آن دوران به خوشی یاد می کنند و می فرمایند:

امت من در دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه به نعمتهایی می رسند که هرگز مانندش دیده نشده و هیچ مومن یا کافری به چنان نعمتی نرسیده است. آسمان بارانش را پی در پی می فرستد و زمین نیز چیزی از گیاهان را در خود نگه نمی دارد؛ بلکه آن را بیرون می فرستد. (طوسی، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

بنابراین پدید آوردن رفاه برای کل جامعه بشری از اقدامات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است که خود بر

اثر تحولات انفسی در جان آدمیان و به تبع تحولات در طبیعت حاصل می‌شود

#### ۴-۴-۶ تکامل علوم

از طرف دیگر شاهد شکوفایی دانش و صنعت در عصر ظهور هستیم. از امام صادق علیه السلام در این باب چنین نقل شده است:

علم ۲۷ حرف است و همه آنچه پیامبران آوردند و برای مردم آشکار ساختند، تنها دو حرف آن بوده است و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناختند. هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌کند و در بین مردم نشر و گسترش می‌دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و مجموع بیست و هفت حرف را میان مردم منتشر می‌سازد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۳۲۶).

علم و دانش در عصر ظهور پیشرفتی خیره کننده می‌کند و دانایی و علم و حکمت، مرزی را نشناخته و به تمام قشرهای جامعه تسری می‌کند. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

در زمان حکومت مهدی علیه السلام، به همه مردم حکمت و علم بیاموزند، تا آنجا که زنان در خانه ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند (نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۳۹).

گسترش دانش و شناخت اسرار کاینات و عالم وجود، بشر را به سمت فهم بالاتر توحید و یگانگی خداوند در عالم هستی می‌کشاند.

#### مدل اسلامی پیشرفت با الهام از ویژگی‌های عصر ظهور

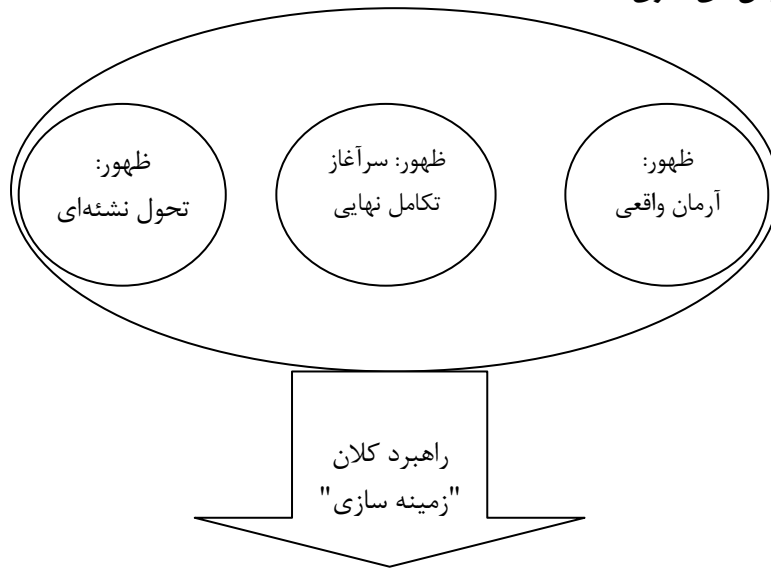
تا این‌جا بخش‌های مختلف مدل اسلامی پیشرفت تبیین و توضیح داده شد؛ اما چیزی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، روابط بین این اجزا است. در مدل ترسیمی زیر این روابط نشان داده شده است: الف) راهبرد کلان زمینه‌سازی، در چارچوب نظری و پیش فرض‌های مدل ریشه دارد؛ از جمله این‌که ظهور، آرمانی واقعی است، ظهور سرآغازی دیگر بر فرایند تکامل نهایی بشر است و نیز ظهور نشئه‌ای از نشئات تحول آخرالزمانی است.

ب) برای تحقق راهبرد کلان زمینه سازی ظهور، راهبردهای کاربردی ارائه می‌شود.

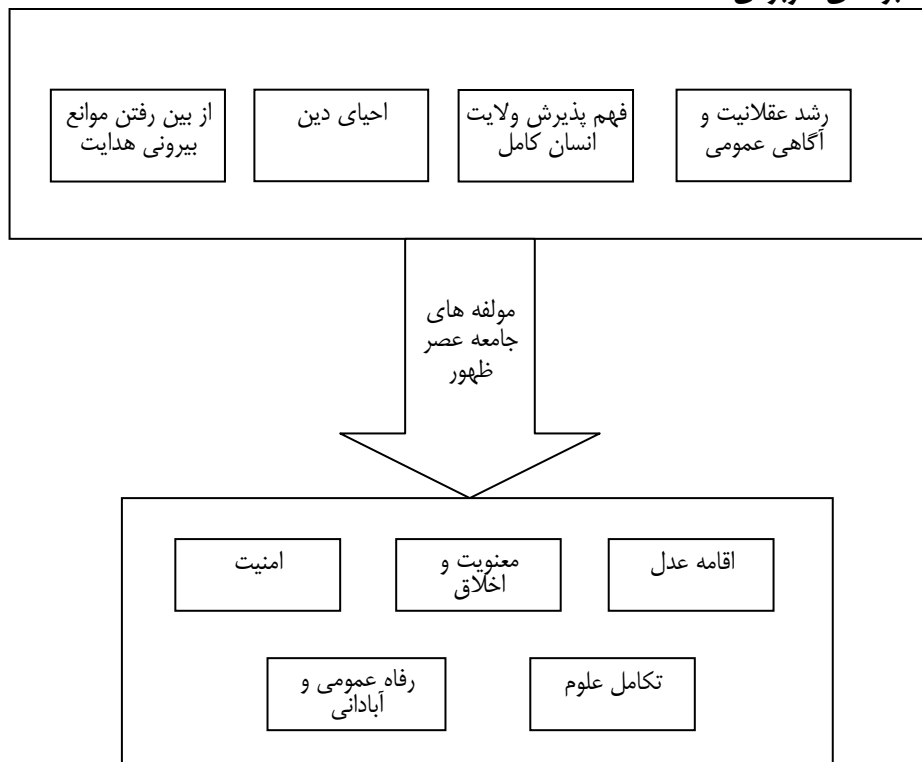
ج) با عملیاتی شدن راهبردهای کاربردی، بستر برای تحقق مولفه‌های جامعه مهدوی فراهم

می‌شود.

## پیش فرض های نظری



## راهبردهای کاربردی





## نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن طرح بحثی در باب چیستی مقوله الگوی پیشرفت، با تتبع در مجموعه منابع دینی و مطالعات کتابخانه‌ای مربوط به جامعه عصر ظهور، به طراحی الگویی مربوط به عناصر جامعه مهدوی پرداخته و دلالت‌های آن را در موضوع الگوی اسلامی پیشرفت نشان دادیم. براساس این الگو، مولفه‌های طرح شده در زمینه جامعه مهدوی ذیل راهبردهای کاربردی طرح گشته که نقشه عمل طرح می‌باشد و به تناسب توجه نظری به آن‌ها در الگوی اسلامی پیشرفت و تحقق آن در عمل، به جامعه مهدوی نزدیک و به راهبرد کلان که زمینه‌سازی است، نزدیک‌تر شده‌ایم و آن، معلول نگاه‌های ما به ظهور است.

بنابراین، باید به جامعه مهدوی نه صرفاً به عنوان جامعه‌ای آرمانی غیر مرتبط با امروز که باید از معارف مطرح شده در زمینه مولفه‌های این جامعه، به عنوان راهبردهای اصلاحی نگاه کرد که ذیل وظیفه ما به عنوان دولت، حکومت و جامعه زمینه‌ساز است. الگوی اسلامی پیشرفت مبتنی بر راهبرد کلان زمینه‌ساز حکومت جهانی مهدوی، به آرمان‌های جامعه مهدوی، به عنوان آرمان‌های خود می‌نگرد و به تناسب ظرفیت و وسع خود در تلاش برای فراهم کردن شرایطی است که موجبات پیشرفت واقعی را از منظر اسلامی که حاکمیت ولی‌الله و انسان کامل است؛ فراهم آورد.

برخی بر این باورند که در جامعه مهدوی جهشی اتفاق می‌افتد؛ اما عده‌ای می‌گویند باید حرکتی طبیعی به سمت ظهور طی شود. آن چه در تأیید اندیشه معتقدان به حرکت طبیعی به نظر می‌رسد، این است که ظاهراً آن چه در عصر ظهور اتفاق می‌افتد، امری مستند به عوامل ظاهری است؛ یعنی عصر ظهور، پدیده‌ای معجزه‌وار نیست که هیچ قواعد طبیعی در آن مراعات نشود و به نظر نمی‌رسد چنین امری، دفعی اتفاق بیفتد. لذا گرچه ممکن است حرکات معجزه‌آسایی نیز صورت پذیرد؛ جهت‌گیری کلی این حرکات و همه عوامل آن، یک مسیر طبیعی را طی می‌کند. با همین فرض امام خمینی رحمته‌الله علیه با طرح نظریه خود در باب انتظار و اقدام عملی در جهت تشکیل حکومت اسلامی، مبانی زمینه‌سازی و انتظار حقیقی برای ظهور را در انداخت. مبنا و پایه نظری زمینه‌سازی برای ظهور، اعتقاد به مولفه‌های نظریه اختیاری بودن ظهور است. بر این اساس، ما باید به سمت ظهور حرکت کنیم؛ چرا که ظهور رسیدنی است، نه آمدنی. قوم زمینه ساز، قوم و جامعه‌ای است که بر این باور است خود باید شرایط ظهور را فراهم و علل غیبت را برطرف کند. برای زمینه‌سازی ظهور چاره‌ای نداریم جز داشتن تصویری از جامعه‌ای که به دست امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌ه به عنوان جامعه‌ای آرمانی برپا خواهد شد. ارزیابی وضع کنونی خود و یافتن شاخص‌های یک جامعه آرمانی، راه برون رفت از وضع کنونی را به ما نشان می‌دهد.

## منابع

۱. قرآن مجید
- نهج البلاغه
۱. بابایی، احسان (۱۳۸۷). *موعود در نگاه شیعه*، قم، کلمه الحق.
۲. پیغامی، عادل، حسینی، محمد (۱۳۹۱). *روش‌شناسی الگوهای اسلامی-ایرانی*، تهران، مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. حکیمی، محمد (۱۳۸۱). *عصرزندگی*، قم، بوستان کتاب.
۴. خمینی، روح الله (۱۳۷۹). *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۹۲). *مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن*، تحقیق: ندیم مرعشی، بیروت، دارالکلمات العربی.
۶. رحیم پور، حسن (۱۳۸۸). *مهدی علیه السلام ده انقلاب در یک انقلاب*، تهران، طرح فردا.
۷. سوزنجی، حسین (۱۳۸۳). *مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری*، قیسات، سال نهم.
۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۳). *انتظار، بایدها و نبایدها*، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما و موسسه فرهنگی موعود.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *معرفت امام عصر و تکلیف منتظران*، تهران، موعودعصر.
۱۰. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۴). *استراتژی انتظار*، تهران، موعودعصر.
۱۱. شفیعی سروستانی، اسماعیل و همکاران (۱۳۸۴). *دایرة المعارف موعود آخرالزمان*، مأخذشناسی جامع مهدویت، تهران، موعودعصر.
۱۲. صدوق، شیخ محمد بن علی بن الحسین (۱۳۶۳). *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۴۶). *تفسیر المیزان*، ترجمه محمد تقی مصباح یزدی، قم، دارالعلم.
۱۴. طبسی، نجم الدین (۱۳۸۶). *نشانه‌هایی از دولت موعود*، قم، بوستان کتاب.
۱۵. طوسی، شیخ محمد بن حسن (۱۳۸۳). *الغیبه*، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمدناصح، قم، موسسه معارف اسلامی.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مجتهدی سیستانی، سید مرتضی (۱۳۸۵). *دولت کریمه امام زمان علیه السلام*، قم، نشر الماس.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۸۹). *کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*.

۲۰. مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، معاونت هماهنگی و نظارت فرآیندی (۱۳۹۱).  
 "چیستی و مفهوم الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و نقشه راه و فرآیند طراحی، تدوین،  
 تصویب و پالایش الگو".
۲۱. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر (۱۳۷۶). الغیبه، تحقیق: علی  
 اکبر غفاری، تهران، مکتب صدوق.
22. Konow, James, (2003), "**Which is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories**", Journal of Economic Literature, Vol. 41.

#### منابع اینترنتی

۲۳. سایت دفتر مقام معظم رهبری khamenei.ir
۲۴. پیغامی: عادل و همکاران، (۱۳۹۲)، "درس گفتارهای عدالت اجتماعی دکتر پیغامی"، گروه-  
 عدالت پژوهی دانشگاه امام صادق علیه السلام، <http://torabzadeh.blog.ir>
۲۵. شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، جدول بررسی چگونگی گفتمان عدالت و پیشرفت  
 در دهه چهارم انقلاب اسلامی"، (۱۳۹۱)، [www. edalat1398.blogfa.com](http://www.edalat1398.blogfa.com).



## التنمية وترويج الثقافة في عصر الظهور والتوقعات والنتائج منها وتأثيراتها في المجتمع المنتظر

رحيم كاركر<sup>1</sup>

لاشك فإن الإنتشار والتنمية الثقافية وإزدهارها تعمل على إيجاد الشروط والظروف والأرضيات والإمكانات المادية والمعنوية المناسبة للأفراد المجتمع الواحد وذلك من أجل معرفة دورهم ومنزلتهم وزيادة ومضاعفة العلوم والمعارف الإنسانية والأستعداد لتغير والتطور في عملية قبول الأصول الكلية لها.

ومن الطبيعي القول بأن الهدف النهائي والغائي للتنمية والرشد الثقافي يكمن في وصول الإنسان الى قمة التكامل والتعالى في جميع الأبعاد والمناحي وبالطبع فإن واحدة من الأسباب والمناخات اللازمة لتحقيق ذلك التعالى هو وجود التنمية والرشد المادى ومن المؤكد فإنه لايمكن ان يتأتى ذلك الامر والهدف إلا من خلال وجود عوامل مساعدة وسياقات بيولوجية إنسانية ولاشك فقد أخذ ذلك الموضوع حيزاً وإهتماماً واسعاً وكبيراً فى المجتمع الإسلامى المثالى (المجتمع المهدوى الموعود) حيث اعطاه عناية فائقة وخاصة فى المجال الثقافى وتنميته وتطوره وبالتالى إيجاد ثقافة جديدة من شأنها رفع مستوى الفرد بدلاً من الثقافة السابقة المنحطة والفاسدة وتتضمن وتشمل تلك الثقافة جميع الطبقات والمستويات الثقافية (العقيدة، الإيمان، القيم، المعيار، السلوك، العلم، النتاجات والحروف). ويمكن القول إنه لا بد فى وجود مظاهر وتطلعات ودراسات مناسبة لتحقيق التطور والتنمية والرشد الثقافى فى المجتمع المنتظر وعلى هذا الاساس يجب ان تبنى تلك المسألة على محورية المعارف والعلوم والمثل المتعالية والتي تعتمد فى الاصل على التعاليم المهدوية وجرى التعبير والتصريح عنها فى التطلعات ووجهات النظر الوطنية. المصطلحات المحورية: المدينة المهدوية الفاضلة، الثقافة، التنمية الثقافية، المجتمع المنتظر.

١٥٥  
استقرار موعود

سال چهاردهم / شماره ٤٥ / تابستان ١٣٩٣

١. عضو فى الهيئة العلمية لمركز دراسات العلوم والثقافة الإسلامية ومدير قسم الأبحاث المهدوية والمستقبلية .

## علة وضرورة أخذ المثل والقيم من المدينة المهدوية

### الفاضلة ودور ذلك فى تنمية وتطور المجتمع الحاضر

السيد ابو الفضل الموسوى الآقداش<sup>١</sup> روح الله الشاكرى الزواردهى<sup>٢</sup>

لقد كان الإنسان يسعى دوماً من اجل الوصول الى اعلى المستويات والمراتب فى التطور والتكامل ويؤمن فى هذا الطريق بضرورة التأسى بإسوة ونموذج كامل وبرى ذلك واحدة من البديهيّات والمسلمات المتفق عليها. وبما ان هناك نماذج واسوات متعددة قد طُرحت فى المجتمع المعاصر فإنه من الصعوبة بمكان معرفة الأسوة والقُدوة الصحيحة والمناسبة. وايضاً فإن هذه القُدوات الإدعائية لم تستطيع بآى حال من الأحوال وعلى مدى عصور ودهور متواليّة من تأمين الحاجات والمتطلبات المادية والمعنوية التى يحتاجها البشر واصبحت احياناً حجة عثرة فى تطوره وسارت به نحو السير القهقرى. واستطاعت الشيعة الاثني عشرية وحدها ومن خلال إعتمادها على التعاليم المهدوية الرفيعة من رسم معالم مشرقة وحياة كريمة وسعيدة للإنسانية. وهنا لابد من الإشارة الى إنه يحتاج «النموذج الإيرانى الإسلامى المتطور» والذى يشكل العنوان الاساسى فى المظهر الكلى والبارز للنظام فى الجمهورية الإسلامية فى ايران الى تلك القُدوة الأصيلة وجرى فى هذه المقالة رسم بعض ابعاد هذه الرؤية والعقيدة الإلهية وذلك فى إطار وقالب ضرورة الأخذ بالقُدوة والأسوة من المدينة المهدوية الفاضلة وجرى فى هذا المضمار الإشارة الى الأساليب والآليات التى من شأنها حصول التغير والتحول فى مجالات «الدين والثقافة» و «العلم والمعرفة» و «الإقتصاد والإستثمار» و «ترويج العدالة والقضاء» و «الامن والرفاه» و «إيجاد الوحدة والتفاعل معها» وذلك بعد التعريف ببعض الوجوه والآراء التى بإستطاعتها تقديم القُدوة المناسبة. ومن الطبيعى فإن التأسى واخذ القُدوة من المدينة المهدوية الفاضلة يؤدى بالنتيجة اضافة الى السبر صوب التنمية والتطور والتكامل يوطأ وبالتدريج الى تحقق الوعد الإلهى واستقرار وحاكمية الدولة الكريمة وقد تناول هذا المقال والتحقيق وعلى اساس الشواهد الروائية بيان ضرورة وإمكانية أخذ القُدوة والإنموذج من المدينة المهدوية الفاضلة من أجل حصول التنمية والتطور فى المجتمع الحاضر وإزدهارها فى جميع المجالات.

المصطلحات المحورية: المهدوية، القُدوة، التنمية والتطور، المدينة الفاضلة، الدولة الكريمة، وجوه القُدوة.

١. طالب فى المرحلة الثالثة (الدراسات العليا) فى مركز المهدوية التخصصى .

٢. استاذ مساعد فى جامعة طهران .

## عوامل التنمية والتطور من منظار الإسلام بالنظر الى

### المدينة المهدوية الفاضلة

مجتبي المعنوي<sup>١</sup> غلام رضا بهروزي لك<sup>٢</sup>

لا يختلف اثنان بيان التنمية والتطور قد عرفا على إنهما مؤشرين مهمين بالنسبة الى المجتمعات الإنسانية وتثبيت دعائم واركان الحياة الهنيئة والكريمة ويقفز الى الذهن سؤال وهو ماهي العوامل والمقومات التي تساهم في عملية التنمية والتطور من وجهة نظر الإسلام وذلك بالنظر الى المدينة المهدوية الفاضلة؟ ونقول في صدد الإجابة إنه تتجلى بكل وضوح في الرؤية الإسلامية حالة وعملية التنمية والتطور وخاصة في البعد السياسي من خلال حكومة الإمام صاحب العصر والزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) وبما إن الحركة صوب الكمال توجب الوصول الى قمة السعادة وايضاً بيان القرآن الكريم في إن الهدف الاساسي من رسالة وبعثة الأنبياء والمرسلين هي إظهار الدين ومعالمه وأحكامه فإن تحقق ذلك الامر يتم في ظل المدينة المهدوية الفاضلة على إنه مؤشر واضح من أجل حصول التنمية والتطور الإسلامي ولا يمكن تحقيق التطور بمعزل عن طرح عملية التوسعة الإسلامي التي تبتنى وتعتمد بشكل اساسي على التعاليم المهدوية وقد ذكرت هذه المقالة عدد من العوامل والنقاط التي تشارك في عملية التنمية والتطور على اساس تلك التعاليم وهي عبارة عن: محورية الإمام المعصوم ومسايرة المجتمع وتعاطفه مع الإمام صاحب العصر والزمان عليه السلام والتسيق مع مقتضيات ومتطلبات العصر والزمان والتفكر والتعقل وتقوية آواصر الإيمان وتزكية القلوب.

المصطلحات المحورية: المهدوية، المدينة الفاضلة، عملية التنمية، التطور، المقومات.

١. طالب في المرحلة الثالثة (الدراسات العليا) في مركز المهدوية التخصصي.

٢. معيد في جامعة باقر العلوم عليه السلام.

المقومات والعوامل السياسية للتنمية والتطور من وجهة نظر  
الإسلام بالاعتماد على حكومة الإمام المهدي الموعود (عجل  
الله تعالى فرجه الشريف) <sup>١</sup>

مرتضى الشيرودي <sup>١</sup>

من الطبيعي الحديث عن إن التنمية والتطور في العالم الغربي المعاصر لا يمكن لها ان تخطو خطوات وتتقدم الى الأمام من دون وجود المقومات والمؤشرات السياسية ولكنها وقعت فى دائرة الإبهام والغموض فى لزوم استعمالها فى الديمقراطية الدينية وفى النظام المهدي حيث لم يكتثر لهذا الموضوع المحققين والباحثين ومن هنا فإننا نواجه سؤالاً ملحاً ويطلب الإجابة وهو ماهى المقومات والمؤشرات السياسية للتنمية والتطور من المنظار الإسلامى فى حكومة الإمام بقیة الله الأعظم عليه السلام؟ وكما يبدو فإن هناك اختلاف وبون شاسع واسباسى فى البعدين الكمى والكيفى لتلك المقومات والمؤشرات فى النظام الليبرالى الديمقراطى والديمقراطية الدينية وفى النظام المهدي حيث توضح إن القصد من ذلك هو ضرورة الحصول على النظام المهدي فى ظل تشريح وبيان مقومات ومؤشرات التنمية والتطور وتسعى هذه المقالة الى شرح عملية تحقيق مثل هذا الهدف وذلك بواسطة الاسلوب الوصفى - التحليلى - المقارن ومن نتائج وثمارت هذا المقال تأسيس النظام مابعد الليبرالى الديمقراطى وذلك من اجل النيل والحصول على النظام المهدي.

المصطلحات المحورية: المقومات والمؤشرات السياسية، التنمية، التطور، الإسلام والإمام المهدي عليه السلام.

١. استاذ مساعد فى قسم العلوم السياسية فى مركز الإمام الصادق (عليه السلام) للدراسات .

## دراسة علاقة إنتظار الموعود والقُدوة الإسلامية المتطورة

فى رؤية آية الله السيد الخامنئى

حسن الملائى<sup>١</sup> محمد صابر الجعفرى<sup>٢</sup>

لقد كانت كتابة القُدوة الإسلامية المتطورة واحدة من الهواجس التى راودت وشغلت ذهن سماحة آية الله السيد على الخامنئى فى السنوات الأخيرة وذلك من اجل تحسن أداء النظام الإسلامى فى مسيرة الحصول على التطلعات والأهداف التى ينشدها وتحقق الحضارة الإسلامية الجديدة وإرسائها فى ارجاء العالم ومن جهة ثانية فقد كانت الأهداف والقُدوة والمثالية المهدوية ومسألة إنتظار الموعود ونيل الأفاق المتعالية والمطلوبة للثورة الإسلامية وترسيم وتعين النشاطات والفعاليات وتحديد السياسة العامة لها حاضرة دوماً فى افكاره ورؤيته الثاقبة وايضاً فى رؤية الإمام الخمينى عليه السلام باعتبارهما من يقود هذه الثورة ومسيرتها صوب برّ الأمان. وهذه المقالة هى بصدد دراسة العلاقة بين تعاليم إنتظار الظهور والحكومة المهدوية وذلك بواسطة طرح القُدوة والإنموذج المتطور واستخدامات تلك التعاليم فى كتابة القُدوة الإسلامية المتطورة من خلال الاستعانة بالرؤى والأفكار المهدوية التى يحملها المرشد الأعلى للثورة الإسلامية واعتمدت تلك المقالة فى ذلك على الاسلوب الوصفى - التحليلى والمقارن وقد خرجت بنتائج ومعطيات وهى ان الرؤية التى يعتمدها سماحة قائد الثورة الإسلامية فى تحقيق الهدف والمعيار من القُدوة الإسلامية المتطورة هى وجود حالة من الإنتظار الموعود فى النفوس وإيجاد الروح الحاكمة وأداة القياس حيث تكون لهذه العوامل والحالات إفرزات متعددة من قبيل زيادة الأمل والتطلع لمستقبل زاهر وزرع الهمة العالية والعداء للغرب والسعى الجهادى والتخطيط والبرمجة فى طريق كتابة وتنفيذ القُدوة المتطورة.

المصطلحات المحورية: الإمام المهدي عليه السلام، الإنتظار، المهدوية، قُدوة التطور، سماحة آية الله السيد الخامنئى، الحضارة الإسلامية، الظهور.

١٥٩  
انتظار موعود

سال چهاردهم / شماره ٤٥ / تابستان ١٣٩٣

١. طالب فى المرحلة الثالثة (الدراسات العليا) فى مركز المهدوية التخصصى .

٢. طالب فى المرحلة الرابعة (الدراسات العليا) فى فرع الكلام الإسلامى فى الحوزة العلمية فى قم المقدسة .



## الناتج المتمخضة على وجود اسس القدوة الإسلامية المتطورة من خلال الإلهام من الخصوصيات والصفات المتوفرة في مجتمع عصر الظهور

حسين الصالحى<sup>١</sup> حسن السرايادانى<sup>٢</sup> مهدي اليوسفيان<sup>٣</sup>

مما لا شك فيه فإن واحدة من العناصر المهمة والمحورية في عملية التحضر هي بيان نوع النظرة بالنسبة الى مقولة وأمر التنمية وتشخيص المسير في تحققها وإنزالها على أرض الواقع ومن هذا المنطلق فقد إهتم المسؤولين والمحققين في السنوات الأخيرة بمسألة القدوة الإسلامية الإيرانية المتطورة كثيراً وجعلوها من اولويات توجهاتهم ولكن وعلى الرغم من وجود القابليات والشروط التي لامثيل لها للرؤية المهدوية في النظام الفكري الإسلامي وتوفير المقدمات اللازمة والضرورية في طريق الثورة الإسلامية للوصول بها الى الحكومة العالمية للإمام المهدي الموعود عليه السلام فإننا نرى بأن الرؤية المهدوية قد وقعت في دائرة الغفلة وعدم الإكتراث في بلورة وصياغة القدوة الإسلامية المتطورة وقد جرى في الآيات والروايات الواردة ذكر عدد من الأوصاف والصفات للمجتمع المتطور والمتكامل وعنوانها على إنها من مشخصات المجتمع الذي يحظى بعصر الظهور المبارك. وبالطبع فإن معرفة تلك الشخصيات لذلك المجتمع المتكامل والمتطور من المنظار الإسلامي يؤدي بالنتيجة الى طرح وتقديم القدوة المناسبة لحصول التنمية والتطور الذي يتناسب ويتناغم مع الثقافة الإسلامية والرسالة التي تحملها وجاءت من أجلها الثورة الإسلامية وتسعى هذه المقالة الى دراسة الأبعاد والخصوصيات التي تتوفر في مجتمع عصر الظهور وتبينها على أن يتم الاستفادة منها في تحقيق الابعاد التي تعمل على حصول التطور الإسلامي في جميع المناحي وتعتمد هذه المقالة على الاسلوب التحقيقي - الإستدلالي وقد قامت وبعد دراسة الاسناد والمصادر المكتبية والبحث في مجموعة المصادر والاصواف في مجال المجتمع المهدوي بتقديم انودج منسجم يشمل الاصول النظرية (الإفتراضات) واستراتيجية مناسبة واستراتيجيات للتطبيق من اجل حصول عملية التطور.

المصطلحات المحورية: قدوة التطور، مجتمع عصر الظهور، المهدوية، المجتمع المنتظر، استراتيجية الإنتظار.

١. طالب في مرحلة الماجستير في قسم العلوم الإسلامية والإشراف التجارى في جامعة الإمام الصادق عليه السلام في طهران .
٢. طالب في مرحلة الماجستير في قسم العلوم الإسلامية والإشراف التجارى في جامعة الإمام الصادق عليه السلام في طهران .
٣. طالب في المرحلة الرابعة (الدراسات العليا) في الحوزة العلمية في قم المقدسة .

## Cultural Development in the Era of Appearance and its Prospects in the Awaiting Society

*Rahim Kārgar<sup>1</sup>*

The cultural development, the establishment of conditions and the suitable material and spiritual opportunities for people in the society, to recognize their status and increase people's knowledge and readiness for the change and progress is in the acceptance of its general principles. The ultimate goal of the cultural development should be the human's growth and excellence in all aspects. The material growth is fundamental and necessary for the human's excellence. It is evident that this aim is not achieved unless the human's context of life is appropriate for it. This important fact is seriously considered in the ideal Islamic society (Mahdavi's promised society); in which the issue of culture and cultural development is very important and a new culture replaces the decadent ones. The cultural development includes all layers of culture (ideas, beliefs, values, norms, behavior, knowledge, products and symbols) and can provide appropriate prospects for the cultural development in an awaiting society. Accordingly, the prospects for the development of culture in the society should be based on the knowledge and lofty ideas that are derived from the Messianic teachings and it should be stipulated in the national prospects.

**Keywords:** Messianic utopia, culture, cultural development, awaiting society.

---

1. Faculty Member at Science and Islamic Culture Research Center. Dean at Messianism and Futurology Research Center

## The Why and the Necessity of Taking the Messianic Utopia as a Model and its Modelling Role in the Development and Progress of the Present Society

*SeyyedAbolfazlMousaviĀghdāsh<sup>1</sup>, Rouh Allah ShākerieZavārdehie<sup>2</sup>*

Human has always been after his own progress and perfection and takes the necessity of having a perfect model for granted. Since in today's society, there are several propounded models, recognizing the right pattern seems to be difficult. On the other hand, throughout history, these claiming models could not provide the material and spiritual needs of human and even regressed rather than progress. Only the Shi'ites who follows twelve Imams can delineate a clear and prosperous outlook for the future of the world based on the doctrine of Messianism. To develop an "Iranian Islamic model of progress" as the perspective of the Islamic Republic of Iran, we need such a pure model. In this paper, we depict some aspects of this holy thought in the form of expressing the needs of modeling from the Messianic utopia. We take the opportunity to introduce some of the modellable aspects, and mention the evolution strategies in the areas of "religion and culture", "science", "economic and investment", "spread of justice and judgment", "security and prosperity", and "establishment of unity and cooperation". It is obvious that by following the Messianic utopia and in the course of development and high progress, the ground for the realization of the Divine promise is slowly paved and the Crimean government is placed. In this study, based on the evidences from narrations, the necessity and modelling from the Messianic utopia in line with the development and the present society are determined.

**Keywords:** Messianism, model, development and progress, utopia, Crimean governemt, modelling aspects.

---

1. Researcher and Faculty Member at the Specialized Center of Messianism.

2. Assistant Professor at Tehran University, Fārābie Campus.

## Components of the Development and Progress from Islam's Point of View, According to the Messianic Utopia

*Mojtabā Ma'navi<sup>1</sup>, Gholamreza Behrouzie Lak<sup>2</sup>*

Development and progress has been considered as an important indicator for human societies and there is this question that what the components and shaping factors of development and progress are according to the Messianic Utopia. In Islamic thought, development and progress manifests especially in the politics with the Imam of the Time's governance. Since moving towards perfection brings about reaching the peak of prosperity and the Holy Quran has expressed the purpose of the mission of the Holy Prophet is expressing the religion, the full realization of this issue in the Messianic Utopia will be an indicator of Islamic development and progress. The aim of this research is to provide the process of Islamic development based on the doctrine of Messianism. In this article, the most important components for the development and progress based on Messianic doctrine are the centrality of the Imam, society's support and sympathy with the Imam of the Time, coordination with the demands of the time, reason and thinking, strengthening the faith and purifying the hearts.

**Keywords:** Messianism, utopia, development, progress, components.

- 
1. Graduate Student of Level 3 at the Specialized Center of Messianism.  
sm.manavi@chail.ir
  2. Associate Professor at Baqir Al-Ulum University.

## Political Indicators of the Development and Progress from Islam's View with an Emphasis on Imam Mahdi's Governance

*MortezāShiroudie<sup>1</sup>*

The development and progress of the modern West is not easy without the implementation of political indicators; but the necessity of its use in a religious democracy and in Messianic system is in the shadow of ambiguity, a subject which researchers are inattentive about. Thus, we face this question that what the political indicators of development and progress are in Islam's view and in Imam Mahdi's governance. It seems these indicators in a liberal-democratic system, religious democracy and in Mahdi's system are basically different in quality and quantity. Our intention is to show the necessity of achieving the Mahdi's system in the light of dissecting political indicators of development and progress. This article follows a descriptive-analytic method to reach this aim. The necessity of establishing a post-liberal democracy to achieve Mahdi's system is the article's finding.

**Keywords:** political indicator, progress, Islam, Imam Mahdi.

---

1. Assistant Professor of Political Sciences at Imam Sādiq Research Center. dshirody@yahoo.com

## Investigating the Relations of Awaiting the Promised and Islamic Modelling in the Thoughts of Ayatollah Khamenei

*Hasan Mollāie<sup>1</sup>, Muhammad Sāber Jafarie<sup>2</sup>*

Composing an Islamic model of progress has been one of the concerns of Ayatollah Khamenei in recent years in order to improve the efficiency of the Islamic government in the course of attaining its ideals and the realization of a new Islamic civilization in the world. On the other hand, the Messianic ideal and awaiting the promised has been the favorable horizon of the Islamic Revolution and the orientation of activities and policies in his thoughts and those of Imam Khomeini as the revolution's leaders. This article seeks to examine the relations of the doctrine of awaiting the appearance and Messianic government, with the progress model and the outputs of this doctrine in composing the Islamic model of progress with taking the Messianic thoughts of the great leader as provisions and with a descriptive-analytic and comparing approach. The research findings show that from the view point of the supreme leader, awaiting the promised is the governing soul, the measuring tool, and the goal and the criterion for the Islamic model of progress and has outputs like enhancing the hopes, creating great efforts, fighting the West, Jihadi efforts and planning in the route of developing and implementing of progress model.

**Keywords:** Imam Mahdi, awaiting, Messianism, the progress model, Ayatollah Khamenei, Islamic civilization, appearance.

---

1. Graduate Student of Level 3 at the Specialized Center of Messianism.

2. Graduate Student of Level 4 at Qom's Seminary, in the Field of Islamic Theology.

## An Introduction to the Foundations of the Islamic Model of Progress Inspired by the Features of the Community at the Appearance Era

*Hussein Sālehi<sup>1</sup>, Hasan SarĀbādānie<sup>2</sup>, Mahdi Yousefiyān<sup>3</sup>*

One of the central elements of making civilization is the explanation of the type of view toward the issue of development and providing a path to its fulfillment. For this reason, in recent years, the officials and researchers have paid attention to the Islamic-Iranian model of progress. Despite the unique capacity of Messianic thought in the Islamic intellectual system and the design of the path of Islamic Revolution to achieve the global governance of Imam Mahdi (A.S), the Messianic thought has been neglected in composing the Islamic-Iranian pattern of progress. From the perspective of holy Quran's verses and traditions, there are some descriptions about a pioneering and perfect community which is referred to as the community of the Appearance Era. Identifying the elements of this perfect and developed society from an Islamic perspective provides the ground to design a model of development and progress in accordance with the Islamic culture and the mission of Islamic Revolution. In this article, we have tried to examine the aspects and features of the society of the Appearance Era, and use them as a basis for explain the aspects of Islamic progress. The research method used is logical-deductive and is based on investigating library documents. Thus, after investigating and analyzing the collection of resources and descriptions of the Messianic society, we provide a coherent model including the theoretical principles (assumptions) and macro and practical strategies for the development.

**Keywords:** development model, the community of the Appearance Era, Messianism, the awaiting society, awaiting strategy.

- 
1. MSc Student of Islamic Sciences and Business Management at Imam Sādiq University-Tehran. ha.salch@chmaik.ir
  2. MSc Student of Islamic Sciences and Business Management at Imam Sādiq University-Tehran. 87sarbani@gmail.com
  3. Faculty Member at the Specialized Center of Messianism.





# *Entizar-e-Moud (aj)* [Awaiting the Promised]

Journal Quarterly  
Vol. 14, No.45, summer 2014  
Specialized Center for Mahdaviat Studies  
Islamic Seminary of Qom

Managing Director: *Mohsen Gharaati*  
Chief Editor: *Ruhollah Shakeri Zavardehi*

*Entizar- Moud* [Awaiting the Promised] Quarterly, issued by the Cultural foundation of the Promised Mahdi (may God hasten his appearance), is the first scientific journal in the field of the *Mahdiism*, with the following aims:

- Dissemination of the culture of the Mahdiism
- Elucidation of the status of the Mahdiism in Islamic studies.
- Introducing the most important researches and researchers in the Mahdiism field.

The expressed Opinions in this journal are those of the authors and do not necessarily reflect the views of the foundation.

A paper which is submitted for publication must be double spaced and on one side of the paper. Length should be 15 to 25 pages for articles.



### هزینه اشتراک

نوع درخواستی	پست عادی (ریال)	سفارشی (ریال)	پیشتاز (ریال)
تک شماره	۱۴۰۰۰۰ + ۵۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰ + ۵۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰ + ۵۰۰۰۰۰
دوره یک ساله	۵۶۰۰۰۰ + ۲۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰ + ۲۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰ + ۲۰۰۰۰۰۰

#### نحوه پرداخت:

وجه اشتراک را به حساب سیبا (۰۷۰۰۷۶۶۳۶۰۰۱۰۹۵۷۶۶۳۶۰۰۷) و یا شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۳۲۰۷۵ بانک ملی شعبه حجتیه قم، کد ۲۷۱۱ به نام انتشارات مرکز تخصصی مهدویت واریز و اصل فیش بانکی را همراه این فرم به نشانی ذیل ارسال یا فاکس کنید:

قم، فیابان شهدا (صفائیه)، کوچه شماره ۲۲ (آمار)، بن بست شهید علیان،

مرکز تخصصی مهدویت (مندوق پستی ۳۷۱۳۵/۱۱۹) - فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ - تلفن: ۰۲۵۳۷۸۱۴۱۶۶



#### یادآوری:

از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری فرمایید. در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به این مرکز اطلاع دهید. تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.



### فرم اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی انتظار موعود

نام خانوادگی ..... نام ..... میزان تحصیلات .....

شغل ..... نشانی .....

کد پستی ..... تلفن .....

تعداد درخواستی ..... شروع اشتراک از شماره .....

مبلغ پرداختی .....

تک شماره‌های .....

نوع درخواست حواله .....

کد اشتراک ..... نوع درخواست:  پست عادی  سفارشی  پیشتاز

محل امضا